



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اگلام جوانان



نسخه ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام جوانان

نویسنده:

محمود اکبری

ناشر چاپی:

بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	احکام جوانان (روشی نو در بیان احکام برای جوانان)
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	مقدمه
۱۵	مجموعه درس‌هایی از احکام اسلامی
۱۵	امتیازات فقه شیعه
۱۵	تعریف احکام
۱۶	اهمیت فراگیری احکام
۱۶	قلمرو احکام
۱۶	ابعاد گوناگون احکام اسلامی
۱۶	تاریخچه فقه و اجتهاد
۱۸	اجتهاد
۱۹	مقدمات اجتهاد
۱۹	شرایط احکام
۲۰	دانستنی‌هایی از بحث‌های فقهی
۲۰	احکام ثابت و متغیر
۲۱	رمز تغییر احکام
۲۳	احکام پنجگانه
۲۳	فلسفه احکام
۲۶	اقسام واجبات
۲۶	واجبات توصلی و تعبدی
۲۶	واجب عینی و کفایی
۲۶	واجب تعیینی و تخییری

۲۶	واجب موسع و واجب مضیق
۲۶	پی‌نوشتها
۲۶	مجموعه روشهای آموزش احکام
۲۷	مقدمه
۲۷	اصول تدریس احکام
۲۷	۱. کسب تسلط علمی
۲۷	۲. مطالعه قبل از تدریس
۲۷	۳. تنظیم و دسته‌بندی احکام
۲۷	۴. همراه داشتن کتاب احکام
۲۷	۵. پرهیز از پاسخهای احتمالی
۲۸	۶. تنوع در بیان احکام
۲۸	۷. ذکر مدرک و ماخذ
۲۸	۸. پرهیز از اصطلاحات مشکل
۲۸	۹. زمینه‌سازی بیان احکام
۲۸	۱۰. ذکر مثالها و مصادیق
۲۸	۱۱. طرح سؤال
۲۸	۱۲. یادداشت سؤالات و پاسخ آنها
۲۹	۱۳. بررسی نکات منفی و مثبت
۲۹	۱۴. شناخت زمان، مکان و نیاز مخاطبان
۲۹	۱۵. دقت در بیان مسائل اختلافی
۲۹	مجموعه روشهای آموزش احکام
۲۹	۱. روش سنتی
۲۹	۲. احکام موضوعی
۳۰	۳. آموزش از طریق فیلم و اسلاید

۴. احکام شعری ۳۰
۵. بیان احکام در قالب داستان ۳۰
۶. احکام به صورت پانتومیم ۳۰
۷. احکام تصویری ۳۰
۸. احکام مسابقه‌ای ۳۰
۹. احکام استدلالی ۳۰
۱۰. احکام آموزشی ۳۰
۱۱. روش عملی ۳۰
۱۲. احکام اخلاقی ۳۱
۱۳. روش ترکیبی ۳۱
- پی‌نوشت ۳۱
- مجموعه روشهای سؤالات هنری احکام ۳۱
- مسائل تلگرافی ۳۱
- بازی با کلمات احکام ۳۱
- آیا می‌توانید؟ ۳۲
- به من بگو ۳۲
- مسائل ناقص را کامل کنید ۳۲
- احکام الفبایی ۳۳
- سرگرمیهای احکام ۳۶
- مقدمه ۳۶
- او کیست؟ ۳۷
- به من بگو ضد مرا ۳۷
- به من بگو چرا؟ ۳۷
- فرق این دو کلمه چیست ۳۷

- ۳۷ بازی با اعداد
- ۳۸ درباره من چه می‌دانید
- ۳۸ مرحله بعد آن چیست؟
- ۳۸ نام دیگر آن چیست
- ۳۸ احکام معمایی
- ۳۹ جواب آن چیست؟
- ۴۰ به من بگو
- ۴۰ سؤالهایی از یک نماز دو رکعتی
- ۴۰ اسمش چیست؟
- ۴۱ احکام عددی
- ۴۲ سرگرمی هایی از احکام
- ۴۲ واحد بعضی از احکام
- ۴۳ اولین‌ها
- ۴۳ احکام آخرین
- ۴۳ چه کلمه‌ای هستم؟
- ۴۴ من چیستم؟
- ۴۴ در کجاست؟
- ۴۴ چه شماره‌ای هستم
- ۴۴ اشاره
- ۴۵ کارهایی که اصلش مستحب است و فرع آن واجب
- ۴۵ کارهایی که اصل آن مستحب و فرعش حرام است
- ۴۵ جواب من مثبت است یا منفی
- ۴۵ کدام بهتر است؟
- ۴۶ به نماز خود نمره دهید!

۴۶	به من بگو کدام است
۴۷	احکام «بگرد و پیدا کن»
۴۷	احکام رمزی
۴۷	احکام تستی
۴۹	نامش چیست؟
۵۰	احکام سه بعدی تقلید
۵۰	کام سه بعدی وضو
۵۱	احکام سه بعدی «غسلها»
۵۱	احکام سه بعدی نماز
۵۳	احکام سه بعدی روزه
۵۳	احکام سه بعدی متفرقه
۵۴	لطیفه‌هایی از احکام
۵۴	۱
۵۴	۲
۵۴	۳
۵۴	۴
۵۴	۵
۵۵	۶
۵۵	۷
۵۵	۸
۵۵	۹
۵۵	۱۰ از عالمی پرسیدند که در صحرا به کدام سمت غسل باید کرد. او گفت: به سمت جامه‌های خود تا دزد نبرد!
۵۵	۱۱
۵۵	۱۲

۵۵	۱۳
۵۶	۱۴
۵۶	۱۵
۵۶	۱۶
۵۶	۱۷
۵۶	۱۸
۵۶	۱۹
۵۶	۲۰
۵۷	۲۱
۵۷	۲۲
۵۷	۲۳
۵۷	۲۴
۵۷	۲۵
۵۷	۲۶
۵۷	۲۷
۵۷	۲۸
۵۸	۲۹
۵۸	۳۰
۵۸	۳۱
۵۸	۳۲
۵۸	۳۳
۵۸	۳۴
۵۹	۳۵
۵۹	۳۶

۵۹	۳۷
۵۹	۳۸
۵۹	۳۹
۵۹	۴۰
۵۹	۴۱
۶۰	۴۲
۶۰	۴۳
۶۰	۴۴
۶۰	۴۵
۶۰	۴۶
۶۰	۴۷
۶۱	۴۸
۶۱	۴۹
۶۱	۵۰
۶۱	۵۱
۶۱	۵۲
۶۱	پی‌نوشت
۶۲	سؤالهای معمایی از ائمه معصومین - علیه‌السلام
۶۳	مناظره حضرت جواد - علیه‌السلام
۶۴	سوالات از علی علیه‌السلام
۶۴	اشعاری در احکام
۶۴	گوهر نماز
۶۴	فروع دین
۶۴	مبطلات نماز

۶۵	نماز و آداب آن
۶۵	در سجود و آداب آن
۶۵	در روزه و کیفیت آن
۶۶	میهمان خدا
۶۶	امر به معروف
۶۶	واجبات نماز
۶۷	اهمیت نماز
۶۷	ضمیمه
۶۷	مفاهیم و اصطلاحات احکام (۴)
۶۷	مقدمه
۶۷	آ، ا
۶۸	ب، ت، ث
۶۸	ج، ح، خ
۶۹	د، ذ، ر، ز
۶۹	س، ش، ص، ض، ط، ظ
۷۰	ع، غ، ف، ق
۷۰	ک، ل، م
۷۱	ن، و، ه، ی
۷۱	پی‌نوشتها
۷۱	پاسخنامه احکام
۷۲	مسائل تلگرافی
۷۲	بازی با کلمات
۷۲	آیا می‌توانید؟
۷۲	به من بگو

- ۷۲ احکام الفبایی
- ۷۴ در چه صورت
- ۷۴ در کجا
- ۷۴ او کیست؟
- ۷۴ به من بگو ضد مرا
- ۷۴ احکام فرق این دو کلمه چیست
- ۷۵ درباره من چه می دانید
- ۷۵ مرحله بعد آن چیست؟
- ۷۶ نام دیگر آن چیست؟
- ۷۶ احکام معمایی
- ۷۶ جواب آن چیست؟
- ۷۶ سؤالهایی از یک نماز دو رکعتی
- ۷۶ اسمش چیست؟
- ۷۶ راه ...
- ۷۷ واحد بعضی از احکام؟
- ۷۷ اولین‌ها
- ۷۷ چه کلمه‌ای هستم؟
- ۷۷ من چیستم؟
- ۷۸ در کجاست؟
- ۷۸ چه شماره‌ای هستم؟
- ۷۸ احکام شماره‌ای
- ۷۸ به من بگو کدام است؟
- ۷۸ احکام رمزی
- ۷۸ احکام تستی

نامش چیست ۷۹

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۸۱

احکام جوانان (روشی نو در بیان احکام برای جوانان)

مشخصات کتاب

سرشناسه: اکبری، محمود، ۱۳۳۷ عنوان و نام پدیدآور: احکام جوانان: روشی نو در بیان احکام برای جوانان / محمود اکبری. مشخصات نشر: قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: [۲۴۹] ص. جدول، نمودار. فروست: بوستان کتاب؛ شماره کتاب ۴۷۷ احکام؛ ۲۳. فقه و حقوق؛ ۷۷ شابک: ۱۸۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸۹۶۴۵۴۸۲۵۵۶ یادداشت: ص. ع. لا-تینی شده: Mahmud-e Akbari. Ahkam-e Javanan: raveshi now dar bayan-e ahkam baray-e javanan= legal rulings for the youth a new approach in presenting legal rulings for the youth یادداشت: ص. ع. به عربی: محمود الاکبری. احکام الشباب: اسلوب حدیث فی بیان احکام الشباب. یادداشت: چاپ پنجم. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات نوجوانان. شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹۱۳۸۵/الف۱۷۴الف۳ رده بندی دیویی: [ج] ۲۹۷/۳۴۲۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۷۹۲۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم از آن جا که عمل به ارکان، یکی از پایه‌های ایمان است و در آیات قرآن ایمان و عمل به همراه هم آمده‌اند، نمی‌توان ایمان و عمل را از هم جدا نمود و علمی که عهده‌دار شناخت تکلیف و وظایف مکلفین است، علم فقه است؛ علم فقه علمی است که به وسیله آن می‌توان احکام دین و وظایف مکلفین را از منابع غنی کتاب و سنت استخراج نمود و فقهای عظام عهده‌دار چنین مسؤلیت خطیری هستند. کتاب حاضر قدمی است در راه شناخت احکام اسلام که در سه بخش کلی تنظیم شده است: بخش اول: مجموعه درسهایی از فقه و احکام اسلامی. بخش دوم: فهرست مجموعه روشهای آموزش احکام. بخش سوم: مجموعه روشهای سؤالات هنری احکام که برای سطوح مختلف طبق فتوای امام خمینی (ره) تنظیم شده است. امید این که این بضاعت ناچیز مقبول در گاه احدیت افتد و موجب خوشنودی امام عصر -صلوات الله علیه گردد. والسلام

مجموعه درسهایی از احکام اسلامی

امتیازات فقه شیعه

۱. جامعیت فقه شیعه: فقه شیعه تمام مسائل کلی تا جزئی مورد نیاز را بیان نموده و به عبارتی، غنی‌ترین فقه در مذاهب اسلامی است، چنانچه استاد عبدالفتاح عبدالمقصود، عالم بزرگ اهل سنت می‌نویسد: سزاوار است که مذهب شیعه در راس مذاهب اهل سنت قرار گیرد، زیرا منبع اصلی مذهب شیعه علی (ع) است که داناترین مردم به دین اسلام بعد از پیامبر (ص) است. (۱) ۲. فقه شیعه زنده است و صرفاً مربوط به تحقیقات علمای گذشته نیست و همگام با زمان پیش می‌رود و مسأله‌ای نیست که فقه شیعه برای آن پاسخی نداشته باشد. ۳. فقه شیعه، فقهی است ضد استکباری و طرفدار مظلومان و هرگز در طول تاریخ، فقهای شیعه در مسیر سلاطین و طاغوتها نبوده‌اند، بلکه رهبر بزرگترین نهضتها و حرکتها بوده‌اند.

تعریف احکام

احکام در لغت، جمع حکم و به معنای فرمان و دستور به کار می‌رود و در اصطلاح فقهی، احکام، کلیه دستورهای عملی و فروع دین اسلام در تمام ابعاد آن است و همه دستورهای عبادی و سیاسی و اقتصادی و خانوادگی و قضایی را شامل می‌شود.

اهمیت فراگیری احکام

فراگیری احکام از نظر قرآن و سنت و از دیدگاه علما و مراجع دارای ضرورت و اهمیت خاصی است که به طور اختصار آن را بیان می‌کنیم: ۱. از نظر قرآن «فلولا- نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین...»؛ (۲) چرا از هر گروه از ایشان تنی چند حرکت نمی‌کنند تا دانش دین بیاموزند. ۲. از نظر سنت امام صادق (ع) فرمود: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق ولایزیده سرعه السیر من الطریق الا بعدا؛ (۳) کسی که بدون آگاهی وظایفش را انجام دهد، مانند کسی است که از بیراهه می‌رود و هر چه تندتر رود از مقصدش دورتر می‌شود.» «قال رسول الله (ص): اف لکل مسلم لایجعل فی کل جمعه یوما یتفقه فیه امر دینه ویسال عن دینه؛ (۴) اف باد بر هر مسلمانی که در هفته یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد.» ۳. از دیدگاه مراجع و علمای اسلام مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد. (۵) وصاحب عروه الوثقی می‌فرماید: هر عملی که از مکلف صادر می‌شود فراگیری حکم آن واجب است، خواه از عبادات باشد و خواه از معاملات و یا از امور عادی. (۶) و شیخ انصاری (ره) حکم به فسق کسی نموده که مسائل مورد ابتلای خود را ترک کند و در مقام یادگرفتن آنها نباشد. (۷) با توجه به آنچه گفته شد، آیا یادگیری احکام ضرورت ندارد؟ آیا شما تمام مسائل خود را می‌دانید؟ آیا تا به حال برای شما چنین سؤالاتی پیش نیامده است؟ کیفیت تطهیر موکت نجسی که به زمین چسبیده چگونه است؟ وضو گرفتن زیر باران چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان بر کاغذ رنگی و اسکناس سجده نمود؟ آیا می‌توان غذای نجس را به خورد کودک داد؟ و دهها سؤال دیگر.

قلمرو احکام

قلمرو احکام، تنها مسائل عبادی و معاملات و خانوادگی نیست، بلکه شامل کلیه دستورات عملی اسلام می‌گردد، همان گونه که حضرت امام (ره) فرموده‌اند: هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن نداشته باشد. (۸)

ابعاد گوناگون احکام اسلامی

۱. بعد عبادی: قسمت عمده احکام درباره اعمال عبادی است. ۲. بعد فرهنگی: مثل احکام مربوط به خواندن کتابهای گمراه کننده و این که برای چه کسانی جایز و برای چه کسانی جایز نیست و نیز حکم نگهداری و چاپ و نشر و تدریس کتب ضاله. ۳. بعد اخلاقی: مثل حکم غیبت کردن بچه نابالغ ممیز که آیا جایز است یا نه. ۴. بعد سیاسی و نظامی: مسائل مربوط به دفاع و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در این زمینه است. ۵. بعد اقتصادی: مانند احکام مربوط به خمس، زکات، مالیاتها، بانک، بیمه و سرقفلی و... ۶. بعد هنری: مانند احکام مربوط به شبیه سازی در نمایشهایی، همچون تعزیه و مسائلی نظیر مجسمه سازی و نواختن آهنگ و گریم کردن و... ۷. بعد بهداشتی و پزشکی: مانند احکام پاک کننده‌ها و مسائل مربوط به کنترل جمعیت و جلوگیری از حاملگی و تلقیح و...

تاریخچه فقه و اجتهاد

لزوم فقه و شریعت همان طور که در جای خود ثابت شده، هدف از آفرینش انسان، تکامل فردی و اجتماعی در امور مادی، معنوی و اخلاقی است و او برای رسیدن به کمال، احتیاج میرم به قوانینی دارد که تمام جنبه‌های فوق را دارا باشد؛ از این رو خداوند برای

هر امتی شریعت و قوانینی مقرر فرموده: «لکل جعلنا منکم شرعاً و منهاجاً». (۹) و مجموعه قوانینی که به پیامبران بزرگ، همانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص) وحی شده، قانون و شریعت را تشکیل می‌دهد. شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی او حینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی. (۱۰) فقه و شریعت اسلام را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد: ۱. در عصر پیغمبر (ص) در عصر پیغمبر (ص) قرآن و سنت رسول خدا (ص) اساس تشریح بود و مردم مستقیماً احکام را از خود پیامبر می‌شنیدند و سؤالات خود را از او می‌پرسیدند؛ در این عصر، چون پیغمبر با منبع وحی ارتباط مستقیم داشت، احتیاجی به اجتهاد نبود. ۲. عصر خلفا بعد از رحلت پیامبر اصحاب به قرآن و سنت و احادیثی که از رسول گرامی شنیده بودند عمل می‌کردند و چون به مسائل جدید و مشکلی بر می‌خوردند و یا در تفسیر و معنای آیات و روایات اشکال و ابهامی بر ایشان روی می‌داد به علی بن ابی طالب (ع) که اهل ذکر و باب علم پیغمبر (ص) بود مراجعه می‌کردند. در این عصر حدیث و سنت پیغمبر مهمترین اساس تشریح بعد از قرآن بود، چه در قرآن آمده که: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا؛ (۱۱) آنچه پیغمبر برای شما آورده به آن عمل کنید و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید.» ۳. عصر امام حسن و امام حسین (ع) بعد از شهادت علی (ع)، امام حسن و امام حسین یکی پس از دیگری مرجع حل و فصل احکام پیروان و شیعیان بودند، ولی متأسفانه در این دوران، حکومت اسلامی وضع اسفناکی داشت و ظلم و استبداد مجالی برای ابلاغ احکام به مردم نمی‌داد، اولیای دین نیز به خاطر محدودیتهایی که داشتند، تنها برای پیروان و اطرافیان خود احکام را بیان می‌نمودند. ۴. عصر امام سجاد (ع) امام سجاد (ع) با همه مشکلات و محدودیتها و کنترل شدید حکومت غاصب وقت، در ضمن دعا و راز و نیاز با پروردگار، بسیاری از دقائق علوم و احکام الهی و مسائل تربیتی و اخلاقی را بیان می‌کردند. مجموعه این دعاها به صورت کتاب بسیار نفیسی به نام «صحیفه کامله سجادیه» درآمده است. و رساله‌ای هم از آن حضرت به جا مانده که به نام «رساله حقوق» معروف است. ۵. عصر امام محمد باقر (ع) پس از حضرت سجاد (ع)، فرزند برومندش امام باقر (ع) به جای پدر عهده‌دار امر امامت گردید. در این عصر بر اثر انقلاب حسینی و شهادت آن حضرت و اقدامات امام سجاد از یکسو، و شروع مخالفت بنی عباس با بنی امیه از سوی دیگر، زمینه مساعدی برای تعلیم و تربیت و آگاه ساختن مردم به قوانین و دستورات راستین اسلام فراهم گشت و امام باقر (ع) به خوبی از این فرصت استفاده کردند و زمینه مساعدتری برای فرزند خود امام صادق فراهم ساختند. ۶. عصر امام صادق (ع) در عصر امام صادق (ع) هرج و مرج امویان به اوج خود رسیده بود. حضرت این فرصت را غنیمت شمرده و به تبلیغ آیین پیامبر (ص) پرداخت و فقه شیعه را به طور گسترده پایه گذاری کرد. گفته می‌شود در حدود چهار هزار شاگرد از محضر پر فیضش استفاده می‌کردند و از گفته‌ها و درسهای آن حضرت، قریب به چهارصد کتاب در رشته‌های مختلف تهیه نمودند. ۷. عصر سایر ائمه (ع) بعد از امام صادق (ع) در دوره امام رضا (ع) و فرزندانش نیز جنبشهای علمی و فرهنگی فراوانی پدید آمد، ولی رفته رفته بر اثر انتقال امام رضا (ع) به خراسان و امام هادی به سامرا و محدودیت امام حسن عسکری (ع)، این آزادی فرهنگی محدودتر گردید؛ در عین حال، شاگردانشان در گوشه و کنار به نشر علوم و احادیث پرداختند و از زمان امام علی بن ابی طالب (ع) تا عصر امام حسن عسکری (ع)، شاگردان آنها توانستند در حدود ۶۶۰۰ کتاب از دریای دانش آنها تهیه کنند. مرحوم شیخ حر عاملی قسمتی از این آثار را در مجموعه بزرگی به نام وسائل الشیعه تنظیم و جمع آوری نموده که مورد استفاده فقها و مجتهدان است. پیش از او نیز مرحوم کلینی (متوفی ۳۲۹ ه.ق.) و شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ه.ق.) و شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ه.ق.) در چهار کتاب چندین جلدی به نامهای اصول و فروع کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار امهات روایات فقهی را گردآوری کرده بودند. ۸. دوران نایبان امام پس از امام حسن عسکری (ع) فرزند برومندش، حضرت ولی عصر (ع) به امامت رسید. در این عصر مردم به وسیله چهار نفر که نماینده و نایب آن حضرت بودند، مشکلات و مسائل خود را حل می‌کردند و پس از مدتی بنا به مصالح عالی الهی امام دوازدهم از انظار پنهان گشت، و طبق مدارکی این نمایندگی به طور عموم به فقهای عظام منتقل گردید. طبق این مدارک، فقهای عظام از زمان غیبت به وسیله اجتهاد، احکام و

مسائل تازه‌ای را که پیش می‌آمد از قرآن و حدیث و اجماع و عقل، استنباط نموده و برای مردم بیان می‌کردند. ۹. پیدایش مکتبهای اهل سنت در عصر امام صادق (ع) چندین مکتب دیگر فقهی پدید آمد، از جمله مکتبهای مالکی، شافعی، حنبلی، حنفی و چهره‌هایی همچون داوود بن علی ظاهری اصفهانی، حسن بصری، سفیان ثوری که مستقلاً اهل نظر و فتوا بودند و مردم کم و بیش از آنها پیروی می‌کردند. در سال ۶۶۵ هجری، الملک الظاهر در مصر رسماً اعلام داشت که جز چهار مکتب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هیچ مذهب دیگری رسمیت ندارد و از این تاریخ، عصر تقلید اهل تسنن از این چهار مکتب آغاز گردید و درهای اجتهاد بسته شد و فقهای اهل سنت به جای اجتهاد و گسترش فقه به تقلید از چهار مکتب فوق و شرح کتابهای مختصر و اختصار کتابهای مفصل فقهی پرداختند. (۱۲) ۱۰. عصر نهضت و اجتهاد این وضع همچنان ادامه داشت تا این که اخیراً بعضی از فقهای اهل سنت، همانند شیخ محمد عبده و شیخ مراغی بزرگ، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت راه اجتهاد را گشودند و خود را از تقلید مکتب خاصی آزاد ساختند، به طوری که اکنون می‌توانند فقه خود را مانند فقه شیعه با تطورات و تحولات زمان توسعه و گسترش دهند. ۱۱. عصر فقه مقارن یا تطبیقی در سالهای اخیر دانشگاه الازهر با مطرح ساختن فقه مقارن، تحول عظیم خود را آغاز کرد و افق نوینی به روی دانشجویان الازهر گشود. فقه مقارن، فقهی است مشتمل بر فقه شیعه و سنی که در آن محقق و مجتهد بی‌آن که تحت تاثیر مکتب خاصی قرار گیرد، براساس دلیل، پیش می‌رود و نظری را که دلیل قویتری دارد، می‌پذیرد، از هر افقی که باشد. در هفدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۷۸ هجری قمری رئیس اسبق دانشگاه الازهر و مفتی اعظم اهل تسنن، شیخ محمود شلتوت، طی فتوای تاریخی خود با صراحت اعلام داشت که عمل به مذهب جعفری، مانند عمل به مذاهب دیگر صحیح بوده و هر کس می‌تواند اعمال مذهبی خود را بر طبق فقه شیعه انجام دهد. (۱۳) او در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «من و بسیاری از برادران همکارم در دارالتقرب و مجامع ازهر و کمیسیونهایی که برای قانون احوال شخصی (قوانین مربوط به خانواده) تشکیل می‌شد توانستیم که اقوال و آرایبی از مذهب شیعه را بر مذهب تسنن ترجیح دهیم. هرگز فراموش نمی‌کنم، هنگامی که به تدریس فقه مذاهب اسلام مشغول بودم و آرا را از نظر می‌گذراندم، در میان آنها تنها مذهب شیعه توجهم را جلب نمود و چه بسا رای شیعه را به دلیل قدرت استدلالهایش ترجیح می‌دادم، زیرا در مقابل دلیل قوی و منطقی محکم باید خاضع بود. و نیز فراموش نمی‌کنم که در بسیاری از قوانین، به خصوص قوانین مربوط به خانواده (مانند طلاق، ازدواج، ارث و...) طبق مذهب شیعه فتوا داده‌ام. این است که امروز وظیفه خود می‌دانم که در دانشکده حقوق اسلامی که از دانشکده‌های الازهر است آنچه را که سالها آرزومند آن بودم، برقرار سازم و آن فقه مقارن است و هدف ما به دست آوردن حکم صحیح اسلامی از فقه هر یک از مذاهب اسلامی است و قطعاً فقه شیعه در این مورد در صف اول قرار گرفته است.»

اجتهاد

اجتهاد از نظر لغت به معنای رنج بردن و کوشیدن تا سر حد توانایی است و در اصطلاح فقه اسلامی به کار بردن همت و کوشش در راه پی بردن به احکام و قوانین شرعی از منابع و ادله استنباط و در مقابل آن، تقلید عبارت است از پیروی از رای دیگری بدون تحقیق شخصی. شؤن فقیه بنا به آنچه امام خمینی در کتاب الرسائل بیان داشته‌اند، شؤن فقیه عبارت است از: ۱. استنباط مستنبط کسی است که توانایی استنباط و به دست آوردن احکام را از ادله داشته باشد. ۲. اجتهاد مجتهد کسی است که می‌تواند طبق رای و نظر خود عمل نماید به طوری که در صورت مطابقت با واقع پاداش می‌گیرد و در صورت مطابقت نداشتن با واقع معذور است و آن عبارت است از به دست آوردن حکم شرعی از راههایی که نزد متخصصان فقه متعارف است و با تحصیل مقدمات اجتهاد به دست می‌آید.

مقدمات اجتهاد

۱. فرا گرفتن ادبیات عربی به مقدار نیاز. ۲. آشنایی به محاورات عرفی و زبان مردم مورد خطاب قرآن و سنت و پرهیز از مخلوط کردن مفاهیم عرفی با دقایق علمی و عقلی. ۳. آشنایی به علم منطقی. ۴. دانستن مسائل مهم اصول فقه که در فهم احکام شرعی مؤثر است. ۵. آشنایی به علم رجال به مقدار احتیاج در تشخیص صحت و سقم روایات. ۶. انس و آشنایی به قرآن و سنت، که بیش از هر چیز در استنباط حائز اهمیت است. ۷. داشتن تمرین استنباط به طوری که برایش قوه (و ملکه) استنباط حاصل شده باشد. ۸. جستجوی کامل از آرا و نظریات پیشینیان تا فقیه در جهت خلاف شهرت و اجماع قرار نگیرد. ۹. بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، مخصوصا در مورد تعارض اخبار چه بسا که در فهم احکام به مجتهد یاری دهد. ۱۰. به کار بردن جهد و کوشش کامل و به کار گرفتن همه توان در استنباط احکام. وقتی مجتهد با شرایط فوق، احکام شرعی را استنباط نمود، می‌تواند، به آنچه به دست آورده عمل کند و چنانچه فرضا استنباط او بر خلاف واقع در آید، معذور خواهد بود. ۳. افتا مجتهدی که با شرایط یاد شده به اجتهاد می‌پردازد و حکم واقعی یا ظاهری را استنباط می‌کند، همان‌طور که می‌تواند به آن عمل کند، می‌تواند به آن فتوا دهد. (۱۴) ۴. مرجع فتوا کسی که مرجع فتواست، و بر دیگری جایز یا واجب است که به وی مراجعه و در احکام شرعی از وی پیروی نماید، باید دارای شرایط زیر باشد: ۱. عالم باشد (و بنا بر احوط، در صورت امکان، باید اعلم بوده و احاطه‌اش بر مسائل فقهی از مجتهدان دیگر بیشتر باشد). ۲. مجتهد باشد. ۳. عادل باشد (عدالت خصلتی است پایدار که همواره شخص را به تقوا و ترک محرمات و انجام واجبات وای می‌دارد). ۴. با ورع و با تقوا باشد. ۵. و بنا بر احتیاط، حریص به دنیا و ریاست طلب نباشد. در حدیثی، به نقل از امام حسن عسکری (ع) آمده است: «من کان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدینه، مخالفا لهواه، مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه؛ فقیهی که خویشتن‌دار، نگهبان دین و مخالف هوا و هوس بوده و تنها مطیع رهبر الهی خود باشد، بر عامه مردم است که از او پیروی کنند.» ۵. قضاوت یکی از شئون فقیه، قضاوت است، او می‌تواند به خصومتها و نزاعها پایان دهد. ۶. زعامت و ولایت فقیه زعیم و ولی فقیه کسی است که عالم به سیاستهای دینی و برقرار کننده عدالت اجتماعی در میان مردم است و طبق روایات، ولی فقیه، وارث پیامبران و بهترین خلق خدا بعد از ائمه است و مجاری امور و احکام و دستورات، به دست اوست. فرق میان ولایت فقیه و مرجعیت فتوا میان زعامت و مرجعیت فتوا چند تفاوت وجود دارد: ۱. زعیم و ولی فقیه گذشته از علم به قوانین الهی و احاطه به سیاستهای دینی، باید دارای عدالت و شجاعت و مدیریت کافی برای رهبری بوده و به مسائل اجتماعی و سیاسی روز، آگاه باشد. ۲. وقتی زعیم و ولی فقیه بنا به مصالح مردم حکمی صادر می‌کند، بر همه حتی بر کسانی که از دیگران تقلید می‌کنند، آن حکم واجب می‌شود، چنان که وقتی مرحوم میرزای شیرازی -رضوان الله تعالی علیه زعیم دینی و سیاسی، حکم تحریم تنباکو را صادر فرمود و یا مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی حکم جهاد دادند، چون حکم حکومتی بود، همه حتی علما تبعیت کردند. ۳. مقام مرجعیت فتوا می‌تواند در یک زمان متعدد باشد و هر کس هر مجتهدی را که پارسا و داناتر تشخیص دهد، می‌تواند از او پیروی نماید، ولی مقام زعامت و ولایت فقیه نمی‌تواند متعدد باشد؛ چه این مقام باید در رابطه با ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی کشور، دارای یک قدرت مرکزی باشد و گرنه موجب تشتت و چند دستگی امت خواهد گشت و وحدت کلمه از بین خواهد رفت، همان‌طور که امام رضا (ع) در ضمن حدیثی به علل متعدد نبودن امام اشاره فرموده‌اند (۱۵). ۴. کار مرجعیت فتوا را می‌توان جانشین کار نبوت، یعنی ابلاغ قوانین الهی به مردم، و کار ولایت فقیه را جانشین کار امامت، یعنی مسؤولیت اجرا و پیاده کردن قوانین دانست. ۵. از شرایط مرجعیت فتوا اعلمیت است؛ ولی در زعامت و ولایت فقیه اعلمیت شرط نیست.

شرایط احکام

احکام شریعی دارد که خود به سه قسمت تقسیم می‌شود: ۱. شرایط وجوب؛ و آن را شرایط تکلیف هم می‌گویند که در صورت بودن آنها تکالیف الهی بر انسان واجب می‌گردند و آنها عبارتند از: ۱. بلوغ؛ ۲. عقل؛ ۳. قدرت. ۲. شرایط صحت؛ و آن شریعی است که رعایت کردنش موجب صحت عمل و انجام دادنشان دارای ثواب است و ترکشان در واجبات، باعث عقاب خواهد شد. مثل نیت در نماز که بدون آن نماز باطل است و یا طهارت در نماز مستحبی که شرط صحت نماز است. ۳. شرایط قبولی یا شرایط کمال؛ و آن شریعی است که رعایت کردن و انجام دادنشان ارزش و ثواب عمل را بیشتر می‌کند، ولی ترکشان موجب عقاب نخواهد شد. به عبارت دیگر، در شرایط صحت، سخن از کامل بودن اجزا و شرایط عبادت است، برخلاف شرایط قبولی که در آن سخن از کمال عبادت است. مثلاً به خانه‌ای که براساس اصول معماری ساخته نشده، می‌گویند: این که خانه نیست؛ یعنی، خانه کامل نیست و یا شخصی که نمازش را در مسجد نمی‌خواند، نمازش نماز نیست؛ یعنی، کامل نیست؛ گاهی عبادت، انسان را از کيفر می‌رهاند، ولی محبوب خدا نمی‌سازد. در آیات و روایات شریعی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه‌هایی از آنها از این قرار است: الف) شرط اعتقادی (ایمان به خدا) «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحینه حیلا طیبه؛ (۱۶) هر کس -از مرد یا زن کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] می‌بخشیم.» و در سوره توبه (آیه ۵۳) خطاب به منافقان می‌فرماید: انفاق شما پذیرفته نیست، چون اعتقاد قلبی به خدا و رسول خدا ندارید. ب) شرط سیاسی: ولایت قال البقر: من دان الله بعباده یجهد فیها نفسه ولا امام له من الله فسیعیه غیر مقبول؛ هر کس برای خدا عبادتی انجام دهد و در این کار خود را به سختی بیفکند، ولی به امام معصوم اعتقاد نداشته باشد، تلاشش بی‌فایده است. ج) شرط اخلاقی: تقوا قرآن داستان قربانی فرزندان آدم را ذکر می‌کند و می‌فرماید: قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری پذیرفته نشد و سپس می‌فرماید: «انما یتقبل الله من المتقین؛ خدا تنها اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد.» د) شرط اقتصادی: ادای حق مردم رسیدگی به نیازمندان و ادای حقوق محرومان به درجه‌ای است که قبولی عبادات بستگی به آن دارد؛ از امام رضا (ع) نقل شده که فرمودند: «من صلی ولم یزک لم تقبل صلواته؛ (۱۷) کسی که نماز بخواند و زکات ندهد، نمازش مقبول نیست.» ه) شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند: «من اغتاب مسلماً، او مسلمةً ولم یقبل الله صلاته ولا صیامه اربعین یوماً ولیله الا ان یغفر له صاحبه؛ (۱۸) کسی که غیبت زن و مرد مسلمانی را بکند تا چهل روز نماز و روزه‌اش را خدا نمی‌پذیرد، مگر اینکه آن شخص او را ببخشد.» و نیز آن حضرت فرمود: «یا اباذر ایاک و هجران اخیک فان العمل لا یتقبل مع الهجران؛ (۱۹) ای اباذر! از قطع رابطه و قهر کردن با برادر دینی پرهیز، چرا که عمل این گونه اشخاص پذیرفته نیست.» و شرط خانوادگی: خوشرفتاری امام صادق (ع) فرمود: «من نظر الی ابویه نظر ماق و هما ظالمان له لم یقبل الله له صلاة؛ (۲۰) نگاه خشمگین به پدر و مادر هم مانع قبولی عبادت است، گرچه والدین در حق آنها کوتاهی کرده باشند. نشانه قبولی اعمال امام صادق (ع) می‌فرماید: «من احب ان یعلم اقبلت صلواته ام لم تقبل فلینظر هل منعه صلواته عن الفحشاء والمنکر فبقدر ما منعه قبلت منه. (۲۱)» هرکسی که دوست دارد، بفهمد که آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید حال خود را ملاحظه کند که اگر نماز، او را از فساد و منکرات باز می‌دارد، حتماً قبول شده و اگر از مقداری از فساد دوری می‌کند، مقداری از نمازش قبول شده و اگر از هیچ یک از مفسد و منکرات پرهیز نمی‌کند، نماز او هیچ قبول نشده است.

دانستنی‌هایی از بحثهای فقهی

احکام ثابت و متغیر

احکام فقهی به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: ۱. احکام ثابت: مانند واجبات و محرمات که به ولی امر واگذار نگردیده و همواره

ثابت است و با اختلاف زمانها و مکانها قابل تغییر نیست. ۲. احکام متغیر: بعضی از احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفساد تغییر می‌یابند؛ مثلا، قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌گوید: انسان بر مال خود به مقتضای اصل اولیه تسلط دارد، ولی محدوده آن به ولی امر سپرده شده است؛ او می‌تواند بر حسب مصالح و مفساد اجتماعی دایره آن را توسعه و تضییق دهد؛ این دسته احکام را احکام ولایی می‌نامند؛ ولی فقیه اگر تشخیص دهد، مالکیت شخص موجب وارد آمدن ضرر به دیگران می‌شود، می‌تواند مالکیت او را محدود کند، همچنین ولی فقیه می‌تواند به مصلحت یتیم در مال او تصرف کند.

رمز تغییر احکام

به مناسبت بحث فوق، لازم می‌نماید، به این سؤال پاسخ داده شود که چرا بعضی از احکام تغییر می‌کند، با این که احکام دین ثابت است. احکامی که تغییر می‌کند یا به خاطر تغییر موضوع حکم است یا به خاطر عنوان ثانوی و مصلحتی که فقیه تشخیص می‌دهد و یا این که فقیه به ادله‌ای دسترسی پیدا می‌کند که در نتیجه، نظرش عوض می‌شود و یا به دلیل مصالح دیگری همچون تقیه و... مثلا شطرنج حرام بود، حضرت امام آن را حلال دانست، مشروط بر این که عنوان قمار را نداشته باشد. و یا استفاده از ابزار موسیقی در جهت منفی حرام است، ولی اگر از آن در سرودهای حماسی استفاده شود، مانعی ندارد و یا خوردن میت در حال ناچاری به قدر ضرورت مانعی ندارد؛ آنچه عوض شده، موضوع حکم است نه خود حکم. فقیه نمی‌تواند حج را تحریم کند، ولی می‌تواند براساس مصالح در شرایط خاصی بگوید در این سال تعداد کمتری بروند و یا بگویند موقتا اصلا نروید، همان طوری که بعد از حج خونین، حضرت امام (ره) به خاطر این که اغراض سیاسی حج تامین نمی‌شد و یا به خاطر مصالح دیگر حجاج را از رفتن به حج منع نمود. و یا اگر چیز حلالی به ضرر مسلمین باشد، فقیه برای مصلحت اسلام و مسلمین آن را موقتا تحریم می‌کند؛ مثل تحریم تنباکو به وسیله میرزای شیرازی که ضامن استقلال کشور و ملت مسلمان ایران شد. و اگر زمانی استفاده از اجناس و کالاهای کشورهای غیر اسلامی تحریم می‌شود، برای حفظ استقلال کشور و دوری از وابستگی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ دشمنان است. یکی از سؤالهای معروف درباره احکام این است که چرا مجتهدان با هم اختلاف نظر دارند، با این که همه براساس قرآن و سنت کار می‌کنند. جواب: اولاً- باید توجه داشت که مجتهدان و مراجع تقلید در کلیات مسائل دینی با هم اختلاف ندارند؛ مثلا، همه آنها، نماز، روزه، حج و... را واجب می‌دانند و دروغ، خیانت، دزدی و... را هم حرام می‌شمارند؛ تنها اختلاف آنها در برخی از مسائل جزئی است که آن هم در عمل مردم، اختلاف محسوسی ایجاد نمی‌کند، چنان که ملاحظه می‌کنید در یک نماز جماعت چند هزار نفری با آن که نمازگزاران از اشخاص متعددی تقلید می‌کنند، ولی همه یکنواخت نماز می‌خوانند و اختلاف در فتاوا صورت جماعت و وحدت آنان را از بین نمی‌برد؛ همچنین در سایر موارد مانند حج ملاحظه می‌کنید که هزاران شیعه به خانه خدا می‌روند و همه یکسان عمل می‌کنند و اختلاف فتوای مراجع تقلید هیچ گونه ناراحتی و زحمتی برای آنان پیش نمی‌آورد و همه تقریبا به یک صورت، اعمال حج را به جا می‌آورند. ثانیاً: در مسائل نظری هر رشته‌ای، بالاخره متخصصان آن، در یک سلسله از مسائل اختلاف نظر پیدا می‌کنند و این طور نیست که مثلا تمام پزشکان یا شیمی‌دانها در تمام مسائل رشته خود با هم توافق نظر داشته باشند تا بر متخصصان علوم اسلامی اشکال شود که چرا با هم توافق نظر ندارند. در کمیسیونهای پزشکی غالبا اختلاف نظرهایی پیش می‌آید که حتی با بحث و گفتگو و مشاوره هم نمی‌توانند آن را حل نمایند. در مجامع ادبی هم بر سر مسائل ادبی اتفاق نظر وجود ندارد و گاهی درباره معنای یک شعر آرا و نظریه‌های مختلفی ابراز می‌شود؛ مثلا، سعدی می‌گوید: از در بخشندگی و بنده نوازی مرغ هوا را نصیب ماهی دریا وقتی این شعر را به یک مجمع ادبی عرضه می‌کنیم، یکی می‌گوید: منظور آن است که خدا از راه لطف، بعضی از پرندگان را نصیب بعضی از ماهیان نموده است؛ مثلا، ماهی، سفره خود را برای صید پرندگان روی آب پهن می‌کند؛ دیگری می‌گوید: مقصود آن است که خدا از سر لطف، هوا را نصیب پرندگان و دریا را نصیب ماهیان کرده است. سومی

می‌گوید: معنای شعر این است که خدا از راه لطف، آذوقه مرغ هوا را ماهیان دریا قرار داده است و ممکن است شخص چهارمی بگوید: معنای شعر هیچ کدام از معانی یاد شده نیست، بلکه مقصود آن است که خداوند از راه لطف و بنده پروری، پرندگان و ماهیان و خلاصه گوشت حیوانات را غذای انسان قرار داده است. اساس این اختلاف در این است که هر شخصی فکر و ذوقی مخصوص به خود دارد که وقتی به شواهد و قراین و مقدمات مطلبی مراجعه می‌کند یکی از احتمالات را ترجیح می‌دهد و اصولاً توافق صاحب‌نظران در مسائلی که احتمالات زیادی دارد، خیلی کمتر اتفاق می‌افتد. مطلب سومی که تذکر آن لازم است، این است که: در زمان رسول اکرم و ائمه اطهار -علیهم السلام در میان شاگردان و اصحاب آنان اختلاف محسوسی وجود نداشت، زیرا هر وقت در تفسیر آیات شبهه‌ای به نظر می‌رسید و یا در درستی و نادرستی حدیث و معنای آن در می‌ماندند، از خود پیامبر (ص) یا امام (ع) توضیح می‌خواستند و در نتیجه، نقاط مبهم برای آنها روشن می‌شد و اختلافی پیش نمی‌آمد، ولی مجتهدان و مراجع تقلید که پس از غیبت امام زمان (عج) آمده‌اند، چون دسترسی به امام ندارند، باید تنها از مدارک و مآخذ اسلامی، یعنی قرآن و روایات، احکام الهی و وظایف دینی مردم را به دست بیاورند و در این صورت، اگر نظر آیات قرآن و روایات نسبت به همه مسائل روشن بود، اختلاف نظر پیش نمی‌آمد، ولی چون قسمتی از آیات قرآن و روایات از نظر مفردات و یا ترکیب و جمله بندی طوری است که در معنای آن احتمالاتی داده می‌شود، لذا گاهی اتفاق می‌افتد که هر یک از دو یا سه مجتهد، احتمالی به نظرشان صحیح می‌رسد که به نظر دیگر صحیح نیست و در نتیجه در فتاوا اختلافات جزئی پیدا می‌شود. علاوه بر این در زمان ائمه (ع) یا نزدیک به عصر آنان، به بررسی سند روایت و شناخت روایان احادیث کمتر احتیاج بود، زیرا احکام را یا از خود امام می‌پرسیدند و یا راوی حدیث را به علت قرب زمان می‌شناختند، ولی در زمانهای بعد که روایات با واسطه‌های بسیار نقل می‌شود، باید کسی که می‌خواهد طبق روایتی فتوا دهد، روایان آن روایت را بشناسد و به اعتبار سند آن پی برد و خود این موضوع، یعنی تحقیق در سند روایت نیز باعث می‌شود که گاهی یک روایت به نظر مجتهدی صحیح و معتبر و به نظر دیگری روایتی بی‌اساس باشد و در نتیجه موجب بعضی از اختلافات در فتوا گردد. علاوه بر این، چون ائمه اطهار -علیهم السلام و طبقه اول روایان احادیث در زمانی زندگی می‌کردند که حکومت و قدرت در دست مخالفان شیعه بود، نمی‌توانستند همه جا احکام واقعی الهی را بی‌پرده و روشن بیان کنند و به اصطلاح رعایت تقیه می‌کردند و همین موضوع موجب گردیده است که قسمتی از روایات با هم تعارض داشته باشند و یکی از کارهای مجتهدان این است که این گونه اخبار را که در نگاه اول متنافی به نظر می‌رسند با هم جمع کنند و در نتیجه آنها را مآخذ فتاوی خود قرار دهند و در همین موضوع (جمع بین روایات و وفق دادن یک روایت با روایات دیگر) گاهی اختلاف نظر پیش می‌آید که موجب اختلاف در فتوا می‌گردد. مطلب دیگر - که آن نیز گاهی موجب اختلاف فتوا می‌شود آن است که موضوع برخی از احکام و چگونگی و خصوصیات آن در زمان ائمه (ع) روشن بوده، ولی در زمانهای بعد، چون آن موضوع از بین رفته، منشا اختلاف نظر شده است؛ به عنوان مثال، در روایت مربوط به احکام نماز وارد شده است که در حال نماز اگر بر بدن یا لباس انسان، خونی باشد که مقدار آن کمتر از «درهم» باشد، اشکالی ندارد؛ در زمانی که این روایت صادر شده است، درهم در میان مردم معمول بوده و همه اندازه آن را می‌دانستند، ولی در زمانهای بعد بر اثر بی‌اطلاعی از وضع درهم آن روز اقوالی به وجود آمده است مانند: ۱. درهم مساوی است با گودی کف دست. ۲. درهم مساوی است با بند سر انگشت ابهام. ۳. درهم مساوی است با بند سر انگشت وسطی. ۴. درهم مساوی است با بند سر انگشت سبابه. این بود قسمتی از مطالبی که موجب اختلاف فتاوی مراجع تقلید می‌گردد. از مطالب فوق، چنین نتیجه می‌گیریم که اختلاف نظر فقها و مجتهدان بر اساس یک سلسله مطالب علمی و تحقیقی است نه هوا و هوس و اغراض شخصی و اگر خدای نخواستہ مجتهدی در فتوا دچار هوا و هوس گردد، از نظر اسلام واجد شرایط فتوا نیست و مردم نمی‌توانند از او تقلید کنند. بنابراین، این اشکال یا سؤال که چرا مراجع تقلید با هم در بعضی از مسائل اختلاف دارند وجهی ندارد، زیرا، اولاً این قبیل اختلاف نظرها در تمام رشته‌های تخصصی وجود دارد و مخصوص رشته فقه اسلامی نیست و

ثانیا: موضوعی کاملا-طبیعی و عادی است. پرسش دیگری که احیانا مطرح می شود، این است که چرا فقها شورای فتوا تشکیل نمی دهند؟ مگر شور و تبادل نظر، اختلاف را حل نمی کند؟ در پاسخ باید به مطالب زیر توجه کرد: اولاً: باید دانست که مجتهدان فتاوی خود را پس از تحقیق و بررسیهای لازم صادر می کنند و در این راه کتابهای فقهی را که شامل تمام نظریه های موجود در یک مساله است، خوب و با دقت مطالعه می کنند و در جلسات درس تمام نظریه ها را طرح نموده و در اطراف آن بحث می کنند تا بالاخره یکی از نظریه ها را ترجیح می دهند، حتی اغلب آقایان مراجع تقلید جلسات استفتا دارند که سؤالات مقلدان، در آن جلسات ملاحظه و در اطراف آن بحث و گفتگو می شود و پس از رسیدگی کامل و مشاوره های علمی، نظریه نهایی در جواب سؤال نوشته می شود، ولی در عین حال باید توجه داشت که این شور و مذاکره ها گرچه فواید زیادی دارد و در بسیاری از موارد هم تا اندازه ای اختلاف نظر را برطرف می کند، اما بالاخره نمی تواند اختلاف نظر را صددرصد بر طرف نماید، زیرا، همانطور که گفته شد در تمام شوراهای علمی گاهی اختلاف نظر به حال خود باقی می ماند و شور و مشاوره نمی تواند آن را از میان بردارد.

احکام پنجگانه

احکام مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست که در مجموع به پنج دسته تقسیم می شود که در طرح زیر به طور مختصر بیان شده است: واجب - بایدها مانند نماز، روزه حرام - نبایدها مانند دروغ و شراب خوری مستحب - انجامش بهتر مانند نماز جماعت، نماز نافله مکروه - ترکش بهتر مانند خوردن غذاهای داغ، فوت کردن به غذا مباح - ترک و عمل آن یکسان مانند نشستن و برخاستن بطور معمول

فلسفه احکام

گروهی، سؤلهایی درباره فلسفه احکام می کنند؛ به عنوان مثال، می پرسند: چرا باید نماز بخوانیم؟ چرا باید برای نماز وضو بگیریم؟ فلسفه این که در نماز پیشانی خود را بر روی خاک می گذاریم چیست؟ چرا در اسلام استعمال ظروف طلا و نقره حرام است؟ چرا دفن میت لازم است؟ چرا خوردن گوشت مردار جایز نیست؟ و چرا... پاسخ: برای این که پاسخ تمام سؤلهای فوق و نظایر آنها روشن شود، بهتر است که یک اصل اساسی و قاعده کلی در باره فلسفه احکام بیان شود تا در همه موارد، قانع کننده باشد. ما وقتی به زندگی روزانه خود می نگریم، می بینیم هنگامی که بیمار می شویم و به دکتر مراجعه می کنیم، دکتر نسخه ای مرکب از چند داروی مخصوص، مانند آمپول، کپسول، و قرص برای ما می نویسد و دستور می دهد که هر روز یکی از این آمپولها را تزریق کنید و هر چهار ساعت یکی از این کپسولها و هر شش ساعت یکی از این قرصها را میل نمایید و اضافه می کند که از ترشیها و غذاهای سرخ کرده پرهیز کنید و... ما بدون این که از خصوصیات داروها سؤالی نمائیم به دستورهای او عمل می کنیم، زیرا به علم و دانش و تخصص وی در رشته طب معتقدیم و می دانیم که او جز معالجه و بهبود ما منظور دیگری ندارد. همین طور وقتی به یک مهندس ساختمان مراجعه می کنیم و از او می خواهیم که برای ما ساختمان زیبایی بسازد، او می گوید این نقشه در زمین شما جالب از کار در می آید و لازم است که لوازم و مصالحی را که صورت می دهد، تهیه کنید؛ ما چون به تخصص او در رشته ساختمان ایمان داریم و می دانیم که او نمی خواهد به ما ضرر و زیانی برساند، بنابه دستور او مصالح را طبق صورتی که به ما داده است، تهیه می کنیم و در اختیار او می گذاریم و هیچ در کار او چون و چرا نمی کنیم. این دو مثال و نظایر آن روشن می کند که اگر انسان به علم و دانش کسی ایمان داشته باشد و او را در رشته خود متخصص بداند و نیز بداند که نظر سویی در کار نیست، قطعاً دستورات او را در آن رشته بدون این که از او توضیحات زیادی بخواهد، مورد عمل قرار می دهد. اکنون که این مقدمه روشن شد می گوئیم: احکام و مقررات دینی هم نسخه هایی است که پیامبران الهی و پیشوایان دینی از طرف خدا برای بشر آورده اند تا سعادت و خوشبختی آنان

را از هر جهت تامین نمایند. بدیهی است هنگامی که ما اعتقاد داشته باشیم که این احکام از علم بی‌پایان خدای تبارک و تعالی سرچشمه گرفته و به حکمت و لطف و مهربانی خدا ایمان داشته باشیم و نیز بدانیم که پیامبران الهی در تبلیغ و رساندن احکام به هیچ وجه گرفتار خطا و لغزش نمی‌شوند، (به معصوم بودن آنان معتقد باشیم) در این صورت با کمال جدیت و بدون هیچ گونه اضطرابی در عمل به دستورهای دینی می‌کوشیم و هیچ نیازی نمی‌بینیم که از فلسفه احکام و مقرراتی که قرار داده شده است سؤال نماییم؛ زیرا می‌دانیم که خدا علم بر آغاز و انجام همه چیز دارد و هر چه مقرر کرده به خیر و صلاح ما بوده است و انبیای الهی، در بیان احکام، اشتباهی نکرده‌اند. آری، اگر کسی در وجود خدا یا علم و دانش و حکمت او یا در حقانیت انبیا و معصوم بودن آنان تردید داشته باشد، لازم است قبل از این سؤال در اصل اعتقاد به خدا و صفات کمالیه او و حقانیت پیامبران الهی و صفات ایشان وارد بحث شود. بنابراین، کسانی که پایه توحید خود را محکم ساخته‌اند و طبق دلایل قطعی عقیده دارند که قانونگذار اسلام یعنی، خداوند متعال، بی‌نیاز مطلق و دارای علم و حکمت بی‌پایان است، هیچ گونه تردیدی نخواهند داشت که تمام احکام و مقررات و دستورهای اسلامی که پیامبر اسلام از طرف خدای متعال برای بشر آورده است، دارای مصالح و فوایدی می‌باشد، زیرا علم و حکمت خدای بزرگ ایجاب می‌کند که هیچ فرمانی را بدون رعایت مصالح بندگانش ندهد و چنین افرادی همیشه در صدد پیروی از دستورهای الهی هستند و دانستن و ندانستن جزئیات فلسفه احکام در روحیه آنان اثری نخواهد داشت. البته ما نمی‌گوییم کسی نباید از فلسفه احکام سؤال کند و یا نباید به دنبال تحقیق و جستجو بر آید، زیرا شکی نیست که هر کسی این حق را دارد که با تمام وسایل ممکن برای آگاهی از اسرار احکام و قوانین دینی بکوشد و خوشبختانه امکانات زیادی هم برای این کار موجود است، چنان که در قسمتی از آیات قرآن مجید و بسیاری از کلمات پیشوایان بزرگ دین ما، توضیحاتی درباره فلسفه احکام وارد شده است و از طرفی یک سلسله قراین عقلی که با پیشرفت علوم، روز به روز افزایش می‌یابد، پرده از روی بسیاری از این اسرار برداشته است. خلاصه، با این که ما حق این سؤال را داریم و تا اندازه‌ای هم امکانات آن موجود است، ولی هرگز نباید انتظار داشته باشیم که با معلومات محدود بشری به تمام جزئیات اسرار و فلسفه احکام دست یابیم، زیرا این احکام از مبدهی سرچشمه گرفته است که تمام علوم و دانشهای وسیع امروز، در برابر علم او حکم قطره در برابر دریا راهم ندارد و اساساً ناچیزی معلومات ما در برابر مجهولات مطلبی است که امروزه دانشمندان بزرگ دنیا با صراحت کامل به آن اعتراف می‌کنند. بنابراین، اگر ما تمام کوششهای لازم را برای آگاهی از فلسفه یک حکم به کار بردیم، ولی مطلب قابل توجهی به دست نیاوردیم، هرگز نمی‌توانیم آن حکم را نادیده بگیریم و یا بگوییم این حکم هیچ فایده و مصلحتی در بر ندارد، زیرا عدم درک مصلحت غیر از آن است که مصلحتی نداشته باشد. حضرت رضا -علیه السلام می‌فرماید: «انا وجدنا کل ما احل الله تبارک و تعالی ففیه صلاح العباد وبقائهم ولهم الیه الحاجه التي لا یستغنون عنها ووجدنا المحرم من الاشیاء لاحاجه للعباد الیه ووجدنا مفسدا داعیا الی الفناء والهلاك» (۲۲) همانا، چنین یافتیم که هر آنچه را که خدای تبارک و تعالی حلال فرموده صلاح و بقای بندگان در آن بوده است و به آن احتیاج دارند و بی‌نیاز از آن نیستند و در آنچه حرام نموده است نیازی برای بندگان به آن نیافتیم بلکه مایه فساد است که ایشان را به سوی نابودی و هلاکت سوق می‌دهد.» و بر همین اساس، دانشمندان می‌گویند: احکام شرع تابع مصالح و مفاسد است؛ یعنی، هیچ چیزی بدون جهت حلال و یا واجب نمی‌شود؛ این طور نیست که خدا مثلاً شراب را بی‌هیچ مفاسد و ضرری حرام و یا نماز صبح را بی‌هیچ مصلحت و فایده‌ای واجب کرده باشد. البته وقتی گفته می‌شود، فلان کار به مصلحت بشر است، نباید تنها به فواید جسمی و بهداشتی آن توجه داشت، بلکه فواید، روحی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و دیگر فواید آن را نیز ملاحظه کرد که، همه جزو مصالح بندگان است و چه بسا یک حکم، فایده جسمی برای بشر نداشته باشد، ولی روحیات او را تهذیب نماید؛ به عنوان مثال شاید گذاشتن پیشانی بر روی خاک اثر بهداشتی نداشته باشد، ولی این که روح تواضع و بندگی انسان را در مقابل خداوند پرورش می‌دهد و کبر و خود بزرگ بینی را از وی دور می‌کند، خود، بزرگترین فایده و مصلحت محسوب می‌شود. و نیز ممکن است فایده

یک حکم از نظر فردی معلوم نباشد؛ فرض کنید اسلام می‌گوید: استعمال ظروف طلا و نقره حرام است؛ شاید به ظاهر این حکم، مصلحت فردی نداشته باشد، ولی عمومی شدن این کار موجب می‌شود که قسمت مهمی از ثروت مملکت در خانه‌ها متمرکز شود و در نتیجه، زیانهای اقتصادی زیادی برای جامعه و ملت به بار آورد همچنین اگر عده‌ای غذا نداشته باشند، در مقابل، دسته دیگر در ظروف طلا- غذا بخورند، اختلاف طبقاتی فاحشی پیش می‌آید و چه بسا مشکلاتی به وجود می‌آورد که ممکن است گاهی اجتماعی را به خاک و خون بکشد و اتفاقاً همین اختلاف طبقاتی و رفع خصومت‌های بین طبقات، یکی از فواید و فلسفه‌هایی است که اسلام در قانون و جوب زکات در نظر گرفته است. امام هشتم -علیه السلام می‌فرماید: «و علة الزکوة من اجل قوت الفقراء و تحصین اموال الاغنیاء» و امام ششم -علیه السلام می‌فرماید: «ان الله عزوجل فرض للفقراء فی مال الاغنیاء ما یسعهم... ولو ان الناس ادوا حقوقهم لکانوا عایشین بخیر» و نیز در حدیث دیگر می‌فرماید: «ولوان الناس ادوا زکوة اموالهم ما بقی مسلم فقیرا محتاجا» (۲۳) خلاصه معنای این چند حدیث این است که خداوند متعال با مقرر کردن قانون زکات خواسته است، نیازمندیهای فقرا و مستمندان برطرف گردد و اموال اغنیاء محفوظ بماند و همه مردم زندگی رضایت بخشی داشته باشند و اگر مردم زکات و سایر حقوق مالی را می‌پرداختند، هرگز فقیر و نیازمندی در جامعه مسلمانان پیدا نمی‌شد و همه با خیر و خوبی زندگی می‌کردند. و بطور خلاصه باید گفت: فلسفه اصول احکام و واجبات و محرمات، مثل فلسفه تحریم شراب (که مضرات جسمی و روحی آن از نظر علم هم ثابت شده است) و وجوب نماز و زکات و وضو (که یکی از فلسفه‌های وضو همان نظافت و پاکیزگی است) برای ما روشن است، ولی فلسفه خصوصیات آنها بطور کامل برای ما روشن نیست. به عنوان مثال، نمی‌دانیم که چرا نماز صبح دو رکعت و نماز ظهر و عصر چهار رکعت است و یا چرا هنگام وضو باید دستها را از بالا به پایین بشویم و یا چرا وقتی گندم به یک حد معلومی رسید، زکات دارد و... ولی یقین داریم که آنها بدون فایده و مصلحت هم نیستند، زیرا همان‌طور که قبلاً گفته شد، خدای حکیم هیچ حکمی را بدون حکمت و مصلحت نفرموده است، و کسی که به علم و حکمت بی‌پایان خدا ایمان داشته باشد، دانستن فلسفه احکام و ندانستن آن برای او هیچ تاثیر عملی ندارد، بلکه در هر صورت با جدیت کامل در صدد اطاعت و انجام دستورهای الهی بر می‌آید. و شاید یک جهت این که پیشوایان دینی ما زیاد در موضوع فلسفه احکام و جزئیات آن وارد نشده‌اند، همین باشد که خواسته‌اند مقررات اسلامی به عنوان یک سلسله قوانین مقدس الهی پیروی شود و از این راه روح ایمان، خداشناسی، بندگی و اطاعت در افراد تقویت گردد تا در مقابل فرمان خدای دانا و حکیم و مهربان، هیچ چون و چرایی نداشته و کاملاً مطیع باشند. در خاتمه لازم است به دو نکته زیر توجه شود: ۱. فلسفه‌هایی که در بعضی از روایات وارد شده، اغلب به عنوان یکی از فلسفه‌ها و فواید حکم ذکر شده است؛ مانند روایت زیر که: «امروا بـدفن الميت لئلا یتاذی به الاحیاء بریحه و بما یدخل علیه من ال آفة و الفساد» فلسفه لزوم دفن میت این است که مردم از بوی تعفن او اذیت نشوند و نیز موجب امراض و بیماریها نگردد. این سخن بدان معنا نیست که تنها فلسفه وجوب دفن میت همین است، بلکه منظور بیان یکی از فلسفه‌های آن بوده است. ۲. در بیان فلسفه احکام فقط به دو اصل می‌توان تکیه کرد: الف) آنچه از قرآن مجید و کلمات پیشوایان دینی به ما رسیده است که بیشتر آنها را مرحوم شیخ صدوق، یکی از علمای بزرگ شیعه (متوفای ۵۳۱ ه.ق.) در کتابی به نام «علل الشرایع» جمع آوری کرده و به چاپ نیز رسیده است. ب) آنچه از نظر علم بطور قطع ثابت شده است، مانند این که امروزه ثابت گردیده است که شراب برای جسم و روان انسان ضررهای زیادی دارد یا گوشت مردار، کانون میکروب و منشا بیماریهایی می‌باشد که خوردن آن خطرناک است. این دو اصل باید در فلسفه یابی احکام، همیشه مورد نظر باشد، اما مطالبی که فقط در حد احتمال می‌باشد، به هیچ وجه نباید در مورد فلسفه احکام، مورد اعتماد قرار گیرد و به عنوان فلسفه احکام ذکر شود، زیرا همان‌طور که احکام دینی حقایقی است صددرصد ثابت، باید فلسفه‌هایی هم که برای آنها بیان می‌گردد، جنبه قاطعیت و ثبوت داشته باشد. بنابراین، تئوری و فرضیه‌ای که اساس محکمی ندارد و ممکن است چند روز بعد، تغییر پیدا کند، نباید در فلسفه احکام مورد اعتماد قرار بگیرد.

اقسام واجبات

واجبات توصلی و تعبدی

قسمتی از واجبات باید به همراه نیت و قصد قربت به جای آورده شوند مانند نماز و روزه که به آنها واجبات تعبدی می‌گویند. قسمتی دیگر عباداتی هستند که لازم نیست به همراه نیت و قصد قربت به جا آورده شوند، مانند تطهیر بدن و لباس و امر به معروف و غسل میت. به عبارت دیگر، در واجبات توصلی انگیزه امر معلوم است، ولی در واجبات تعبدی غرض و مقصود شارع معلوم نیست، گرچه فلسفه و حکمتی دارد و مکلفین صرفاً برای تعبد به امر خداوند انجام می‌دهند.

واجب عینی و کفایی

واجب عینی، واجبی است که همه مکلفین باید انجام دهند، مانند نمازهای یومیه. واجب کفایی آن است که با عمل عده‌ای از عهده دیگران ساقط است، مانند تطهیر مسجد، تدفین میت و...

واجب تعیینی و تخییری

واجب تعیینی واجبی است که نمی‌توان کار دیگری را جایگزین آن ساخت مثل نمازهای یومیه، برخلاف واجب تخییری که مکلف می‌تواند یکی از چند کار را اختیار کند، مانند کفاره روزه که مکلف مخیر است بین آزاد کردن بنده و شصت روز روزه و اطعام شصت نفر.

واجب موسع و واجب مضیق

گاهی واجب، وقت محدودی دارد که از آن به واجب مضیق تعبیر می‌شود، مثل نماز آیات برای ماه گرفتگی و گاهی وقت وسیعی دارد که از آن تعبیر می‌شود به واجب موسع، مانند نمازهای یومیه.

پی‌نوشتها

۱. رساله نوین، ج ۱، ص ۴۲؛ سید مرتضی رضوی، فی سبیل الوحدة السلامیه، ص ۵۴. ۲. توبه (۹) آیه ۱۲۲. ۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۶. ۴. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۶؛ رساله نمونه، ص ۲۵. ۵. رساله عملیه، مساله یازدهم. ۶. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۱، مساله ۲۹. ۷. شیخ انصاری، اجود التقریرات، ج ۱، ص ۱۵۸. ۸. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۱. ۹. مائده (۵) آیه ۴۸. ۱۰. شوری (۴۲) آیه ۱۳. ۱۱. حشر (۵۹) آیه ۷. ۱۲. دکتر صبحی، فلسفه التشریح فی الاسلام. ۱۳. به نقل از کتاب همبستگی مذاهب اسلامی، و کتاب اسلام آئین همبستگی (مقالات دار التقریب). ۱۴. امام خمینی (ره)، الرسائل، ص ۹۴؛ وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۹۵. ۱۵. علل الشرایع، ص ۲۵۴. ج ۱. ۱۶. نحل (۱۶) آیه ۹۷. ۱۷. مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۴. ۱۸. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۵۵۴. ۱۹. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸. ۲۰. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱۷. ۲۱. عروة الوثقی. ۲۲. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۳. ۲۳. وسائل، ج ۶، ص ۳ - ۵.

مجموعه روشهای آموزش احکام

مقدمه

یکی از مسائلی که در تمام علوم دنیای امروز مطرح است و برای انجام آن بیشترین و بهترین امکانات به کار گرفته می‌شود، شیوه و روش آموزش است که در تفهیم و موفقیت استاد، نقش بسزایی دارد و احکام دین به جهت اهمیت خاصی که دارد باید با بهترین و پیشرفته‌ترین روش بیان شود تا جاذبه لازم برای فراگیری آن ایجاد شود و در این جا ابتدا نکاتی را تحت عنوان اصول تدریس بیان می‌نمایم و سپس مجموعه‌ای از روشهای آموزش احکام را بطور فهرست‌وار اشاره می‌نمایم.

اصول تدریس احکام

۱. کسب تسلط علمی

تدریس و آموزش احکام به دیگران شرایط و اصولی دارد که برخی از آنها عبارتند از: ستاد احکام باید در پی کسب تسلط علمی بر مسائل شرعی باشد، بویژه احکامی را که می‌خواهد در یک جلسه و یا در یک کلاس مطرح نماید تا بتواند بطور نسبی پاسخگوی غالب سؤالات افراد باشد. البته لازم نیست که هر پرسشی را بتواند پاسخ دهد، ولی نباید به گونه‌ای هم باشد که اغلب سؤالات را بی‌جواب بگذارد، زیرا یکی از عوامل جاذبه داشتن هر درسی تسلط علمی استاد بر موضوع و محتوای درس است.

۲. مطالعه قبل از تدریس

معلم احکام علاوه بر این که بطور معمول باید توضیح المسائل و کتابهای مانند آن را مطالعه کند، لازم است قبل از تدریس نیز مسائل هر درس و جلسه را مجدداً مطالعه نماید تا در هنگام آموزش احکام، مساله‌ای را به دیگران اشتباه نگویید و کوشش کند احکامی را که در رساله و کتابهای مانند آن دیده است برای دیگران بازگو نماید و تنها به شنیدن از افراد اکتفا نرزد، مگر در مواردی که چاره‌ای جز شنیدن نیست و یا افراد پاسخ دهنده، مورد اطمینان علمی و فقهی انسان باشند، زیرا یکی از عوامل اشتباه بیان کردن احکام این است که مسائل شرعی براساس «شنیدن» ها گفته می‌شود نه براساس «دیدن» ها.

۳. تنظیم و دسته‌بندی احکام

یکی از مسائل مهمی که قبل از آموزش باید بدان توجه نمود، تنظیم و دسته‌بندی احکام است، زیرا در این صورت، تفهیم و تفهم بسیار آسان و یاد دادن و یادگیری بسیار پر جاذبه خواهد بود.

۴. همراه داشتن کتاب احکام

آنان که احکام را برای سایرین می‌گویند، بهتر است رساله توضیح المسائل را همراه خود داشته باشند تا در صورت تردید و یا ندانستن مساله‌ای با استفاده از آن، پاسخ صحیح را بدهند و نقطه ابهامی برای کسی باقی نگذارند.

۵. پرهیز از پاسخهای احتمالی

یکی از نکات بسیار مهم شرعی و اخلاقی که معلم احکام باید بیش از اندازه به آن توجه کند، این است که در صورت ندانستن مساله‌ای از پاسخ به آن خودداری نماید. و در پاسخ به سؤالات شرعی از کلماتی، مانند «تقریباً»، «احتمالاً»، «ظاهراً»، «احتیاطاً»، «به نظرم می‌آید»، «اگر اشتباه نکنم» پرهیز کند، زیرا طبق حدیثی از امام باقر -علیه السلام: «کسی که حکمی را اشتباه به دیگران بگوید،

گناه خطای آنان به عهده او خواهد بود» و شاید یکی از دشواریهای تدریس احکام، رعایت همین اصل باشد.

۶. تنوع در بیان احکام

در بیان احکام باید توجه داشت که علاوه بر مسائل طهارت، وضو، غسل، تیمم و نماز به بیان مسائل گوناگون و متنوع دیگر آنها از قبیل آثار اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نیز پرداخت.

۷. ذکر مدرک و ماخذ

در آموزش احکام تا آن جا که ممکن است، باید مدرک و ماخذ هر مساله و حکمی بیان شود تا برای دیگران نیز راهنما و راهگشا باشد به ویژه در هنگام طرح احکامی که کمتر شنیده شده‌اند و برای شنوندگان تازگی دارند، رعایت این نکته ضروری تر است. در غیر این صورت، موجب عدم اطمینان شنونده نسبت به استاد خواهد شد.

۸. پرهیز از اصطلاحات مشکل

اساتید احکام معمولاً برای کسانی تدریس می‌نمایند که شرایطشان ایجاب نمی‌کند تا اصطلاحات مشکل و نامانوس و پیچیده را برای آنان به کار گیرند و دلایل فقهی احکام را ذکر نمایند، زیرا بحث احکام برای «مقلدین» یک بحث استدلالی نیست تا نیازی به آوردن دلیل باشد؛ پس شایسته است که از بیان اصطلاحات مشکل و نامانوس و دلایل فقهی احکام خودداری شود، مگر در موارد استثنایی که زمینه استفاده و ضرورت فراگیری آن وجود داشته باشد و باید توجه نمود که فضل و فضیلت انسان به این است که به گونه‌ای سخن بر زبان آورد که «عوام بفهمند و خواص بیسندند» نه آن که با الفاظ و اصطلاحات مبهم و پیچیده بخواهد علم و فضل خویش را به رخ دیگران بکشد.

۹. زمینه‌سازی بیان احکام

استاد دانا آنچه را که می‌داند بر زبان نمی‌آورد، بلکه با توجه به ظرفیت و کشش علمی مخاطبان مسائلی را بیان می‌کند که زمینه پذیرش و دریافت آن را داشته باشند.

۱۰. ذکر مثالها و مصادیق

برخی از مردم مسائل شرعی و احکام را به صورت کلی می‌دانند، ولی مثالها و مصادیق و موارد آن را نمی‌شناسند؛ به عنوان مثال می‌دانند که در وضو نباید مانعی از رسیدن آب به اعضای بدن باشد.

۱۱. طرح سؤال

سؤال و پرسش، کلید در علم و دانش است و استعدادهای نهفته را شکوفا می‌سازد. استاد زبردست می‌تواند با طرح سؤال، اشتیاق به فراگیری احکام را در مخاطبان خود زنده نماید. آن جا که شنوندگان نیازی به یادگیری مسائل شرعی در خویش نمی‌بینند با پرسشهای زیبا و جالب می‌توان ضرورت و اهمیت فراگیری احکام را برای آنان بیان کرد.

۱۲. یادداشت سؤالات و پاسخ آنها

مهم آن نیست که استاد مطلبی را نداند، بلکه آنچه ارزش دارد این است که مطالب وی از صحت و درستی و استواری برخوردار باشد. هر استادی ممکن است در کلاس درس خویش با پرسشهایی روبه‌رو شود که پاسخ آنها را نداند، بنابراین، یکی دیگر از اصول تدریس احکام، یادداشت این گونه سؤالات و تلاش برای پاسخ‌یابی آنهاست، زیرا این امر باعث احترام مستمع و فزونی دانش فقهی استاد خواهد بود و از سوی دیگر، پاسخ سؤالات فراموش نمی‌گردد و مستمعان نیز احساس می‌کنند که نیازهای فقهی آنان برآورده می‌شود.

۱۳. بررسی نکات منفی و مثبت

یکی از عوامل رشد و پیشرفت استاد و کلاس وی بررسی نکات منفی و مثبت و کسب نظرها و پیشنهادهای سودمند شرکت‌کنندگان است و این اصل نه تنها از شخصیت استاد نمی‌کاهد، بلکه بر طرف کردن نکات منفی، ضعفها را از بین می‌برد و به کارگیری نکات مثبت، حسنها را افزون می‌نماید و دریافت پیشنهادهای استاد و درس را به رشد و کمال رسانده، و محبت معلم را در قلوب شاگردان هر چه بیشتر جاری می‌سازد (۱).

۱۴. شناخت زمان، مکان و نیاز مخاطبان

با توجه به این که احکام دین بسیار گسترده است و نمی‌توان همه مسائل را مطرح نمود بر مریبان است که شرایط زمان و مکان و نیازهای مخاطبان را در نظر بگیرند و مسائلی را مطرح کنند که انگیزه شنیدن نسبت به آن وجود داشته باشد.

۱۵. دقت در بیان مسائل اختلافی

یکی از مسائلی که در بیان احکام لازم است رعایت شود، این است که مریب احکامی را بگوید که مشترک بین نظریات مراجع باشد و اگر مسائلی اختلافی را می‌خواهد بیان کند، لازم است نظر مرجع مورد توجه آن جمعیت و مخاطبان را نیز بگوید.

مجموعه روشهای آموزش احکام

۱. روش سنتی

یکی از روشهای معمول و رایج در بیان احکام که از گذشته بوده و هست، روش روخوانی از متن کتابهای احکام با همراه توضیح جزئیات و نکته‌های آن است. امتیازی که این روش دارد این است که هم گوینده احکام کمتر به اشتباه می‌افتد و هم مخاطبان با اطمینان بیشتری می‌توانند به آن مسائل عمل نمایند، ولی این روش، چون معمولاً با یکنواختی و سمعی بودن صرف همراه می‌باشد، از جاذبه کمتری برخوردار است.

۲. احکام موضوعی

یکی از شیوه‌های بیان احکام، دسته‌بندی احکام در موضوعات گوناگون برای مخاطبان مختلف است و این شیوه، نمونه‌های بسیاری دارد که در این جا به تعدادی از آنها اشاره می‌نماییم: الف. رساله نمونه آقای موگهی که در چندین جلد چاپ شده است. ب. رساله نوین که در موضوعات مختلفی، چون عبادی، سیاسی، اقتصادی، خانواده و پزشکی و... که توسط آقای بی‌آزار شیرازی تالیف شده است. ج. احکام پسران و دختران و سایر موضوعاتی که آقای فلاح‌زاده تنظیم و چاپ نموده است. د. احکام آبها،

پوشش و قبله و... که توسط آقای وحیدی تنظیم و چاپ شده است.

۳. آموزش از طریق فیلم و اسلاید

و ویدئو و دیگر وسایل کمک آموزشی که به صورت سمعی و بصری انجام می‌شوند.

۴. احکام شعری

که برای تسهیل و تنوع در یادگیری احکام مطرح شده که در قسمت مآخذ به بعضی از منابع این اشعار اشاره شده است و در آخر بحث این مجموعه نیز قسمتی از اشعار آمده است.

۵. بیان احکام در قالب داستان

که بیشتر در میان نوجوانان کاربرد دارد که مربی، احکام مورد نظر را برای این که ایجاد خستگی نکند و به سهولت در اذهان نوجوانان جای گیرد به صورت داستان در می‌آورد و از این شیوه در مجله «سلام بچه‌ها» استفاده شده است.

۶. احکام به صورت پاننومیم

و بدون صدا که برای دانش‌آموزان مطرح می‌شود که همراه با تنوع و سرگرمی است.

۷. احکام تصویری

که در مراکز آموزشی کاربرد دارد برای تفهیم احکام، بسیاری از مسائل را می‌توان در قالب طرح و تصویر بیان نمود؛ این روش را عده‌ای مانند آقای قدوسی در دو کتاب «آموزشگاه نماز» و «اردوگاه رمضان» به کار برده است.

۸. احکام مسابقه‌ای

و سؤالی که این کتاب در مقام این نوع از بیان احکام است که خود دهها روش و سوژه مخصوص به خود را دارد.

۹. احکام استدلالی

که به همراه احکام، ادله آن نیز مطرح می‌شود.

۱۰. احکام آموزشی

که به صورت کلاسیک طراحی شده و اساتیدی مانند بی‌آزار شیرازی، وحیدی، قدوسی، قربانیان و... از آن استفاده نموده‌اند و کتابهای «رساله آموزشی» و «رساله نوین» نیز نمونه‌هایی از این قبیل آثار است.

۱۱. روش عملی

یکی از شیوه‌های بیان احکام، روش عملی و تجسمی است که به صورت سمعی و بصری انجام می‌شود و این روش، نقش بسیار

مفیدی در آموزش دارد. بسیار دیده می‌شود که افرادی به صورت تئوری مساله‌ای را در حفظ دارند، اما همین که در عمل می‌خواهند، پیاده کنند دچار اشتباه می‌شوند؛ نظیر کیفیت وضو گرفتن و یا تیمم بسیار هستند که اصل مساله می‌دانند ولی در انجام آن دچار اشتباه می‌شوند. بنابراین، لازم است احکامی که آموزش آن به صورت تجسمی امکان دارد، خصوصاً برای مخاطبان نوجوانان، به این سبک مطرح شود.

۱۲. احکام اخلاقی

یکی از روشهای آموزش احکام این است که استاد، علاوه بر بیان احکام به تناسب از بحثهای اخلاقی نیز استفاده می‌کند؛ به عنوان مثال اگر سخن از بحث طهارت ظاهری است از طهارت معنوی نیز بحث می‌شود. اگر بحث از تقلید مطرح است، ضمن بحث از احکام تقلید از مباحثی، چون تقلید کورکورانه و تقلید آگاهانه و بحث نوگرایی و سنت‌گرایی استفاده می‌شود. البته لازم است مربی از ابتدا در این شیوه از آموزش، مباحثی را انتخاب نماید که به نحوی با مباحث اخلاقی تناسب داشته باشد، مانند مباحث امر به معروف، دروغ، صلح‌رحم، نماز، غیبت، آزار و اذیت، قرض، امانت و اسراف.

۱۳. روش ترکیبی

این روش، ترکیبی از تمام روشهای قبلی است که هر کدام از آنها با توجه به شرایط زمان و مکان و نوع مخاطبان و مسائل شرعی در تدریس و بیان احکام به کار گرفته می‌شود و این روش از بیان احکام از تنوع و جاذبه خاصی برخوردار است.

پی‌نوشت

۱. از جزوه روش تدریس احکام عبدالرحیم موگهی.

مجموعه روشهای سؤالات هنری احکام

مسائل تلگرافی

۱. با کدام دست باید به سر مسح بکشیم؟ ۲. در کجای نماز می‌توان به فارسی دعا کرد؟ ۳. کسی که از دستش خون می‌آید و قطع نمی‌شود، برای وضو گرفتن چه وظیفه‌ای دارد؟ ۴. اگر معلوم شود که وضویش با آب نجس بوده، چه وظیفه‌ای دارد؟ ۵. اگر خواندن نماز مغرب و عشا از نیمه شب بگذرد، باید آن را به چه نیتی خواند؟ ۶. اگر بعد از نماز معلوم شد که امام جماعت کافر بوده، وظیفه اقتدا کنندگان چیست؟ ۷. اگر نماز گزار جهت قبله را نداند چه وظیفه‌ای دارد؟ ۸. اگر بعد از نماز معلوم شود که نماز گزار از قبله منحرف بوده، وظیفه او چیست؟ ۹. اگر لباسی آستر دارد و خون به هر دو طرف آن نفوذ کرده، برای نماز چه باید کرد؟ آیا می‌داند؟ ۱. آیا می‌داند که پسر عمو و پسر خاله و پسر دایی به دختر عمو و دختر خاله و دختر دایی نامحرم است؟ ۲. آیا می‌داند که موسیقی طرب انگیز حرام است؟ ۳. آیا می‌داند که زدن کودک بدون مجوز شرعی حرام است و اگر پوست بدن او قرمز شود، دیه دارد؟ ۴. آیا می‌داند که موش نجس نیست؟ ۵. آیا می‌داند خونی که از میان لثه‌ها بیرون می‌آید نجس و خوردن آن حرام است؟ ۶. آیا می‌داند در میان نماز، نباید کلمه بیجا (حتی «الله اکبر») را برای جلب توجه دیگران بگویم؟

بازی با کلمات احکام

در این قسمت به گوشه‌ای از بازیه‌های احکام اشاره می‌کنیم: الف) واژه‌ها و کلماتی که با برداشتن حرفی از آنها، نامهای دیگری به دست می‌آید: ۱. کدام یک از واجبات نماز است که اگر حرف اول آن را داریم، نام یکی از شهرهای عربستان می‌شود؟ ۲. یکی از واجبات بسیار مهم نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام شهرکی در کنار تهران می‌شود؟ ۳. از پاک کننده‌هاست که اگر حرف اول آن را برداریم هم نشانه ادب است و هم نماز با آن پایان می‌یابد. ۴. از مبطلات نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام وسیله جنگی می‌شود؟ ۵. از پاک کننده‌هاست که اگر اول آن را برداریم، نام وسیله جنگی می‌شود؟ ۶. از فروع دین است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام یکی از فلزها می‌شود؟ ۷. یکی از مقدمات نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام یکی از امراض خطرناک می‌شود؟ ۸. یکی از مقارنات نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام یکی از اقسام آبها و نام یکی از مرضها به دست می‌آید؟ ب) با اضافه نمودن حروفی به اول و آخر این کلمات، احکام مورد نظر را به دست بیاورید: ۱. از راههای به دست آوردن احکام دین... قلی... است. ۲. مقدار آبی که کمتر از کر است... لی... می‌باشد. ۳. یکی از ارکان نماز... جد... است. ۴. از پاک کننده‌ها... می... است. ۵. بر شخصی که به سن بلوغ برسد... کلی... واجب می‌شود. ۶. از مقارنات نماز... والا... است. ۷. از نجاسات... ردا... است. ج) براساس حرف مورد نظر، از شاگردان واژه‌هایی از احکام را می‌خواهیم که با آن حرف شروع شده باشد، مانند حرف الف (در اذان و اقامه) و هر کدام بیشتر بتوانند پیدا کنند برنده این بازی هستند. د) مخلوط کردن واژه‌های مختلف و جدا کردن آن توسط شاگردان؛ نظیر، واجبات نماز که بر روی کارت یا تخته یا کاغذ نوشته شده با ارکان نماز مخلوط شوند و شاگردان داوطلب آنها را از همدیگر جدا کنند؛ مثال دیگر، شاگردان باید بعضی از نامهای نجاسات را که با نامهای بعضی از مطهرات مخلوط شده و یا نام مستحبات و واجبات نماز را که با هم مخلوط شده‌اند از همدیگر جدا کنند.

آیا می‌توانید؟

۱. آیا می‌توانید تمام واجبات نماز را به ترتیب شماره که نه تا است، بنویسید؟ ۲. آیا می‌توانید هفت مرحله وضو را به ترتیب بنویسید؟ ۳. آیا می‌توانید پنج مرحله تیمم را به ترتیب بنویسید؟ ۴. آیا می‌توانید مراتب امر به معروف را به ترتیب بیان کنید؟ ۵. آیا می‌توانید چهار مرحله غسل را به ترتیب بنویسید؟ ۶. آیا می‌توانید نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شوند، ذکر نمایید؟ ۷. آیا می‌توانید تمام موارد تیمم که هفت مورد است، بنویسید؟ ۸. آیا می‌توانید مبطلات نماز را بیان کنید؟ ۹. آیا می‌توانید شرایط نماز جماعت را که چهار تاست، بنویسید؟

به من بگو

در این نوع از برنامه احکام، حرف اول و آخر واژه‌های احکام مطرح می‌شود و شاگردان باید واژه مورد نظر را پیدا کنند، مانند موارد زیر: ۱. بمن بگو نمازی که اولش «ص» و آخرش «ح» باشد کدام است. ۲. به من بگو نمازی که اولش «ج» و آخرش «ه» باشد؟ ۳. به من بگو نمازی که اولش «آ» و آخرش «ت» باشد؟ ۴. به من بگو نمازی که اولش «م» و آخرش «ب» باشد؟ ۵. به من بگو کتابی که اولش «ر» و آخرش «ه» باشد؟ ۶. به من بگو واژه‌ای که اولش «م» و آخرش «د» باشد؟ ۷. به من بگو واژه‌ای که اولش «ت» و آخرش «د» باشد؟ ۸. به من بگو واژه‌ای که اولش «ف» و آخرش «ی» باشد؟ ۹. به من بگو نمازی که اولش «غ» و آخرش «ه» باشد؟ ۱۰. به من بگو مسجیدی که اولش «ق» و آخرش «ا» باشد؟ ۱۱. به من بگو مسجیدی که اولش «ا» و آخرش «ی» باشد؟ ۱۲. به من بگو مکانی که اولش «م» و آخرش «ه» باشد؟

مسائل ناقص را کامل کنید

مساله ۱۱ مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد... مساله ۳۲۳ - هفت چیز وضو را باطل می‌کند: اول: بول، دوم: غائط، سوم: باد معده و... مساله ۲۹۸ - اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای بدن بوده یا نه... مساله ۲۶۸ - وضو گرفتن از حوض مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آن حوض را برای... مساله ۲۵۷ - اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه... مساله ۳۱۷ - مس نمودن خط قرآنی یعنی، رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد... مساله ۲۴۳ - باید صورت و دستها را از بالا- به پایین شست و اگر از پایین به بالا... مساله ۳۰۳ - اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او صحیح است، ولی... مساله ۳۱۹ - کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی... مساله ۲۴۸ - در وضو شستن صورت و دستها مرتبه اول، واجب و مرتبه دوم، جایز و مرتبه... مساله ۲۸۲ - لازم نیست، نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، ولی باید... مساله ۳۰۴ - اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است و باید... مساله ۷۵۶ - اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز... مساله ۲۸۷ - هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در... مساله ۳۳۱ - اگر جیره تمام یا بیشتر اعضای وضو را بگیرد، باید... مساله ۲۵۹ - مسح کردن از روی جوراب و کفش... مساله ۲۹۰ - اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه... مساله ۲۸۰ - هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری... مساله ۳۰۱ - کسی که شک دارد وضو گرفته... مساله ۲۵۸ - اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می‌تواند سر را با همان رطوبت مسح کند و برای... مساله ۲۴۹ - بعد از شستن هر دو دست، باید جلو سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و لازم نیست... مساله ۲۵۱ - لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلو سر هم... مساله ۷۶۲ - برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب... مساله ۷۵۸ - اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه، باید نیت را... مساله ۷۴۸ - کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به... مساله ۷۴۶ - اگر یقین کند، وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند... مساله ۷۴۰ - اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا... مساله ۱۱۲۴ - هر وقت انسان، اسم مبارک حضرت رسول -صلی الله علیه و آله وسلم مانند محمد و احمد یا لقب و کنیه آن جناب مثل «مصطفی» و «ابوالقاسم» را بگوید یا بشنود، اگر چه در نماز باشد... مساله ۱۲۹۵ - سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و [اگر در ماه رمضان باشد] روزه هم بگیرد. مساله ۱۱۳۷ - در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید... مساله ۱۲۳۶ - برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می‌شود به جا آورد: اول: آن که در بین نماز، سهوا حرف بزند. دوم: آن که یک سجده را فراموش کند... مساله ۱۲۵۰ - دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز، فوراً نیت سجده سهو کند و... مساله ۳۷۴ - اگر در غسل به اندازه سر مویی هم از بدن نشسته بماند... مساله ۳۳۰ - اگر جیره، تمام صورت یا یکی از دستها را بگیرد یا تمام هر دو دست را گرفته باشد باید... مساله ۲۸۸ - کسی که نداند آب برای او ضرر دارد و بعد از وضو بفهمد... مساله ۳۰۳ - اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه... مساله ۲۶۱ - وضوی ارتماسی آن است که... مساله ۲۶۳ - اگر وضوی بعضی از اعضا ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد... مساله ۲۶۰ - اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد باید... مساله ۶۷۸ - اگر وقت نماز به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید...

احکام الفبایی

در این قسمت، احکام به صورت سؤالی به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده مربی می‌تواند در برنامه‌های روزانه به صورت متنوع از

آنها استفاده نماید و بدین وسیله نوجوانان و جوانان می‌توانند با واژه‌های مختلف احکام آشنا شوند. الف: ۱. از فروع دین که اولش «الف» است؟ ۲. از نمازهای واجب که به هنگام حوادث طبیعی وحشتناک، خوانده می‌شود؟ ۳. از پاک کننده‌ها که «کافر» را پاک می‌کند؟ ۴. از پاک کننده‌ها که «سگ» و «خوک» را پاک می‌کند؟ ۵. از نجاساتی که اولش «الف» است؟ ۶. از آبهایی که یک بار به نجس بخورد پاک می‌کند؟ ۷. آبی که نمی‌شود با آن وضو و غسل انجام داد؟ ۸. یکی از پاک کننده‌هایی که به وسیله «زبان» پاک می‌کند؟ ۹. از چیزهای نجسی که به واسطه «انقلاب» پاک می‌شوند؟ ۱۰. آب صافی که به مجرد برخورد نجس، نجس می‌شود؟ ب: ۱۱. از اقسام آبها که اولش «ب» باشد؟ ۱۲. آیا روی برف می‌توان تیمم نمود؟ ۱۳. امتیاز باران بر آبهای دیگر چیست؟ ۱۴. آیا لباسی که بر آن باران باریده، پاک می‌شود؟ ۱۵. کسی که لباسش نجس بوده و از میان باران عبور کرده، بطوری که لباسش خیس شده، آیا لباسش پاک می‌شود؟ ۱۶. بول کدام حیوان پاک است؟ ۱۷. آیا زیر باران می‌توان وضو گرفت؟ پ: ۱۸. از شرایط وضو و از مقدمات نماز است؟ ۱۹. پاک کننده‌ای که به آن دسترسی نداریم؟ ۲۰. مقدار پوشش زن و مرد در نماز چه مقدار باید باشد؟ ت: ۲۱. دومین رکن نماز که اولش «ت» است؟ ۲۲. آیا می‌توان در حین تکبیرة الاحرام دستها را حرکت نداد؟ ۲۳. تسبیحات اربعه را باید چند بار بگوییم؟ ۲۴. چرا تسبیحات اربعه را «اربعه» می‌گویند؟ ۲۵. نمازی که پنج تکبیر دارد کدام است؟ ۲۶. کدام تکبیری است که می‌توان در حین حرکت گفت؟ ج: ۲۷. نام نمازی که به صورت گروهی می‌خوانند چیست؟ ۲۸. نام نماز گروهی هفتگی چیست؟ ۲۹. نام نماز جماعت سالانه چیست؟ ۳۰. نام نماز جماعت که سالانه در حج برگزار می‌شود چیست؟ ۳۱. نماز جماعتی که نه قنوت دارد کدام است؟ ۳۲. نماز جماعتی که ده رکوع دارد کدام است؟ ۳۳. نماز جماعتی که دو قنوت دارد کدام است؟ ۳۴. نماز جماعتی که نه قنوت دارد و نه سوره کدام است؟ ۳۵. از اقسام آبها که با برخورد با نجس، نجس نمی‌شود؟ ۳۶. از اقسام وضو که قسمتی از اعضای وضو شسته نمی‌شود؟ چ: ۳۷. دو آب زیرزمینی که با حرف «چ» شروع می‌شود؟ ۳۸. از اقسام آبها که حکم آب کر را دارد؟ ۳۹. حواله و نوشته‌ای که شخص به وسیله آن از پولی که در بانک دارد برداشت می‌کند؟ ۴۰. چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است؟ ۴۱. چیزهایی که نماز را باطل می‌کند؟ ۴۲. چیزهایی که زکات دارد؟ ۴۳. چیزهایی که خمس دارد؟ ۴۴. چیزهایی که خمس ندارد؟ ۴۵. از چیزهایی که سجده بر آن صحیح و اول آن «چ» است؟ ۴۶. از اقسام دائم السفر که اولش «چ» باشد؟ ۴۷. چگونه باید وضو گرفت؟ ۴۸. چگونه باید تیمم کرد؟ ۴۹. چگونه باید غسل کرد؟ ح: ۵۰. از واجباتی که سالانه انجام می‌شود و جزو فروع دین است؟ ۵۱. از واجبات بعد از غسل میت که اولش «ح» است. ۵۲. حرام چیست و محرّمات کدامند؟ ۵۳. حریم چیست؟ خ: ۵۴. از پاک کننده‌هایی که اولش «خ» باشد کدام است؟ ۵۵. از مایعاتی که نجس است؟ ۵۶. از نجاساتی که راه می‌رود؟ ۵۷. از حیوانات نجسی که اولش «خ» است؟ ۵۸. از چیزهای نجسی که علاوه بر خاک مال کردن، شستن نیز لازم است؟ د: ۵۹. از گناهان بزرگی که مجازات آن، بریدن دست است؟ ۶۰. مقابله با کسانی که منافع و حقوق انسان را غصب می‌کنند، چه نام دارد؟ ۶۱. یکی از ویژگیهای افراد شرور در برخورد با دیگران؟ ۶۲. از گناهان بزرگی که اولش «د» است؟ ذ: ۶۳. از مقارنات نماز که اولش «ذ» باشد؟ ۶۴. کدام ذکری است که باید در حین گفتن آن، بدن آرام باشد؟ ۶۵. کدام ذکری است که در حین گفتن آن، نباید بدن آرام باشد؟ ۶۶. کدام ذکری است که می‌تواند بدن آرام نباشد؟ ۶۷. کدام ذکر دارای چهار قسمت است؟ ۶۸. کدام ذکری است که در رکوع خوانده می‌شود؟ ۶۹. کدام ذکری است که در سجده خوانده می‌شود؟ ر: ۷۰. از واجب مهمتر است و در نماز پنج تاست؟ ۷۱. از ارکان نماز که اولش «ر» باشد؟ ۷۲. واجبات رکوع را نام ببرید؟ ۷۳. نام وثیقه‌ای که برای گرفتن وام قرار می‌دهند؟ ز: ۷۴. یکی از پاک کننده‌ها که اگر حرف اول آن را برداریم، وسیله جنگی می‌شود؟ ۷۵. یکی از فروع دین که مخصوص تولید کننده‌هاست؟ ۷۶. نام زکات سالانه عمومی چیست؟ ۷۷. کنار گذاشتن ده درصد از غلات را می‌گویند؟ س: ۷۸. از واجبات نماز که اگر حرف اولش را برداریم، یکی از شهرهای عربستان می‌شود؟ ۷۹. اقسام سجده را نام ببرید؟ ۸۰. نام سجده‌ای که برای کار اضافی یا کم در نماز بعد از نماز انجام می‌شود چیست؟ ۸۱. یکی از

چیزهایی که در نماز استفاده می‌شود که اگر حرف اولش را برداریم نام دیگر «راه» می‌شود و اگر حرف آخرش را برداریم، نام امام چهارم - علیه السلام می‌شود؟ ۸۲. سجده، بر چه چیزهایی صحیح است؟ ۸۳. در سجده چند عضو بدن باید به زمین بیاید؟ ۸۴. از واجبات نماز که نشانه ادب و پایان نماز است؟ ۸۵. از پاک کننده‌ها که اگر حرف اولش را برداریم آخرین کار نماز می‌شود؟ ۸۶. اعضای که در سجده باید به زمین برسد کدامند؟ ش: ۸۷. یکی از نجاساتی که اولش «ش» است؟ ۸۸. شکایات نماز چند تاست؟ ۸۹. شکهای صحیح چند تا می‌باشند؟ ۹۰. شکهای باطل چند تا می‌باشند؟ ۹۱. شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد چند تا هستند؟ ص: ۹۲. در پایان تشهد خوانده می‌شود؟ ۹۳. گرفتن و شکار حیوانات را گویند؟ ۹۴. نام صدقه‌ای که واجب است؟ ۹۵. چه نوع صدقه را می‌توان به سادات فقیر داد؟ ۹۶. آیا به غیر مسلمان می‌توان صدقه داد؟ ۹۷. آیا می‌توان صدقه را پس گرفت؟ ۹۸. صدقه را به چه کسی می‌توان داد؟ ۹۹. صلح چیست؟ ض: ۱۰۰. از شرایط وضو که اولش «ض» باشد؟ ۱۰۱. برای گرفتن وام از اعتبار او استفاده می‌شود؟ ۱۰۲. روشنترین و اساسی‌ترین برنامه‌های دین را می‌گویند؟ ط: ۱۰۳. یکی از مقدمات نماز که اولش «ط» است؟ ۱۰۴. از واجبات حج اولش «ط» است؟ ۱۰۵. از موجبات نماز آیات است؟ ظ: ۱۰۶. با کدام ظرف نمی‌توان وضو و غسل گرفت؟ ۱۰۷. کدام ظرفی است که نمی‌توان از آن استفاده کرد؟ ۱۰۸. ظرف نجس را چند بار باید بشویم؟ ۱۰۹. شرایط ظرف وضو و غسل چیست؟ ع: ۱۱۰. در چه صورت می‌توان از نمازی به نماز دیگر عدول کرد؟ ۱۱۱. در چه صورت نمی‌توان چنین کرد؟ ۱۱۲. در چه صورت می‌توان از مجتهدی به مجتهد دیگر عدول نمود؟ ۱۱۳. از شرایط مجتهد و امام جماعت که اولش «ع» است؟ ۱۱۴. قرض گرفتن اشیا را می‌گویند؟ ۱۱۵. بر کسی که به حد تکلیف رسیده واجب می‌شود؟ ۱۱۶. از مکانهایی که باید حجاج در آن توقف کنند؟ ۱۱۷. از واژه‌هایی که به وسیله آن غسل و نماز و روزه واجب می‌شود؟ غ: ۱۱۸. تصرف ملک و حق دیگران را چه می‌گویند؟ ۱۱۹. از اقسام طهارت است؟ ۱۲۰. از محرمات معامله و کسب است؟ ۱۲۱. از محرمات مربوط به گوش است؟ ۱۲۲. از پاک کننده‌هاست؟ ف: ۱۲۳. نظریه مجتهد را می‌گویند؟ ۱۲۴. نوعی زکات که در پایان ماه رمضان به فقرا می‌دهند؟ ۱۲۵. مرتکب گناه از عنوان عادل بودن خارج می‌شود و لقب... را به خود می‌گیرد؟ ۱۲۶. از گناهانی که مربوط به زبان است و حرف اول آن «ف» می‌باشد؟ ۱۲۷. نام دیگر واجبات است؟ ق: ۱۲۸. یکی از چیزهایی که در نماز، در هر رکعت، سه بار انجام می‌دهیم و ضد قعود است؟ ۱۲۹. یکی از اقسام قیام که رکن است؟ ۱۳۰. خواندن حمد و سوره را می‌گویند؟ ۱۳۱. نوعی تعهد و پیمان که با نام خدا شروع می‌شود و کسی که به این تعهد وفادار نباشد، باید کفاره بدهد؟ ۱۳۲. کفاره قسم چیست؟ ۱۳۳. از مستحبات نمازهای یومیه که در نماز جمعه دو برابر است؟ ۱۳۴. نماز را باید با قصد... بخوانند؟ ۱۳۵. مقابله به مثل در امور جزایی را می‌گویند؟ ۱۳۶. از سرگرمی‌هایی که برد و باخت در آن حرام و از گناهان کبیره است؟ ک: ۱۳۷. از نجاساتی که راه می‌رود؟ ۱۳۸. جریمه بعضی از گناهان، مثل روزه خواری؟ ۱۳۹. نام دیگر حيله و نیرنگ که جزو گناهان است؟ گ: ۱۴۰. از چیزهایی که به آن زکات تعلق می‌گیرد که حرف اولش «گ» باشد؟ ۱۴۱. از چیزهایی که خمس دارد که حرف اولش «گ» باشد؟ ۱۴۲. در چه صورت می‌توانیم مال پیدا شده را برای خودمان برداریم؟ ۱۴۳. در چه صورت خبر مال گمشده را باید تا یک سال اعلام کرد؟ ۱۴۴. در چه صورت، انسان موظف می‌شود تا مال گمشده را به صاحبش برساند؟ ل: ۱۴۵. با کدام لباس نمی‌توان نماز خواند؟ ۱۴۶. با کدام لباس می‌توان نماز خواند؟ ۱۴۷. با کدام لباس نجس می‌توان نماز خواند؟ ۱۴۸. شرایط لباس نماز گزار را بنویسید؟ م: ۱۴۹. مطلوب شرعی که از واجب کم رنگ‌تر است؟ ۱۵۰. کار نامطلوبی که از حرام کم رنگ‌تر است؟ ۱۵۱. از چیزهایی که خمس به آن تعلق می‌گیرد؟ ۱۵۲. یکی از موارد مصرف زکات که حرف اولش «م» باشد؟ ۱۵۳. مستحقان خمس چه کسانی هستند؟ ۱۵۴. مستحقان زکات چه کسانی هستند؟ ۱۵۵. موارد تیمم را نام ببرید؟ ۱۵۶. در چه مواردی می‌توان نماز را شکست؟ ۱۵۷. مبطلات نماز کدامند؟ ۱۵۸. مظهرات را نام ببرید؟ ۱۵۹. بالاترین و بهترین مکان مناسب برای عبادت کدام است؟ ن: ۱۶۰. نوعی تعهد با خدا برای از بین بردن موانع و مشکلات که حرف اولش «ن» باشد؟ ۱۶۱. از گناهانی است که در حدیث به عنوان «تیری از تیرهای

شیطان» توصیف شده است؟ ۱۶۲. کلمه‌ای است که تمام کارهای انسان به وسیله آن ارزش پیدا می‌کند؟ ۱۶۳. نوعی از کسب و معامله است که جنس زودتر دریافت می‌شود؟ و: ۱۶۴. از کارهایی که خوب است انسان انجام دهد، ولی افراد مسن بیشتر انجام می‌دهند و بهترین نوع آن را شهدا از خود به یادگار گذاشته‌اند؟ ۱۶۵. از مقدمات نماز که حرف اولش «و» باشد؟ ۱۶۶. چه عملی است که قبل از نماز صورت می‌گیرد؟ ۱۶۷. نام دیگر نمایندگی که برای دفاع از حقوق دیگران در محاکم قضایی استفاده می‌شود؟ ۱۶۸. نام مالی است که برای استفاده عموم یا گروه خاصی قرار می‌دهند؟ ۱۶۹. نام دیگر «امانت» که گاهی به صورت جنس و گاهی به صورت پول در اختیار شخص یا گروه قرار می‌دهند؟ ه: ۱۷۰. نام عربی «بخشش» چیست؟ ۱۷۱. نام عربی «تمسخر» که حرف اولش «ه» باشد؟ ۱۷۲. نام مسافرتی که برای حفظ عقیده و آرمان انجام می‌شود و «اصحاب کهف» چنین سفری داشتند؟ ی: ۱۷۳. از گناهان بزرگ که حرف اول آن «ی» است؟ ۱۷۴. آیا آب کروی که قسمتی از آن یخ زده در ملاقات با نجس، نجس می‌شود؟

سرگرمیهای احکام

مقدمه

در این قسمت مریدان می‌توانند از شاگردان پرسند که چه مفاهیمی از احکام مثلاً «الف» یا «ب» و... شروع می‌شود، چند مورد را نام ببرید. الف) اذان، اقامه، آیات، اسلام، انتقال، ازاله نجاست، استبراء، اجاره، امانت، امر به معروف، آفتاب و آب. ب) باران، بول و برف. پ) پاک بودن و پوشانیدن. ت) تجارت، تسیحات اربعه، تکلیف، تقلید، تبعیت، تکبیرة الاحرام، تلبیه، تیمم، ترتیب و تشهد. ث) ثواب. ج) جماعت، جمعه، جنابت، جنایت، جهاد و جاری. ح) حلال و حرام، حمام، حواله، حج و حجاب. خ) خون، خاک، خوک، خوردنیها و خمس. د) دفاع. ذ) ذکر. ر) رهن، ربا، روزه، رکوع، رشوه، رکن و ریا. ز) زکات و زمین. س) سجود، سلام، سجده، سجاده و سپرده. ش) شیر دادن، شرک، شکیات، شرایط وضو و شرکت. ص) صلح، صلوات، صید و صلح رحم. ط) طلاق، طهارت، طلا و طواف. ظ) ظرف. ع) عهد، عقد، عیب و عاریة. غ) غضب، غسل، غائب شدن مسلمان و غبار. ف) فقه، فروع دین، فسخ، فقه و فطریه. ق) قصاص، قضا، قنوت، قبله شناسی، قلیل، قمار، قسم، قراءت، قیام و قصد قربت. ک) کفاره، کفالت، کافر و کر. گ) گمشده و گنج. ل) لمس و لباس نماز گزار. م) مس، محرم، موالات، مردار، مستحب و مکروه. ن) نامحرم، نذر، نگاه، نیت، نماز، نقد و نسیه. و) وصیت، وقف، وکالت، وضو، وقت شناسی و ودیعه. در چه صورت ۱ در چه صورت حرف زدن به فارسی در میان نماز مانعی ندارد؟ ۲. در چه صورت، نماز گزار باید نمازش را به هم بزند؟ ۳. در چه صورت نباید تقلید نمود؟ ۴. در چه صورت می‌توان از مجتهدی به مجتهد دیگر عدول کرد؟ ۵. در چه صورت، نماز با لباس نجس صحیح است؟ ۶. در چه صورت دست زدن به میت غسل ندارد؟ ۷. در چه صورت نباید به شک اعتنا کرد؟ ۸. در چه صورت عمل نکردن به قسم کفاره دارد؟ ۹. در چه صورت می‌توان مالی را که پیدا شده برای خود برداشت و یا آن را صدقه داد؟ ۱۰. در چه صورت می‌توان نماز را شکست؟ ۱۱. در چه صورت باید در نماز جماعت شرکت نمود؟ ۱۲. در چه صورت، فرد فاقد طهارت و وضو می‌تواند دست به نام خدا بزند؟ ۱۳. در چه صورت، مسافر باید نمازش را کامل بخواند؟ ۱۴. در چه صورت آب کر نجس می‌شود؟ ۱۵. در چه صورت در نماز به جای یک سوره دو سوره باید خواند؟ ۱۶. در چه صورت نماز گزار می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده دوباره به جماعت بخواند؟ ۱۷. در چه صورت فقط باید نماز عصر خوانده شود؟ ۱۸. در چه صورت رکن اضافی مانعی ندارد؟ ۱۹. در چه صورت شنیدن صدای نامحرم حرام است؟ ۲۰. در چه صورت نماز گزار نباید حمد و سوره را بخواند؟ ۲۱. در چه صورت نماز گزار فقط باید سوره حمد را بخواند؟ در کجا... ۱ در کجای نماز می‌توان به فارسی دعا کرد؟ ۲. در کجاها می‌توان نماز را شکسته یا

کامل خواند؟ ۳. در کجاها شخص جنب نمی‌تواند وارد شود؟ ۴. در کجا شخص جنب نمی‌تواند توقف کند؟ ۵. در کجا به هر طرف می‌توان نماز خواند؟ ۶. از کجا می‌توان نماز را شکسته خواند و روزه را خورد؟ ۷. در کجا مسافر باید نماز را کامل بخواند؟

او کیست؟

۱. او در وسط معرکه جنگ نماز را در برابر آماج تیرهای دشمن خواند و با شهادت اسلام را زنده کرد؟ ۲. هنگامی که ماموران منصور در نیمه شب به منزلش حمله کردند، او را در حال نماز یافتند؟ ۳. اولین شهید محراب و امام جمعه تبریز بود؟ ۴. فیلسوف دانشمندی که مشکلات علمی‌اش را با نماز حل می‌کرد؛ او در فلسفه، فقه، علم طب و... تخصص داشت و قبرش در شهر همدان می‌باشد؟ ۵. او شخصیتی است عارف، فقیه، مفسر قرآن، سیاستمدار استثنایی و... که در هیچ شرایطی حتی به هنگام سفر در هواپیما و اتاق عمل هرگز نماز شبش را ترک نکرد؟ ۶. او برای از بین بردن سلطه دشمن فتوای تاریخی خود را صادر کرد که «امروز استعمال تنباکو حرام است»؟

به من بگو ضد مرا

۱. آب مطلق ۲. طهارت ۳. اسلام ۴. معروف ۵. نماز شکسته ۶. جهر ۷. صحیح ۸. مستحب ۹. واجب ۱۰. روزه ۱۱. جاری ۱۲. مباح ۱۳. امساک ۱۴. نماز ادا ۱۵. موالات ۱۶. اختیاری ۱۷. نسیه ۱۸. عقد ۱۹. اجتهاد ۲۰. عادل

به من بگو چرا؟

۱. چرا باید تقلید کنیم؟ ۲. چرا باید نماز بخوانیم؟ ۳. چرا باید روزه بگیریم؟ ۴. چرا باید جهاد کنیم؟ ۵. چرا مرگ بر آمریکا می‌گوییم؟ ۶. چرا باید از کفار براءت و بیزاری بجوییم؟ ۷. چرا باید راستگو باشیم؟ ۸. چرا باید به امانت وفادار باشیم؟ ۹. چرا نماز مسافر شکسته است؟ ۱۰. چرا باید مالی را که پیدا می‌کنیم به صاحبش برسانیم؟ ۱۱. چرا نگاه به نامحرم حرام است؟ ۱۲. چرا دزدی حرام است؟ ۱۳. چرا باید نماز را به جماعت بخوانیم؟ ۱۴. چرا باید امر به معروف کنیم؟

فرق این دو کلمه چیست

۱. فتوا - احتیاط واجب ۲. رکن - واجب ۳. وقف - هبه ۴. جاهل قاصر - جاهل مقصر ۵. دفاع - جهاد ۶. حد - تعزیر ۷. محرم شدن به شیر - محرم نسبی ۸. کافر ذمی - کافر حربی ۹. دائم السفر - مسافر ۱۰. نماز مسافر - نماز حاضر ۱۱. عاریه - امانت ۱۲. رهن - اجاره ۱۳. مرجع تقلید - ولی فقیه ۱۴. غسل ارتماسی - غسل ترتیبی ۱۵. حمد و سوره نماز ظهر - حمد و سوره نماز عشا ۱۶. ترتیب - موالات ۱۷. نجس - متنجس ۱۸. مستحب - واجب ۱۹. حرام - مکروه ۲۰. مطلق - مضاف ۲۱. فجر صادق - فجر کاذب

بازی با اعداد

در این قسمت مربی عدد خاصی را در نظر می‌گیرد و شاگردان باید از احکامی که به آن عدد مربوط می‌شود مطرح نمایند به عنوان مثال عدد پنج را در نظر می‌گیریم. ۱. انواع آب پنج تاست: ۱. جاری؛ ۲. کر؛ ۳. قلیل؛ ۴. باران؛ ۵. چاه؛ ۲. تعداد کتابهای آسمانی پنج تاست: ۱. زبور؛ ۲. تورات؛ ۳. صحف؛ ۴. انجیل؛ ۵. قرآن. ۳. تعداد پیامبران اولوالعزم پنج تاست: ۱. عیسی؛ ۲. موسی؛

۳. نوح؛ ۴. ابراهیم؛ ۵. محمد (ص). ۴. آل عبا پنج تن می‌باشند: ۱. محمد (ص)؛ ۲. علی - علیه‌السلام؛ ۳. فاطمه (س)؛ ۴. حسن - علیه‌السلام؛ ۵. حسین - علیه‌السلام. ۵. مدت حکومت علی - علیه‌السلام در کوفه پنج سال است. ۶. تعداد شهدای محراب پنج نفر است: ۱. قاضی طباطبایی؛ ۲. مدنی؛ ۳. دستغیب؛ ۴. اشرفی اصفهانی؛ ۵. صدوقی. ۷. شرایط ذبح کردن و سربریدن حیوان پنج تاست (مساله ۲۵۹۴). ۸. شرایط روشنایی دل پنج تاست: ۱. تلاوت قرآن؛ ۲. کم خوردن؛ ۳. نماز شب؛ ۴. رفتن به مسجد؛ ۵. همنشینی با علما. ۹. اصول دین پنج تاست: ۱. توحید؛ ۲. عدل؛ ۳. نبوت؛ ۴. امامت؛ ۵. معاد. ۱۰. نماز میت دارای پنج تکبیر است. ۱۱. احکام وقت نماز پنج تاست. ۱۲. انواع احکام پنج تاست: ۱. واجب؛ ۲. مستحب؛ ۳. حرام؛ ۴. مکروه؛ ۵. مباح. ۱۳. ارکان نماز پنج تاست: ۱. نیت؛ ۲. تکبیرة الحرام؛ ۳. قیام؛ ۴. رکوع؛ ۵. دو سجده. ۱۴. شرایط لباس نماز گزار پنج تاست: ۱. پاک باشد. ۲. مباح باشد (یعنی غضبی نباشد). ۳. از حیوان حرام گوشت نباشد. ۴. اگر نماز گزار مرد است، لباسش از ابریشم خالص و طلا باف نباشد. ۵. از اجزای مردار نباشد. ۱۵. نمازهای یومیه پنج تاست: ۱. صبح؛ ۲. ظهر؛ ۳. عصر؛ ۴. مغرب؛ ۵. عشا.

درباره من چه می‌دانید

۱. احتیاط واجب ۲. مرجع تقلید ۳. ولایت فقیه ۴. مجتهد ۵. استفتا ۶. فتوا ۷. سجده سهو ۸. عهد ۹. آب مضاف ۱۰. آب قلیل ۱۱. آب کر ۱۲. حکم ۱۳. کفار ۱۴. خمس ۱۵. تولی ۱۶. تبری ۱۷. جزیه ۱۸. تقلید ۱۹. وقف ۲۰. امر به معروف و نهی از منکر ۲۱. زکات ۲۲. رهن ۲۳. احتیاط ۲۴. اهل ذمه ۲۵. مکروه ۲۶. ربا ۲۷. رشوه ۲۸. غضب ۲۹. اجتهاد

مرحله بعد آن چیست؟

۱. نماز الف) نیت مرحله بعد... ب) قرائت مرحله بعد... ج) رکوع مرحله بعد... د) تشهد مرحله بعد... ه) قنوت مرحله بعد... ۲. تسبیحات حضرت زهرا اول (۳۴) مرتبه تکبیر مرحله بعد... ۳. کسی که تشهد یا سجده را در نماز فراموش کرده، بعد از تمام شدن نماز، اول سجده و یا تشهد فراموش شده را می‌خواند و در مرحله بعد... ۴. اذان اقامه مرحله بعد... ۵. وضو نیت مرحله بعد... ۶. تیمم نیت مرحله بعد... ۷. (غسل) شستن سرو گردن، مرحله بعد... ۸. نماز عید فطر مرحله بعد... ۹. در برابر کسی که نماز نمی‌خواند و یا واجب دیگری را ترک می‌کند ابتدا روی گرداندن... مرحله بعد...

نام دیگر آن چیست

۱. نام دیگر پیوند چیست؟ ۲. نام یکی از مقارنات نماز که می‌گوید: بین کارهای نماز، فاصله نباید باشد چیست؟ ۳. نام دیگر به هم زدن معامله که حرف اولش «ف» باشد چیست؟ ۴. نام پایان وقت نماز و عبادات دیگر چیست؟ ۵. نام یکی از مقدمات نماز که حرف اولش «ق» است چیست؟ ۶. نام پولی که بطور موقت در اختیار دیگران قرار می‌دهند چیست؟ ۷. نام دیگر خواندن حمد و سوره که باید صحیح ادا شود چیست؟ ۸. نام دیگر «عید اضحی» چیست؟ ۹. نام دیگر «نماز وحشت» چیست؟ ۱۰. نام دیگر مالیاتی که اهل ذمه باید بدهند چیست؟

احکام معمایی

۱. آن چیست که لازم نیست به زبان بیاید و یا از قلب و فکر بگذرد و در اکثر کارهای ما وجود دارد؟ ۲. آن چیست که اصل آن مستحب و فرعش حرام است؟ ۳. آن چیست که اصل آن مستحب و فرعش واجب است؟ ۴. کدام پاک‌کننده‌ای است که در زمین نیست؟ ۵. کدام کافری است که به فرموده پیامبر (ص) قابل احترام است؟ ۶. یکی از پاک‌کننده‌هاست که اگر حرف اول آن را

برداریم، یکی از آداب اسلامی می‌شود؟ ۷. کدام یک از پاک کننده‌هاست که اگر دو حرف آخرش را برداریم به معنای «خراب» و اگر دو حرف اول آن را برداریم، نوعی ورزش و بازی می‌شود؟ ۸. کدام مکان مقدسی است که نماز واجب در روی آن، مکروه است؟ ۹. کدام عبادتی است که به جا آوردن آن حرام و ترک آن نیز حرام است؟ ۱۰. کدام مرکبی است که با آمدن آن، نماز باطل می‌شود؟ ۱۱. شخصی در نماز میت سرش به لبه تابوت خورد و خون آمد، آیا نمازش صحیح است؟ ۱۲. آیا جوجه یا پرنده‌ای را که در شکم حیوان شکار شده وجود دارد، می‌توان خورد یا خوردن آن حرام است؟ ۱۳. حلال بی‌پوست چیست؟ ۱۴. خونی که از دمبه گوسفند بیرون می‌آید، آیا پاک است یا نجس؟ ۱۵. از پاک کننده‌ها که در روز هست و در شب نیست و کسی به آن دسترسی ندارد؟ ۱۶. اولم اول رمضان، دومم آخر وضو، سومم آخر نماز، چهارم آخر سجده، حال بگو که چیستم؟ ۱۷. کدام دهی است که اگر در مسیر باشد، نماز را باطل می‌کند. ۱۸. شخصی نمازهای یومیه خود را که هفده رکعت است، یازده رکعت خوانده، حال باید چه کند. ۱۹. آویزه و معلق، گاهی حلال و طیب گاهی حرام مطلق؟ ۲۰. آن چیست که یک چشم دارد و همیشه باز و رو به آسمان است؟ ۲۱. آن چیست که در ابتدای برخوردها و نیز در پایان نماز باید باشد؟ ۲۲. من در همه جا هستم از من صنایع دستی ساخته می‌شود، گاهی از من برای پاک کردن ظرفها استفاده می‌شود و به هنگام ناچاری با من تیمم نیز می‌کنند، من چیستم. ۲۳. از نمازهای واجب دو رکعتی هستم که ده رکوع دارم، مرا در مواقع حوادث طبیعی وحشتناک، باید بخوانید؟ ۲۴. از فروع دین و یکی از راههای مبارزه با فساد هستم، هدف قیام امام حسین -علیه السلام اجرای این اصل بوده و رهبر معظم انقلاب تمام تلاش خود را برای احیای این اصل فراموش شده به کار بردند؟ ۲۵. شخصی تا سن پانزده سالگی نماز نخوانده و چند سال هم نمازش را بدون حمد و سوره خوانده، حال وظیفه او چیست؟ ۲۶. شخصی حمد و سوره نماز را در نماز جماعت بلند خوانده است اکنون باید چه کند؟ ۲۷. شهری در استان کرمان است که مردم آن با آب «انار» وضو می‌گیرند و غسل می‌کنند، آیا وضو و غسل آنان صحیح است؟ ۲۸. کشوری است که مسلمانان آن جا با آب «پرتقال» وضو و غسل می‌گیرند؟ ۲۹. بگوئید که کدام نماز است که اگر دیگری بخواند بر ما واجب نیست؟ ۳۰. نام کدام رکن نماز است که در تلفظ آن لبها به همدیگر نمی‌خورند؟ ۳۱. یکی از نمازهای واجب که «حمد» در آن خوانده نمی‌شود؟ ۳۲. با این که عمل بدون تقلید باطل است، مکلفی تقلید نمی‌کند و اعمالش صحیح است، آیا چنین چیزی می‌شود؟ ۳۳. آن چیست که دل شیطان بزرگ آمریکا را می‌لرزاند و دل‌های مؤمنان را قوت می‌بخشد و کلید ورود به میعادگاه عاشقان الله است؟ ۳۴. کدام آب کری است که بدون تغییر بو و رنگ و طعم، با برخورد نجس، نجس می‌شود؟ ۳۵. در چه صورت چیز پاک با برخورد به نجس، نجس نمی‌شود؟ ۳۶. مسجدی ساختم بلند پایه هشت در آفتاب نه در سایه؟ ۳۷. نمازی که رکوع و سجود ندارد کدام است؟ ۳۸. از پاک کننده‌هاست که اگر حرف اولش را برداریم نوعی وسیله جنگی می‌شود؟ ۳۹. نمازی که نه غسل و نه وضو و نه تیمم می‌خواهد؟ ۴۰. از واجبات نماز که اگر حرف اول آن را برداریم، یکی از شهرهای عربستان می‌شود؟ ۴۱. دعایی در نماز است که نقطه ندارد و کودکان نیز می‌توانند آن را بخوانند؟ ۴۲. از چیزهایی که مناسب است نمازگزار از آن استفاده کند، اگر حرف اولش را برداریم، نام دیگر راه و اگر حرف آخرش را برداریم، لقب امام چهارم -علیه السلام می‌شود؟ ۴۳. کدام آبی است که اگر سگ از آن بخورد، نجس می‌شود و اگر در آن ادرار کند، نجس نمی‌شود؟ ۴۴. دو آب کر داریم که هر دو مطلق هستند و از نظر وزن و حجم تقریباً یکسان می‌باشند، ولی یکی با ملاقات نجس، نجس می‌شود و دیگری نجس نمی‌شود، آیا چنین چیزی ممکن است؟ ۴۵. در چه صورت آب کر بوی نجس را به خود می‌گیرد و نجس نمی‌شود؟ ۴۶. آن چیست که نشانه ادب و پایان نماز است؟ ۴۷. یکی از فروع دین است که اگر حرف اولش را برداریم، نام نوعی فلز می‌شود؟ ۵۰. چه درختی است که دو نوع انگور سیاه و سفید می‌دهد که انگور سفید آن را نمی‌توان خورد و انگور سیاهش را می‌توان خورد؟

۱. آیا راه رفتن در بین وضو اشکال دارد؟ ۲. آیا اگر اعضای وضو که به وسیله گرما و باد قبل از تمام شدن وضو خشک شود، وضو باطل است؟ ۳. آیا باید نیت وضو را به زبان آورد؟ ۴. آیا وضو گرفتن از حوضی که یک آجر غصبی دارد باطل است؟ ۵. آیا وضو گرفتن از نهرهای بزرگ اشکال دارد؟ ۶. آیا وضوی واحد از اسباب متعدد کفایت می کند؟ ۷. آیا در وضو با یک دست می توان هر دو پا را مسح کرد؟ ۸. اگر کسی با وضویی که از آب مضاف یا نجس گرفته و نماز خوانده، آیا لازم است نماز را با وضوی صحیح اعاده نماید؟ ۹. آیا می توان در نماز روی برگ و زغال و سفال سجده کرد؟ ۱۰. شخصی جنب شده و نیاز به غسل جنابت دارد، ولی از غسل کردن شرم دارد، آیا می تواند تیمم کند؟ ۱۱. آیا زن برادر و دختر خاله و دختر عمو محرم هستند؟ ۱۲. آیا نگاه کردن به موی سر عمه و خاله معصیت دارد؟

به من بگو

در این قسمت، احکام به صورت عددی از شاگردان سؤال می شود؛ به عنوان مثال، از آنان پرسیده می شود که سه مورد از مسائل احکام را نام ببرید که یک بار انجام می شوند (مانند حج که در طول عمر یک بار واجب است) یا سه مورد از مسائل احکام را نام ببرید که در آنها عدد شش به کار رفته (به من بگو سه شش تا)، مانند واجبات وضو که شش چیز است. به من بگو سه یکی؟ ... به من بگو سه دو تا؟ به من بگو سه سه تا؟ ... به من بگو سه چهارتا؟ به من بگو سه پنج تا؟ ... به من بگو سه شش تا؟ به من بگو سه هفت تا؟ ... به من بگو دو هشت تا؟ به من بگو دو نه تا؟ ... به من بگو یک ده تا؟ به من بگو سه یازده تا؟ ... به من بگو دو دوازده تا؟ به من بگو یک سیزده تا؟ ... به من بگو دو چهارده تا؟ پاسخهای این قسمت در عنوان «احکام اعدادی» آمده است.

سؤالی از یک نماز دو رکعتی

۱. به من بگو که در نماز چند تا یکی است؟ ۲. به من بگو که در نماز چند دو تا است؟ ۳. به من بگو که در نماز چند سه تا است؟ ۴. به من بگو که در نماز چند چهار تا است؟ ۵. به من بگو که در نماز چند پنج تا است؟ ۶. به من بگو که در نماز چند هفت تا است؟ ۷. به من بگو که در نماز چند یازده تا است؟

اسمش چیست؟

۱. آن چیست که بعد از حمد می خوانند و انواع زیادی دارد؟ ۲. آن چیست که در نماز می گیرند؟ ۳. آن چیست که قبل از نماز آن را می گیرند؟ ۴. آن چیست که اگر به دروغ بخوریم، هم گناه بزرگی کرده ایم و هم باید کفاره بدهیم؟ ۵. کدام وضویی است که در آن قسمتی از اعضای وضو را نمی شویم؟ ۶. به کسی که به امام جماعت اقتدا می کند چه می گویند؟ ۷. چه چیزی است که در همه عبادات باید باشد و بدون آن اعمال انسان فایده ای ندارد؟ ۸. نام عملی که ترک آن نیکوست چیست؟ ۹. نظریه مجتهد را چه می گویند؟ ۱۰. زکات عمومی که در آخرین روز ماه رمضان کنار می گذارند چه نام دارد؟ ۱۱. یکی از مقدمات نماز که از دو طرف خوانده می شود، چیست؟ ۱۲. یکی از ارکان نماز که نقطه ندارد، کدام است؟ ۱۳. دو واجبی که باید در نماز رعایت بشوند ولی جزو نماز نیستند کدامند؟ ۱۴. آن چیست که بر هر مسلمان غیر مجتهد، واجب است؟ ۱۵. یکی از راههای جلوگیری از فساد که راه پیامبران و امامان علیهم السلام است و رهبر عالیقدرمان آن را احیا کرد، چیست؟ ۱۶. به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند، چه می گویند؟ ۱۷. نام نمازی که در هر مسجدی مستحب است خوانده شود، چیست؟ ۱۸. نام سجده ای که برای کلام بی جا در نماز بعد از نماز انجام می شود، چیست؟ ۱۹. لباس و یا کتابی که در اختیار ما می گذارند و نباید از آنها استفاده کنیم، چه نام

دارد؟ ۲۰. وسیله یا کتابی را که می‌گیریم تا از آن استفاده کنیم و سپس برگردانیم نام این کار چیست؟ ۲۱. سجده‌ای که برای تشهد و یا سجده فراموش شده انجام می‌دهیم چه نام دارد؟ ۲۲. پذیرش رای و فتوای مجتهد و عمل کردن به آن را چه می‌گویند؟ ۲۳. نام چیزی که با آن زخم و محل شکستگی را می‌بندند، چیست؟ ۲۴. نوعی ناپاکی که با مس آن وضو باطل نمی‌شود، ولی غسل بر انسان واجب می‌شود؟ ۲۵. نام سهمی که بازماندگان از شخص میت می‌برند، چیست؟ ۲۶. به واجبی که باید همه انجام دهند چه می‌گویند؟ ۲۷. کدام واجبی است که اگر بعضی انجام دهند بر دیگران واجب نیست؟ ۲۸. به اعمالی که انجام دادن و ندادن آن مساوی است، چه می‌گویند؟ ۲۹. جریمه گناهان و ترک واجبات را چه می‌نامند؟ ۳۰. نام آبی که در حین شستن نجس ریخته می‌شود چیست؟ ۳۱. نام چوب یا علامتی که به وسیله آن وقت را تعیین می‌کنند چیست؟ ۳۲. اقلیتهای مذهبی پذیرفته شده در کشورهای اسلامی را چه می‌گویند؟ ۳۳. نام نمازهای مستحبی روزانه چیست؟ ۳۴. طولانی‌ترین و کوتاه‌ترین نافله کدام است؟ ۳۵. کدام نمازی است که باید فوری و سریع خوانده شود؟ ۳۶. نام این ذکر: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر» چیست؟ ۳۷. نام دیگر «وظیفه» که بر شخص بالغ واجب می‌شود چیست؟ ۳۸. نام دیگر «پنهان کاری» در برابر دشمنان دین و مذهب چیست؟ ۳۹. کدام نمازی است که بدون وضو هم می‌توان آن را خواند؟ ۴۰. نام اولین قسمت رساله‌های عملیه چیست؟ ۴۱. نام دعا و شعاری که حجاج در مراسم حج سر می‌دهند چیست؟ ۴۲. نام طهارت اضطراری چیست؟ ۴۳. نام نوعی دزدی که ممکن است آن را بعضی از دانش‌آموزان انجام دهند چیست؟ ۴۴. نام‌های دو اصل از فروع دین که به معنای «دوستی با خوبان» و «دشمنی با بدان» می‌باشند چیستند؟ ۴۵. نام یکی از پاک‌کننده‌ها که اولش «ت» می‌باشد چیست؟ ۴۶. خاک کدام مکانی بهترین مهر و خاک تیمم است؟ ۴۷. آن چیست که ترک عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند؟ ۴۸. نام لباس نندوخته‌ای که حجاج در ایام حج می‌پوشند چیست؟ ۴۹. مالی که در جنگ از دشمن به دست می‌آید چه نام دارد؟ ۵۰. یک پنجم مالی را که به مرجع تقلید می‌دهند چه نام دارد؟

احکام اعدادی

در این قسمت از عدد یک شروع می‌کنیم و شاگردان باید مواردی از آن را بگویند و می‌توان به آنان وقت داد تا از رساله پیدا کنند و در این جا از باب نمونه، قسمتی از احکام اعدادی را برای مریان می‌آوریم: ۱. حج در طول عمر یک بار واجب است. خمس مال یک بار واجب است. نیت برای هر عبادتی یک بار واجب است. تکبیرة الاحرام نماز یک بار است. ۲. آب بر دو قسم است مضاف و مطلق (مساله ۱۵). نماز وحشت دو رکعت است (مساله ۶۳۸). غسلها را دو گونه می‌توان انجام داد: ترتیبی و ارتماسی. سجده در هر رکعت، دو تاست. نماز آیات دو رکعت است. نماز جمعه و عید فطر دو رکعت است. ۳. مجتهد را از سه راه می‌توان شناخت (مساله ۳) راههای ثابت شدن نجاست سه تاست (مساله ۱۲۱). راههای شناخت اعلم سه تاست. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست (مساله ۱۵۰). زمین با سه شرط ته کفش را پاک می‌کند. واجب است میت را سه غسل بدهند (مساله ۵۵۰). میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند کفن کنند (مساله ۵۷۰). مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد سه تاست (مساله ۸۴۸). تسبیحات اربعه سه بار (طبق فتوای امام) مستحب است. سجده سهو برای سه چیز است (مساله ۱۲۳۶). فطریه برای هر نفر سه کیلو از غلات است (مساله ۱۹۹۱). نشانه‌های بلوغ سه چیز است (مساله ۲۲۵۲). کفاره قسم سه روز روزه است (مساله ۲۶۷۰). ۴. به دست آوردن فتوای مجتهد از چهار راه است (مساله ۵). در چهار جا ادرار کردن حرام است (مساله ۶۴). آب با چهار شرط پاک می‌کند (مساله ۱۴۹). در تیمم چهار چیز واجب است (مساله ۷۰۰). سوره‌هایی که سجده واجب دارند چهار تاست (مساله ۱۰۹۳). نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می‌شود (مساله ۱۴۹۱). شرایط امر به معروف چهار چیز است. مراتب امر به معروف چهار چیز است. ۵. آب مطلق پنج قسم است (مساله ۱۵). آب قلیلی که برای برطرف کردن عین

نجاست، روی نجس ریخته می‌شود، با پنج شرط پاک است (مساله ۲۷). پنج چیز بر جنب حرام است (مساله ۳۵۵). نماز میت پنج تکبیر دارد (مساله ۶۰۸). نمازهای یومیه در پنج وقت است. در پنج نماز، اذان ساقط می‌شود (مساله ۹۲۲). ارکان نماز پنج تاست (مساله ۹۴۲). اقسام سجده پنج تاست. نماز آیات در هر رکعت پنج رکوع دارد (مساله ۱۵۰۷). راههای ثابت شدن اول ماه پنج چیز است (مساله ۱۷۳۰). ۶. آفتاب با شش شرط پاک می‌کند (مساله ۱۹۱). برای شش چیز وضو گرفتن واجب است (مساله ۳۱۶). برای بچه شش سال به بالا نماز میت لازم است (مساله ۵۹۶). لباس نمازگزار شش شرط دارد (مساله ۷۹۸). شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد شش تاست (مساله ۱۱۶۷). شرایط فروشنده شش تاست (مساله ۲۰۸۱). ۷. ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد با آب قلیل باید هفت مرتبه شست (مساله ۱۵۲). ظرفی را که شراب در آن بوده هفت بار باید شست. (مساله ۱۵۳). هفت چیز وضو را باطل می‌کند (مساله ۳۲۳). غسلهای واجب هفت تاست. در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد (مساله ۶۴۸). در سجده باید هفت عضو به زمین برسد. خمس در هفت چیز است. ۸. شرایط محرم شدن از طریق شیردادن هشت تاست (مساله ۲۴۷۴). شکهای باطل هشت تاست. ۹. نه چیز زکات دارد. شکهای صحیح نه تاست. ۱۰. فروع دین ده تاست. ۱۱. نجاسات یازده تاست. واجبات نماز یازده تاست. در یازده مورد می‌توان معامله را به هم زد (مساله ۲۱۲۴). ۱۲. پاک کننده‌ها دوازده تاست (مساله ۱۴۸). مبطلات نماز دوازده تاست، (مساله ۱۴۸). ۱۳. شرایط وضو سیزده تاست. ۱۴. برای پاک شدن کف پا و ته کفش، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر روی زمین راه بروند (مساله ۱۸۵). غسلهای مستحبی پانزده تاست (مساله ۶۴۷). راه... ۱. راه نجس شدن چیزهای پاک کدام است؟ ۲. راه ثابت شدن نجاست چیست؟ ۳. راه شناخت مجتهد اعلم کدام است؟ ۴. راه به دست آوردن فتوای مجتهد چیست؟ ۵. راه شستن لباس نجس به چه صورت است؟ ۶. راه فهمیدن آب کر چگونه است؟ ۷. راه نذر کردن چیست؟ ۸. راه محرم شدن از طریق «شیر» چگونه است؟ ۹. راه صحیح بودن اعمال کدام است؟ ۱۰. راه شستن ظرفی که سگ و خوک از آن چیز روانی خورده باشند چیست؟ ۱۱. راه شکار با اسلحه چیست؟ ۱۲. راه یقین پیدا کردن به این که در مجرای ادرار چیزی باقی نمانده چیست؟ ۱۳. راه پاک شدن کافر چیست؟ ۱۴. راه حلال شدن آب انگوری که جوشیده چیست؟ ۱۵. راه فرار از خمس چیست؟ ۱۶. راه و روش امر به معروف و نهی از منکر چگونه است؟ ۱۷. راه پاک کردن ظرف و بدن نجسی که چرب است چیست؟ ۱۸. راه پاک کردن چیزی که به ادرار نجس شده، به وسیله آب قلیل چیست؟ اعداد زیر مربوط به کدام یک از احکام دین است؟ الف) ۲۳ ه) ۶۱ ب) ۱۰ و) ۹ ج) ۱۳ ز) ۳۱ د) ۱۵ ح) ۶

سرگرمی‌هایی از احکام

در این قسمت، اعدادی از احکام طبق سؤالی که مطرح شده را باید در این جدول قرار داد و با پر نمودن این جدول، حاصل جمع هر یک از ستونهای افقی و عمودی بیست خواهد شد. ۱. تعداد رکعات نمازهای یومیه. ۲. تعداد سلام‌ها در نماز. ۳. تعداد رکوع در نماز آیات. ۴. اعضای سجده. ۵. ارکان نماز. ۶. تعداد رکعات نماز عصر. ۷. سوره‌های سجده دار قرآن. ۸. تعداد رکعات نماز عید قربان. ۹. تعداد نمازهای واجب. ۱۰. رکعتهای نماز مغرب. ۱۱. تعداد تکبیرات نماز میت. ۱۲. واجبات نماز. ۱۳. تعداد رکعات نماز عشا. ۱۴. تعداد پاک کننده‌ها. ۱۵. تعداد شرایط لباس نمازگزار.

واحد بعضی از احکام

۱. واحد کتاب چیست؟ ۲. واحد مسجد چیست؟ ۳. واحد نماز چیست؟ ۴. واحد تیمم و وضو چیست؟ ۵. واحد روزه چیست؟ ۶. واحد شکایات چیست؟

اولین‌ها

۱. اولین کسی که «بسم الله» نوشت، چه کسی بود؟ ۲. اولین مسجدی که بعد از ظهور اسلام در نزدیکی مدینه ساخته شد چه نام دارد؟ ۳. اولین کاری که در نماز انجام می‌دهیم چیست؟ ۴. اولین از فروع دین کدام است؟ ۵. اولین رکنی که در نماز به زبان می‌آوریم چیست؟ ۶. اولین کاری که در وضو بعد از نیت انجام می‌دهیم چیست؟ ۷. اولین مقدمات نماز کدام است؟ ۸. اولین قبله مسلمانان کجاست؟ ۹. اولین کسی که نماز خواند، چه کسی بود؟ ۱۰. اولین کسی که نماز جمعه را اقامه کرد، چه کسی بود؟ ۱۱. اولین شهید محراب صدر اسلام کیست؟ ۱۲. اولین شهید محراب انقلاب اسلامی کیست؟ ۱۳. اولین کسی که روزه گرفت، چه کسی بود؟ ۱۴. اولین کسی که زکات داد، چه کسی بود؟ ۱۵. اولین مساله در رساله‌های عملیه درباره چیست؟

احکام آخرین

۱. آخرین رکن نماز چیست؟ ۲. آخرین واجب در نماز کدام است؟ ۳. آخرین مرحله امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ۴. آخرین چیزی که به روزه‌دار واجب است؟ ۵. آخرین کاری که در مراسم حج باید انجام شود چه نام دارد؟ ۶. آخرین چیزی که از نجاسات است؟ ۷. آخرین پاک‌کننده‌ها کدام است؟ ۸. آخرین شرط از شرایط وضو چیست؟ ۹. آخرین غسلی که باید اعدامی بکند، کدام است؟ ۱۰. آخرین سفارشهای قبل از مرگ را چه می‌گویند؟ ۱۱. آخرین موردی که باید تیمم نمود کدام است؟ ۱۲. آخرین نماز از نمازهای واجب کدام است؟ ۱۳. آخرین کار از مراسم عید فطر چیست؟ ۱۴. آخرین لباس انسان چه نام دارد؟

چه کلمه‌ای هشتم؟

۱. نیت، تکبیر، قیام، رکوع و سجده را... می‌گویند. ۲. خم شدن در نماز را... می‌گویند. ۳. قیام قبل از رکوع را قیام... می‌گویند. ۴. نمازها را باید به طرف... بخوانیم. ۵. مکان نماز گزار نباید... باشد. ۶. محل سجده نباید... باشد. ۷. برای شروع نماز باید ابتدا... بگوییم. ۸. خواندن حمد را... می‌گویند. ۹. قبل از نماز... می‌گوییم. ۱۰. قبل از نماز... می‌گیریم. ۱۱. کارهای نماز را باید... انجام بدهیم. ۱۲. لباس نماز گزار مرد باید از جنس... نباشد. ۱۳. بهتر است نماز را با حالت... بخوانیم. ۱۴. برای شروع نماز، اول... می‌کنیم. ۱۵. خوردن و آشامیدن، نماز را... می‌کند. ۱۶. نمازی که حمد و سوره‌اش را نمی‌خوانیم... می‌گویند. ۱۷. در حال نماز باید بدن... داشته باشد. ۱۸. می‌توانیم در رکعت سوم و چهارم به جای تسیحات اربعه... بخوانیم. ۱۹. گفتن عمدی کلمه اضافی در نماز، آن را... می‌کند. ۲۰. حمد و سوره را باید در نماز ظهر و عصر... بخوانیم. ۲۱. نماز... را باید آهسته و بدون سوره بخوانیم. ۲۲. کنار گذاشتن ۱۰٪ از غلات برای مستمندان را... می‌گویند. ۲۳. خونی که از لای دندان می‌آید... است. ۲۴. رنگ خون و نجاسات دیگر بعد از شسته شدن... است. ۲۵. خونی که، در زیر ناخن کوبیده شده، اگر به آن... نگویند، پاک است. ۲۶. تسیحات اربعه باید... خوانده شود. ۲۷. در حال گفتن تکبیره الاحرام... است که دستها را تا برابر گوشها بالا ببرند. (مساله ۹۵۵). ۲۸. در حال تکبیر باید بدن... باشد. ۲۹. تکبیره الاحرام جزو... نماز است. ۳۰. امام جماعت باید... از ماموم باشد. ۳۱. فاصله صفهای جماعت نباید بیش از... باشد. ۳۲. میان امام و ماموم نباید... باشد. ۳۳. مکان امام جماعت نباید از ماموم... باشد. ۳۴. در مواقع اضطراری به جای غسل و وضو می‌توان... نمود. ۳۵. به هنگام خسوف و کسوف نماز... باید خواند. ۳۶. مس اسامی پیامبر و امامان معصوم -صلوات الله علیهم بدون وضو در صورتی که بی‌احترامی هم نباشد... است. ۳۷. جای مسح باید... باشد. ۳۸. تنها نماز مستحبی که می‌توان آن را در هر زمان با جماعت خواند نماز... است. ۳۹. نمازهای واجب را... می‌گویند. ۴۰. نمازهای مستحبی را که در شبانه روز انجام می‌شود... می‌گویند. ۴۱. با یک دست... هر دو پا را مسح نمود. ۴۲. آبی که برای پاک کردن چیز نجس استعمال می‌شود و

از متنجس جدا می‌شود... می‌گویند. ۴۳. روزه روز مبعث جزو روزه‌های... است. ۴۴. روزی که انسان شک دارد که اول رمضان است یا آخر شعبان... روزه بگیرد؟ ۴۵. بو کردن گیاهان معطر بر روزه‌دار... است. ۴۶. کسی که نمی‌داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و بعد از افطار بفهمد، روزه‌اش... است. ۴۷. اگر زکات فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد، فطره بر خود انسان واجب...؟ ۴۸. مسافرت عمدی در ماه رمضان برای فرار از روزه... است؟

من چیستم؟

۱. از من نمی‌توانید برای وضو و غسل حتی برای خوردن و آشامیدن استفاده کنید، با این که مباح هستم، بگویید که من چیستم؟ ۲. اولین قبله گاه مسلمین هستم که حضرت داوود بنیان گذارم بود و همیشه مورد توجه پیروان تمامی ادیان بوده‌ام و امروز در بند دشمنان هستم و حضرت امام خمینی (ره) جمعه آخر ماه رمضان را به نام من قرار داده و برای رهایی من از همه مسلمانان جهان کمک خواسته است، من چیستم؟ ۳. اولین خانه‌ای هستم که در زمین ساخته شده و حضرت ابراهیم -علیه‌السلام آن را تعمیر کرد و مرکز وحدت امت اسلامی و قبله گاه مسلمانان جهان هستم، من چیستم؟ ۴. من چیستم که اگر بخوری روزهات باطل نمی‌شود؟ ۵. آن را بدون نوبت می‌گیرند پس، بگویید که چیستم؟ ۶. همه با نام من آشنا هستید، در اسلام اهمیت زیادی دارم، همیشه رو به قبله قرار دارم، مرا در مساجد و نمازخانه‌های عمومی می‌یابید، خون علی -علیه‌السلام بر روی من ریخته شد، من چیستم؟ ۷. اولین واجب از عبادات هستم. تمام کارهایی که انجام می‌شود با من نقش پیدا می‌کند اگر خوب باشد خوب و اگر بد باشد، بد خواهد بود، من چیستم؟ ۸. من اعتراف همیشگی به توحید و رسالت پیامبر اسلام هستم و در نمازهای یومیه حضور دارم و نخستین شرط مسلمانی هستم، مرا در هر نماز دو رکعتی هم می‌توانید بیابید، من چیستم؟

در کجاست؟

۱. قبله گاه مسلمین در کجاست؟ ۲. اولین قبله مسلمین در کجاست؟ ۳. محل ضربت خوردن امام علی علیه السلام در کجاست؟ ۴. مسجدی که پیامبر آن را خراب کرد، در کجاست؟ ۵. مسجدی که هندوهای افراطی با همکاری استکبار جهانی آن را تخریب کردند، در کجاست؟ ۶. اولین مسجدی که پیامبر آن را ساخت در کجاست؟ ۷. مسجدی که امام زین العابدین -علیه‌السلام در آن سخنرانی کرد و یزیدیان را رسوا ساخت در کجاست؟ ۸. مسجدی که امام خمینی -رحمه‌الله علیه در پانزده خرداد سال ۴۲ در آن سخنرانی کردند در کجاست؟ ۹. مسجد الحرام در کجاست؟

چه شماره‌ای هستم

اشاره

۱. نماز آیات چند رکعت است؟ ۲. نمازهای یومیه چند رکعت است؟ ۳. غسلهای واجب چند تاست؟ ۴. نمازهای واجب چند تاست؟ ۵. مطهرات چند تاست؟ ۶. شرایط وضو چند چیز است؟ ۷. راههای ثابت شدن نجاست چند چیز است؟ ۸. اقسام وضو چند تاست؟ ۹. مبطلات وضو چند چیز است؟ ۱۰. شرایط لباس نمازگزار چند چیز است؟ ۱۱. شکایات نماز چند تاست؟ ۱۲. شرایط نماز مسافر چند تاست؟ ۱۳. کفاره کسی که روزه‌اش را بدون عذر خورده، چند روز روزه است؟ ۱۴. کفاره کسی که سوگند دروغ به خداوند یاد کرده چیست؟ ۱۵. مقارنات نماز چند تاست؟ ۱۶. ارکان نماز چند تاست؟ ۱۷. شرایط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر چند تاست؟

کارهایی که اصلش مستحب است و فرع آن واجب

۱. قرض دادن مستحب است، ولی ادای آن واجب است. ۲. سلام دادن مستحب، ولی جواب آن واجب است. ۳. نوافل (نمازهای مستحبی) در اصل، مستحبند، ولی برای خواندن آنها باید وضو گرفت و این وضو گرفتن واجب است. (البته شرط صحت نماز است). ۴. اعتکاف در ابتدا مستحب ولی روز سوم آن واجب است. ۵. نماز جماعت مستحب است، ولی متابعت در کارهای آن واجب می‌باشد. ۶. قراءت در نوافل، همچون فرایض واجب است.

کارهایی که اصل آن مستحب و فرعی حرام است

۱. اعتکاف در ماه رجب مستحب است، ولی خارج شدن از محل اعتکاف، بدون عذر، حرام است. ۲. قبول امانت مستحب، ولی خیانت در امانت حرام است. ۳. روزه مستحبی مستحب است، ولی افطار کردن آن بعد از زوال ظهر حرام می‌باشد. ۴. رفتن به مساجد و زیارت قبور ائمه -علیهم‌السلام مستحب است، ولی بر ناپاکان حرام است. احکام شماره‌ای ۹ - ۴ - ۶۰۰۰ - ۳۴ - ۱۵۰ - ۱۱ - ۱۰۰ - ۶۰۰ - ۱۰۰۰ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۰ - ۷ - ۶ - ۳ - ۳۳ - ۱۷ - ۲ - ۵۱ زنده هستی، نمردی، اگر من را شمردی در جای خالی یکی از اعداد مناسب فوق را بگذارید! ۱-... رکعت، تعداد رکعت‌های نماز عشا. ۲-... رکعت، تعداد رکعت‌های نماز مغرب. ۳-... رکعت، تعداد رکعت‌های نماز صبح. ۴-... رکعت، تعداد رکعت‌های نماز شب. ۵-... رکعت، تعداد رکعت‌های نمازهای یومیه. ۶-... رکعت، مجموع رکعت‌های نمازهای واجب و مستحب در یک شبانه روز. ۷- دختران در... سالگی، بالغ می‌شوند. ۸- پسران در... سالگی، بالغ می‌شوند. ۹- در تسیحات حضرت زهرا -سلام الله علیها تعداد «الله اکبر»... مرتبه است. ۱۰- در تسیحات حضرت زهرا (س) تعداد «سبحان الله»... مرتبه است. ۱۱- شیطان... سال، خدا عبادت کرد. ۱۲- مقدمات نماز... تاست. ۱۳- واجبات نماز... تاست. ۱۴- تعداد سجده‌ها در نمازهای یومیه... تاست. ۱۵- هر شب علی -علیه‌السلام... رکعت نماز می‌خواند. ۱۶-... مورد از اعضای بدن در موقع سجده به زمین می‌خورد. ۱۷- تعداد تسیحات حضرت (س)... تاست. ۱۸- اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند ثوابش... نماز است. ۱۹- اگر دو نفر به امام جماعت اقتدا کنند هر رکعتی ثواب... نماز دارد. ۲۰- نمازهای واجب... تاست. ۲۱- فروع دین چند تا هستند. ۲۲- نجاسات چند تاست؟ ۲۳- مبطلات وضو چند تاست؟ ۲۴- پاک کننده‌ها چند تاست؟ ۲۵- موارد تیمم چند تاست؟ ۲۶- چند سوره قرآن دارای آیه سجده واجب می‌باشند؟ ۲۷- مقدمات نماز چند تاست؟ ۲۸- مقارنات نماز چند چیز است؟

جواب من مثبت است یا منفی

۱. آیا تیمم به دیوار خاکی جایز است؟ ۲. آیا طلا برای پسران در غیر نماز اشکال دارد؟ ۳. آیا جواب سلام در نماز واجب است؟ ۴. آیا بدون عذر می‌توان نماز را تا آخر وقت به تاخیر انداخت؟ ۵. آیا می‌توان در ذکرهای نماز بر پیش‌نماز سبقت گرفت؟ ۶. آیا می‌توان به اسمهایی که همنام خدا و پیامبران است، بدون وضو دست زد؟ ۷. آیا زن برادر می‌تواند جلو برادر شوهرش بدون پوشش بیاید؟ ۸. آیا دخترخاله به پسر خاله نامحرم است؟

کدام بهتر است؟

در این قسمت جلو هر یک از عبارات زیر که بهتر است علامت بگذارید! ۱. قرض دادن / صدقه دادن ۲. نماز خواندن / نماز را بر پا کردن ۳. نماز با کسالت / نماز با نشاط ۴. علم با عمل / علم بدون عمل ۵. زیبایی مسجد / معنویت مسجد ۶. خدمت به مردم /

بندگی خدا ۷. خشنودی خلق / خشنودی خداوند ۸. دیگری وصی انسان باشد / خود انسان، وصی خود باشد ۹. سلام دادن / جواب سلام ۱۰. از نعمتها استفاده کنیم تا عبادت نماییم / زنده بمانیم تا بخوریم و بیاشامیم ۱۱. کناره گیری از مردم و عبادت / در میان مردم و عبادت ۱۲. ما برای تفریح / تفریح برای ما ۱۳. ما برای دنیا / دنیا برای ما ۱۴. خوب بودن در میان خوبان / خوب بودن در میان بدان

به نماز خود نمره دهید!

۱. آیا احکام نماز را می‌دانید؟ ۲. آیا اول وقت نماز می‌خوانید؟ ۳. آیا نمازتان را به جماعت برگزار می‌کنید؟ ۴. آیا ترجمه و معنای نماز را می‌دانید؟ ۵. آیا نمازتان را با توجه می‌خوانید؟ ۶. آیا دیگران را به نماز دعوت می‌نمایید؟ ۷. آیا نماز را با اذان و اقامه شروع می‌کنید؟ ۸. آیا بعد از نماز دعا هم می‌خوانید؟ ۹. آیا نماز در زندگی شما نقشی دارد؟ ۱۰. آیا بعد از نماز، دیگران را نیز دعا می‌کنید؟ ۱۱. آیا نماز را آرام می‌خوانید؟ ۱۲. آیا قراءت نماز شما صحیح است؟

به من بگو کدام است

۱. کدام آب است که اگر بجوشد، حرام می‌شود؟ ۲. کدام ادرار و مدفوعی پاک است؟ ۳. کدام انسانی است که نجس می‌باشد؟ ۴. کدام قسمت از بدن حیوان مرده پاک است؟ ۵. کدام خونی پاک است؟ ۶. کدام حیوان حلال گوشت حرام است؟ ۷. کدام سنگ و خوکی پاک است؟ ۸. کدام آب را کدی است که با ملاقات نجس نجس نمی‌شود؟ ۹. کدام نجس به وسیله خورشید پاک می‌شود؟ ۱۰. کدام نماز واجب را نمی‌توان به جماعت خواند؟ ۱۱. کدام سوره را نباید در نماز بخوانیم؟ ۱۲. کدام شخصی است که نه تقلید می‌کند و نه مجتهد است؟ ۱۳. کدام نماز مستحبی را می‌توان به جماعت خواند؟ ۱۴. کدام جزء نماز را از روی فراموشی یا اشتباه به جا نیاوریم، نماز باطل می‌شود؟ ۱۵. کدام شکی نماز را باطل می‌کند؟ ۱۶. کدام غسلی را می‌توان در استخر نیز انجام داد؟ ۱۷. کدام نمازی است که بعد از عشا خوانده می‌شود؟ ۱۸. کدام نمازی است که برای هر مسجدی می‌توان خواند؟ ۱۹. کدام مستحبی است که در بعضی از ماهها واجب و در دو عید بزرگ اسلامی حرام می‌شود؟ ۲۰. با کدام آب وضو گرفتن باطل است؟ ۲۱. کدام نماز است که فقط حمد در آن خوانده می‌شود (آن هم به صورت آهسته)؟ ۲۲. کدام غسلی است که در آن ترتیب و موالات شرط نیست؟ ۲۳. کدام واجب نماز است که جزء نماز نیست، ولی باید در نماز رعایت شود؟ ۲۴. کدام نمازی است که به تنهایی نمی‌شود خواند؟ ۲۵. کدام نجسی است که با یک بار شستن پاک می‌شود؟ ۲۶. کدام نجسی است که باید دو بار شسته شود؟ ۲۷. کدام نجسی است که باید سه بار شسته شود؟ ۲۸. کدام نجسی است که باید هفت بار شسته شود؟ ۲۹. کدام منی پاک است؟ ۳۰. کدام عرقی پاک است؟ ۳۱. کدام نماز قنوتش بعد از رکوع است؟ ۳۲. کدام نجسی به واسطه تبعیت پاک می‌شود؟ ۳۳. کدام قسمت از دعای کمیل را جنب نمی‌تواند بخواند؟ ۳۴. کدام جاهلی است که عذرش پذیرفته نیست؟ ۳۵. کدام معامله‌ای است که پول را زودتر می‌دهند؟ ۳۶. کدام مبطل روزه، نوشتنی است؟ ۳۷. کدام مبطل روزه اشاره‌ای است؟ ۳۸. کدام مبطل روزه گفتنی است؟ ۳۹. کدام مبطل روزه مربوط به نوعی ورزش است؟ ۴۰. کدام روزه‌ای است که می‌توانیم عمداً بخوریم؟ ۴۱. کدام ناپاکی است که می‌توان با آن روزه گرفت، ولی نمی‌توان با آن نماز خواند؟ ۴۲. کدام ناپاکی است که هم باید روزه بگیرد و هم نماز بخواند؟ ۴۳. کدام روزه‌داری است که اگر افطار کند روزه‌اش باطل نمی‌شود؟ ۴۴. کدام روزه‌داری است که به زیر آب می‌رود و کفاره بر او واجب نیست؟ ۴۵. کدام روزه‌داری است که کفاره‌اش یک مد طعام است؟ ۴۶. کدام مبطلی است که یک کفاره دارد؟ ۴۷. کدام مبطلی است که کفاره جمع دارد؟ ۴۸. کدام شخصی است که باید سه روز روزه بگیرد؟ ۴۹. کدام خوردنی را روزه‌دار می‌تواند بخورد؟ ۵۰. بر کدام روزه‌خوار فقط قضای روزه بر او واجب است؟ ۵۱. کدام شخصی است که نباید

روزه بگیرد؟ ۵۲. کدام مسافری است که باید روزه‌اش را بگیرد؟

احکام «بگرد و پیدا کن»

برای به دست آوردن رمز دایره‌ها ابتدا کلمه‌های مورد نظر را پیدا کنید و سپس حرف اول و آخر و آخر آنها را به ترتیب کنار هم قرار دهید تا رمز جدول پیدا شود. (ن م) (ا ز) (س ت) (و ن) (د ی) (ن ا) (س ت) آیا می‌توانید وقت مخصوص هر یک از نمازهای یومیه را از رساله پیدا کنید و در زیر بنویسید: نماز صبح نماز ظهر نماز عصر نماز مغرب نماز عشا آیا می‌توانید بگویید کدام پاک کننده چه نجسی را پاک می‌کند؟ پاک‌کننده‌ها: آب - انتقال - استحاله - تبعیت - آفتاب - اسلام. نجسها: خون - سگ - کافر - ادرار - زمین نجس - بچه کافر. آیا می‌توانید مقدمات نماز را از مقارنات آن جدا کنید؟ نیت - قراءت - طهارت - رکوع - سجود - تشهد - وقت‌شناسی - سلام.

احکام رمزی

۱- در این جا کلمه رمز را در هر قسمت می‌آوریم و شما باید با توجه به هر حرف آن، کلمه‌ای از احکام مورد نظر را به دست بیاورید. ۱. ارکان نماز - «قترس». ۲. نمازهای واجب - «یا منطقی». ۳. اقسام وضو - «نجات». ۴. شرایط وضو - «آب وضو پاک باشد». ۵. مقدمات نماز - «قم پوطا»

احکام تستی

۱. اگر وقت نماز به قدری تنگ باشد که با وضو گرفتن، نماز قضا می‌شود باید: الف - تیمم نمود ب - وضو گرفت ج - بدون تیمم و وضو نماز خواند د - هیچ کدام ۲. نماز خواندن با لباس ابریشم خالص و انگشتر و گردنبند طلا برای مردان: الف - حرام است ب - مستحب است ج - مکروه است د - هیچ کدام ۳. واجبات نماز، چند تاست: الف - ۱۰ ب - ۹ ج - ۱۱ د - ۱۲ ۴. ارکان نماز، چند تاست؟ الف - ۵ ب - ۶ ج - ۷ د - ۹ ۵. تکبیره الاحرام در نماز... الف - رکن است ب - واجب است ج - مستحب است د - هیچ کدام ۶. خواندن سوره‌های سجده‌دار در نماز الف - واجب است ب - مستحب است ج - مبطل نماز است د - حرام است ۷. کسی که جهت قبله را نمی‌داند باید نماز را الف - به چهار طرف بخواند ب - به یک طرف بخواند ج - به دو طرف بخواند د - هیچ کدام ۸. آیا کسی که نماز قضا دارد می‌تواند نماز مستحبی بخواند؟ الف - خیر ب - بلی ج - اول قضا را بخواند بعد نماز مستحبی را د - هیچ کدام ۹. کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است، نماز او چه حکمی دارد؟ الف - صحیح است ب - باطل است ج - در صورت کم بود وقت مانعی ندارد د - هیچ کدام ۱۰. شکهایی که نباید به آن اعتنا نمود، چند تاست؟ الف - ۱۰ ب - ۸ ج - ۶ د - ۵ ۱۱. نماز جمعه در عصر غیبت چه حکمی دارد؟ الف - واجب عینی است ب - واجب کفایی است ج - واجب تخیری است د - مستحب است ۱۲. کدام یک از موارد زیر ارکان نماز نیست؟ الف - نیت ب - تکبیره الاحرام ج - رکوع د - قراءت ۱۳. اگر شخصی نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد؟ الف - نمازش صحیح است ب - نمازش باطل است ج - مباح است د - مکروه است ۱۴. در وضو شستن بیش از دو بار: الف - مکروه است ب - حرام است ج - مستحب د - واجب است ۱۵. شک در نمازهای چند رکعتی باطل است؟ الف - دو رکعتی ب - چهار رکعتی ج - سه رکعتی د - الف و ج صحیح است ۱۶. اگر برای مسح کردن سر و پا رطوبتی در دست نباشد، چه باید کرد؟ الف - وضو باطل است ب - احتیاطاً وضوی دیگری باید گرفت ج - باید از آب خارج استفاده کرد د - با تر کردن دست از رطوبت دیگر اعضای وضو باید مسح کرد. ۱۷. شخصی پنج دقیقه به آخر وقت نماز، با هواپیما به شهری رفت و برگشت و وقت نماز تمام شد حال نماز قضایش را چگونه باید

بخواند. الف - شکسته ب - تمام ج - هم شکسته و هم تمام د - هیچ کدام ۱۸. کسی که نیت نماز می کند، آیا می تواند در میان نماز، نیت خود را به نماز دیگر برگرداند؟ الف - نمی تواند ب - از نماز بعدی به نماز قبل می تواند ج - در هر حال می تواند د - از نماز قبل به نماز بعدی می تواند ۱۹. کسی که بعد از وقت شک کند که نمازش را خوانده یا نه، تکلیفش چیست؟ الف - نباید اعتنا کند ب - باید قضا کند ج - مستحب است که بخواند د - هیچ کدام ۲۰. شخصی که نمازش قضا شده و نمی داند چند رکعتی است، وظیفه اش چیست؟ الف - باید دو رکعت بخواند ب - سه رکعت بخواند ج - چهار رکعت بخواند د - هر سه مورد را به جا بیاورد ۲۱. شخصی که به سوگند خود عمل نکند، چه وظیفه ای دارد؟ الف - سه روز روزه بگیرد ب - باید ده نفر را اطعام کند ج - باید ۱۰ نفر لباس بدهد د - اگر می تواند لباس یا طعام بدهد و اگر نمی تواند، سه روز روزه بگیرد ۲۲. کسی که به اندازه چهار رکعت وقت دارد، برای خواندن نماز ظهر و عصر چه وظیفه ای دارد؟ الف - نماز عصر را بخواند و بعد نماز ظهر خود را قضا نماید. ب - نماز ظهر را بخواند و نماز عصر را قضا کند. ج - فقط واجبات نماز را بطور سریع بخواند تا بتواند هر دو نماز را به جا بیاورد. د - هیچ کدام ۲۳. اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید به جا بیاورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید: الف - قضای نماز بر او واجب نیست. ب - نمازش را دوباره بطور شکسته بخواند. ج - باید قضای نماز را بخواند. د - هیچ کدام ۲۴. اگر کسی بفهمد پشت به قبله و یا به سمت راست یا چپ، نماز به جا آورده چه حکمی دارد؟ الف - نمازش صحیح است در صورتی که جاهل بوده باشد. ب - در هر حال نمازش باطل است و باید دوباره نماز را بخواند. ج - نمازش صحیح نیست، ولی چون جاهل بوده، لازم نیست نماز را دوباره بخواند. ۲۵. کسی که هر قسمت غسل را به فاصله یک ساعت انجام دهد آیا غسل او صحیح است؟ الف - بلی ب - خیر ج - در صورت ناچاری صحیح است د - هیچ کدام ۲۶. اگر بین نماز عصر متوجه شویم که نماز ظهر خود را نخوانده ایم، تکلیف چیست؟ الف - نماز را می شکنیم و نماز ظهر را اول می خوانیم. ب - نماز را به نیت ظهر تبدیل می کنیم. ج - نمازمان درست است به شرطی که یادمان رفته باشد. د - می نشینیم و نماز را در همان رکعت تمام می کنیم. ۲۷. ارکان نماز آنهایی هستند که... الف - اگر عمدًا یا سهوا ترک شود، نماز باطل است. ب - اگر عمدًا ترک شود باطل و اگر سهوا ترک شود، نماز صحیح است. ج - اگر سهوا ترک شود، نماز اشکال ندارد و اگر عمدًا ترک شود، نماز صحیح است. د - هیچ کدام ۲۸. ارکان نماز عبارتند از: الف - تکبیر، ذکر، تشهد، قیام، رکوع و سجده ب - نیت، تکبیر، قیام، رکوع و سجود ج - نیت، تکبیر، تشهد، ترتیب، موالات و سجده د - قیام، تکبیر، رکوع، سجده و سلام ۲۹. شخصی قصد کرده است ده روز در شهری بماند و یک نماز چهار رکعتی خوانده و بعد از ماندن یک روز از قصد خود منصرف شده است، وظیفه او در برابر نمازهای بعدی چیست؟ الف - تا مسافرت نرفته، نمازش کامل است. ب - نمازش شکسته می شود. ج - باید هم تمام بخواند و هم شکسته. د - هیچ کدام ۳۰. شخصی که امام جماعت را عادل می دانسته، بعد از نماز بفهمد که او عادل نبوده، آیا نمازش صحیح است یا نه؟ الف - صحیح است. ب - باطل است. ج - اگر وقت کافی باشد، لازم است نماز را اعاده کند. د - هیچ کدام ۳۱. شهید راه امر به معروف و نهی از منکر: الف - ابوذر غفاری ب - امام حسین علیه السلام ج - ناصر ابدام د - هر سه مورد ۳۲. شرایط واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر چند تا است؟ الف - دوازده شرط ب - هشت شرط ج - چهار شرط دارد ۳۳. اگر احتمال بدهد که با موعظه و نصیحت، معصیت کار، معصیت را ترک می کند: الف - همین مقدار کافی است. ب - باید امر و نهی الزامی کند. ج - تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت لازم است. د - هیچ کدام ۳۴. کدام یک جزو روزه های واجب نیست؟ الف - روزه کفاره ب - روزه قضا ج - روزه نذری د - روزه عیدین ۳۵. اگر روزه دار بداند که ماه رمضان است و عمدًا نیت روزه غیر ماه رمضان کند، روزه او چه حکمی دارد؟ الف - روزه آن روز باطل است. ب - روزه رمضان محسوب می شود. ج - روزه ای که قصد کرده صحیح است. د - هیچ کدام ۳۶. اگر بچه ای بعد از اذان بالغ شود، روزه آن روز بر او الف - واجب است. ب - واجب نیست. ج - باید نیت روزه مستحبی کند. د - با اجازه پدر و مادرش باید روزه بگیرد. ۳۷. اگر کسی عمدًا به حضرت زهرا - سلام الله علیها

نسبت دروغ دهد، روزه او چگونه است؟ الف - باطل است ب - باطل نیست ج - باطل است و کفاره دارد د - بنا بر احتیاط واجب باطل است ۳۸. اگر کسی بداند که روزه است و عمدًا برای غسل، سر در آب فرو برد، اگر روزه واجب معین باشد: الف - روزه و غسلش صحیح است. ب - روزه او صحیح است، اما دوباره باید غسل کند. ج - بنا بر احتیاط واجب، باید دوباره غسل کند و روزه را هم قضا نماید. د - بنا بر احتیاط واجب روزه را دوباره بگیرد، اما غسلش صحیح است. ۳۹. اگر کسی آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید: الف - می تواند آن را فرو برد و روزه اش صحیح است. ب - باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو برد، روزه اش صحیح است. ج - اگر با اختیار آن را فرو برد، روزه اش باطل است، ولی کفاره و قضا واجب نیست. د - اگر در هر صورت فرو ببرد، کفاره و قضا بر او واجب است. ۴۰. اگر کسی عمدًا تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم ننماید: الف - روزه او باطل نیست. ب - اگر بعد از اذان غسل کند، روزه او باطل نیست. ج - در هر صورت روزه اش باطل است. د - قضا و کفاره بر او واجب می شود. ۴۱. اگر روزه دار در روز محتلم شود: الف - واجب است، فوراً غسل کند. ب - واجب نیست، فوراً غسل کند. ج - واجب است، فوراً هم غسل و هم تیمم نماید. د - باید غسل کند، روزه اش نیز باطل است. ۴۲. کدام یک از مبطلات روزه، کفاره جمع دارد؟ الف - عمدًا اماله کردن ب - برای غسل عمدًا سر را زیر آب کردن ج - عمدًا استفراغ کردن د - دروغ بستن به خدا و پیامبر (ص) ۴۳. قضای نماز و روزه مادر بر پسر بزرگتر: الف - واجب است. ب - مستحب است. ج - واجب نیست. د - ب و ج صحیح است. ۴۴. کسی که مرتکب قتل عمد شده و در روزه ماه رمضان با حرام افطار کرده است باید: الف - کفاره واحد بدهد ب - کفاره جمع بدهد ج - فقط قضای روزه را به جا آورد د - دوباره روزه بگیرد ۴۵. کسی که در مسافرت نمازش شکسته است، آیا می تواند نماز قضای تمام بخواند و روزه قضا بگیرد؟ الف - در هیچ یک از دو صورت نمی تواند. ب - در هر دو مورد می تواند. ج - می تواند نماز قضا را بخواند، اما نمی تواند روزه قضا بگیرد. د - می تواند روزه قضا بگیرد، اما نمی تواند نماز قضا بخواند. ۴۶. مقدار «مد» برابر است با: الف - نیم کیلو ب - یک کیلو ج - ۵/۷ سیر د - یک چارک ۴۷. مسافرت برای فرار از روزه اگر عمدی باشد: الف - اشکال ندارد. ب - کفاره جمع دارد. ج - فعل حرام انجام داده. د - سفرش سفر معصیت است. ۴۸. زکات فطره بهتر است، در چه زمانی پرداخت شود؟ الف - بعد از افطار ب - قبل از افطار ج - بعد از نماز عید د - قبل از نماز عید ۴۹. اگر شخصی بدون خوردن سحری روزه برایش ضرر داشته باشد و سحر بیدار نشود: الف - می تواند روزه را افطار کند. ب - واجب است روزه را در هر شرایطی بگیرد. ج - باید روزه را افطار کند و قضایش را بعداً بگیرد. د - باید روزه را بگیرد، اگر حرجی شد افطار کند. ۵۰. کافری که تازه مسلمان شده حکم روزه هایش چیست؟ الف - باید قضایش را به جا آورد. ب - قضا و کفاره واجب نیست. ج - فقط کفاره واجب است. د - هم قضا و هم کفاره واجب است. ۵۱. میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه به منزل او بیاید، اگر نان خور صاحبخانه محسوب شود، فطره روزه اش را: الف - واجب است صاحبخانه بپردازد. ب - خودش باید بپردازد. ج - مستحب است صاحبخانه بدهد. د - دادن فطره بر هر دو واجب است.

نامش چیست؟

۱. نام روزه ای است که حتماً باید بگیریم؟ ۲. روزه ای که نباید بگیریم؟ ۳. نام روزه ای که به عنوان جریمه باید گرفت؟ ۴. روزه ای که برای مرده می گیرند؟ ۵. نام روزه ای که در برابر نوعی قرار داد با خدا می گیرند؟ ۶. نام روزه ای که فقط بر پسر بزرگتر واجب است؟ ۷. نام روزه ای که دو روز پشت سر هم بدون افطار انجام می شود؟ ۸. روزه ای که باید در مکان خاصی گرفت؟ ۹. نام روزه ای که مکروه است؟ ۱۰. آن مقدار طعامی که شخص مریض به جای روزه می دهد چیست؟ ۱۱. نام زکاتی که در آخر ماه رمضان به فقرا می دهند کدام است؟ ۱۲. نام مقدار طعامی که به عنوان زکات فطرت می دهند چیست؟

احکام سه بعدی تقلید

۱. الف: چه کسی باید تقلید کند؟ ب: چه کسی نباید تقلید کند؟ ج: چه کسی می تواند تقلید کند؟ ۲. الف: در چه صورت می توان از مجتهد دیگری تقلید نمود؟ ب: در کدام صورت باید از مجتهد دیگری تقلید کرد؟ ج: در چه صورت تقلید از مجتهد دیگر حرام است؟ ۳. الف: در چه صورتی مقلد نمی تواند به فتوای مجتهد دیگر عمل کند؟ ب: در کجا مقلد می تواند به بعضی از نظریات مجتهد دیگر عمل کند؟ ج: در چه صورتی مقلد فقط می تواند به همه فتاوی مجتهد دیگر عمل کند؟ ۴. الف: در چه صورتی رجوع از مرجعی به مرجع دیگر واجب است؟ ب: در چه صورتی رجوع از مرجعی به مرجع دیگر جایز است؟ ج: در چه صورتی رجوع از مرجعی به مرجع دیگر جایز نیست؟ احکام سه بعدی نجاسات و پاک کننده ها ۵. الف: کدام خون پاک است؟ ب: چه خونی، نجس است؟ ج: کدام خون، حلال است؟ ۶. الف: کدام حیوان است که هم حرام و هم نجس می باشد؟ ب: کدام حیوانی هم حلال و هم پاک است؟ ج: کدام حیوانی حرام است، ولی پاک می باشد؟ ۷. الف: کدام کافری پاک است؟ ب: کدام کافری نجس است؟ ج: کدام کافری مقدس است؟ ۸. الف: میتی که پاک ولی حرام است؟ ب: میتی که نجس و حرام است؟ ج: میتی که نجس است و دست زدن به آن غسل دارد؟ ۹. الف: کدام نجسی است که برای پاک شدن آن فقط باید از آب استفاده کرد؟ ب: کدام نجس است که باید برای پاک شدن آن از آب و خاک استفاده کرد؟ ج: کدام نجس است که پاک شدن آن نه آب می خواهد و نه خاک، بلکه زوال نجاست، برای پاک شدن کافی است؟ ۱۰. الف: کدام نجس با گفتن پاک می شود؟ ب: کدام نجس با غایب شدن پاک می شود؟ ج: کدام نجس با مدتی خوردن از چیزهای پاک، پاک می شود؟ ۱۱. الف: کدام پاک کننده ای است که سگ و خوک را پاک می کند؟ ب: کدام پاک کننده ای است که کافر را پاک می کند؟ ج: کدام پاک کننده ای است که زمین نجس را پاک می کند؟ ۱۲. الف: کدام آب کر نجس نمی شود؟ ب: کدام آب کر نجس می شود؟ ج: کدام آب کر نجس می کند؟ ۱۳. الف: کدام نجس به وسیله راه رفتن پاک می شود؟ ب: کدام نجس به وسیله زبان پاک می شود؟ ج: کدام نجس است که به وسیله انتقال پاک می شود؟ ۱۴. الف: کدام نجس به وسیله انقلاب پاک می شود؟ ب: کدام نجس به وسیله آب پاک می شود؟ ج: کدام نجسی است که به وسیله آفتاب پاک می شود؟ ۱۵. الف: با کدام آب اگر سه بار ظرف نجس را بشوییم پاک می شود؟ ب: با کدام آب اگر یک بار هم ظرف نجس را بشوییم پاک می شود؟ ج: با کدام آب اگر ده بار ظرف نجس را بشوییم پاک نمی شود؟ ۱۶. الف: کدام عرقی نجس است؟ ب: کدام عرقی پاک است؟ ج: کدام عرقی حرام است؟ ۱۷. الف: کدام نجسی است که به وسیله خاک و آب پاک می شود؟ ب: کدام نجسی بدون آب پاک می شود؟ ج: کدام نجسی است که فقط با آب پاک می شود؟ ۱۸. الف: کدام نجسی است که باید سه بار با آب قلیل شسته شود؟ ب: کدام نجسی است که باید سه بار با آب قلیل همراه با فشار دادن آن، شسته شود. ج: کدام نجسی با یک بار شستن پاک می شود؟ ۱۹. الف: کدام نجس یک بار شسته شود کافی است؟ ب: کدام نجس دوبار شسته شود کافی است؟ ج: کدام نجس است که با هفت بار شستن پاک می شود؟ ۲۰. الف: در چه صورت ملاقات نجس، چیز پاک را نجس نمی کند؟ ب: در چه صورت ملاقات نجس، همه آن چیز پاک را نجس می کند؟ ج: در چه صورت ملاقات نجس فقط همان قسمت را نجس می کند؟ ۲۱. الف: کدام مردار تمام بدنش پاک است؟ ب: کدام مردار تمام بدنش نجس است؟ ج: کدام مردار قسمتهایی از آن پاک است؟

کام سه بعدی وضو

۲۲. الف: کدام کار وضو را باید از بالا به پایین انجام داد؟ ب: کدام کار وضو را باید از پایین به بالا انجام دهیم؟ ج: کدام کار وضو را هم از بالا به پایین و هم از پایین به بالا می توان انجام داد؟ ۲۳. الف: کدام وضویی واجب است؟ ب: کدام وضویی است که

بدون آن، کار ما صحیح نیست؟ ج: کدام وضوی شرط کمال است و با آن، کار ما بهتر می‌شود؟ ۲۴. الف: کدام وضوی هم واجب است و هم صحیح؟ ب: کدام وضوی هم مستحب است و هم صحیح؟ ج: کدام وضوی هم حرام است و هم باطل؟ ۲۵. الف: کدام وضوی است که قسمتی از اعضای وضو شسته نمی‌شود؟ ب: کدام وضوی است که صورت و دستها را به گونه مخصوصی در میان آب قرار می‌دهیم؟ ج: کدام وضوی است که کارهای آن یکی پس از دیگری انجام می‌شود؟ ۲۶. الف: آن چیست که قبل از نماز می‌گیریم؟ ب: آن چیست که در بین نماز می‌گیریم؟ ج: آن چیست که در ماه رمضان می‌گیریم؟ ۲۷. الف: چه کسی باید وضو بگیرد؟ ب: چه کسی نباید وضو بگیرد؟ ج: بر چه کسی مستحب است که وضو بگیرد؟ ۲۸. الف: کسی که قبل از نماز شك کند که آیا وضو گرفته یا نه، حکمش چیست؟ ب: کسی که در میان نماز شك کند که آیا وضو گرفته یا نه، چه حکمی دارد؟ ج: کسی که بعد از نماز شك کند که آیا وضو گرفته یا نه، حکمش چیست؟ ۲۹. جمله‌ها را کامل کنید الف: آب وضو باید... ب: آب وضو باید... ج: آب وضو باید... ۳۰. الف: در کدام مکان نمی‌توان وضو گرفت؟ ب: در کدام مکان می‌توان وضو گرفت؟ ج: در چه مکانی فقط افراد خاصی می‌توانند، وضو بگیرند؟ ۳۱. الف: در کجا باید وضو گرفت؟ ب: در کجا باید تیمم نمود؟ ج: در کجا باید هر دو را انجام داد؟ احکام سه بعدی «تیمم» ۳۲. الف: بر چه کسی یک تیمم واجب است؟ ب: بر چه کسی دو تیمم واجب است؟ ج: بر چه کسی سه یا بیشتر، تیمم واجب است؟ ۳۳. الف: در چه صورت فقط تیمم واجب می‌شود؟ ب: در چه صورت هم تیمم و هم وضو واجب می‌شود؟ ج: در چه صورت نه تیمم واجب می‌شود و نه وضو؟

احکام سه بعدی «غسلها»

۳۴. الف: چه شخصی را باید فقط غسل ترتیبی دهند؟ ب: چه شخصی غسل ارتماسی می‌تواند بکند؟ ج: چه شخصی هر دو را می‌تواند انجام دهد؟ کسی که دست به مرده یا عضو جدا شده از زنده می‌زند: ۳۵. الف: در چه صورتی غسل بر او واجب نمی‌شود؟ ب: در چه صورت هم غسل میت بر او واجب می‌شود و هم شستن دست؟ ج: در چه صورت فقط شستن دست کافی است؟ ۳۶. الف: کدام غسلی است که با آن می‌توان نماز خواند؟ ب: کدام غسلی است که با آن نمی‌توان نماز خواند؟ ج: کدام غسلی است که با آن روزه صحیح است، ولی نماز صحیح نیست؟ ۳۷. الف: کدام شخصی است که در «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» نمی‌تواند وارد بشود؟ ب: چه شخصی است که در مساجد دیگر نمی‌تواند توقف بکند؟ ج: کدام شخصی است که نمی‌تواند در مساجد توقف کند، ولی در زیارتگاههای غیر معصومین می‌تواند؟ ۳۸. الف: فرد جنب در کدام مکانهای مقدسی نمی‌تواند وارد بشود؟ ب: فرد جنب در چه مکانهای مقدسی نمی‌تواند توقف بکند؟ ج: فرد جنب در کدام مکانهای مقدسی می‌تواند توقف بکند؟ ۳۹. الف: در کدام یک از وضو و غسل هم موالات و هم ترتیب شرط است؟ ب: در کدام یک از وضو و غسل، فقط ترتیب شرط است؟ ج: در کدام نوع از غسل ترتیب هم شرط نیست؟ ۴۰. الف: در چه صورت کسی که دست به عضو جدا شده کسی می‌زند هم غسل دارد و هم باید دستش را بشوید؟ ب: در چه صورتی نباید دستش را بشوید و غسل نیز لازم نیست؟ ج: در چه صورت فقط غسل دارد؟

احکام سه بعدی نماز

۴۱. الف: کدام نمازی است که در خارج از وقت، قضاست؟ ب: کدام نمازی است که در خارج از وقت، اداست؟ ج: کدام نمازی است که در خارج وقت، نه اداست و نه قضا؟ ۴۲. الف: کدام نمازی است که دو خطبه قبل از نماز دارد؟ ب: کدام نمازی است که دو خطبه بعد از نماز دارد؟ ج: کدام نمازی است که خطبه ندارد؟ ۴۳. الف: کدام سوره‌هایی را در نماز نمی‌توان خواند؟ ب: کدام سوره‌هایی است که در نماز می‌توان خواند؟ ج: کدام سوره‌هایی است که در نماز به تنهایی کافی نیست؟ ۴۴. الف: در کدام مکان،

نماز تمام است؟ ب: در کدام مکان، نماز شکسته است؟ ج: در کدام مکان هر دو ممکن است؟ ۴۵. الف: کدام نماز است که یک تکبیر دارد؟ ب: کدام نماز است که دارای پنج تکبیر است؟ ج: کدام نماز دوازده تکبیر دارد؟ ۴۶. الف: کدام نماز بر همه واجب است؟ ب: کدام نماز است که فقط بر پسر بزرگتر واجب است؟ ج: چه نماز است که بر پیامبر واجب است؟ ۴۷. الف: کدام نماز است که باید سوره آن خوانده شود؟ ب: کدام نماز است که نباید سوره آن خوانده شود؟ ج: کدام نماز است که می‌توانیم سوره آن را نخوانیم؟ ۴۸. الف: کدام شکی است که نماز را باطل می‌کند؟ ب: به کدام شکی نباید اعتنا کرد؟ ج: کدام شکی است که راه حل دارد؟ ۴۹. الف: شکهای صحیح چند تاست؟ ب: شکهای باطل چند تاست؟ ج: شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد، چند تاست؟ ۵۰. الف: کدام نماز است که یک رکوع دارد؟ ب: کدام نماز است که دو رکوع دارد؟ ج: کدام نماز سه رکوع دارد؟ ۵۱. الف: کدام نماز است که دارای یک قنوت می‌باشد؟ ب: کدام نماز دو قنوت دارد؟ ج: کدام نماز نه قنوت دارد؟ ۵۲. الف: کدام نماز است که دارای دو سجده است؟ ب: کدام نماز است که هشت سجده دارد؟ ج: کدام نماز سجده ندارد؟ ۵۳. الف: نمازی که در یک رکعت، یک سلام دارد؟ ب: نمازی که در دو رکعت، یک سلام دارد؟ ج: نمازی که در دوازده رکعت، یک سلام دارد؟ ۵۴. الف: کدام نماز است که باید ایستاده خواند؟ ب: کدام نماز است که نشسته خوانده می‌شود؟ ج: کدام نماز است که می‌توان آن را نشسته خواند؟ ۵۵. الف: کدام نماز است که یک تشهد دارد؟ ب: کدام نماز است که دو تشهد دارد؟ ج: کدام نماز است که تشهد ندارد؟ ۵۶. الف: بر چه چیزهایی سجده صحیح است؟ ب: چه چیزهایی است که سجده بر آنها صحیح نیست؟ ج: چه چیزهایی هستند که در حال ناچاری در سجده می‌توان از آنها استفاده کرد؟ ۵۷. الف: با کدام لباس می‌توان نماز خواند؟ ب: با کدام لباس نمی‌توان نماز خواند؟ ج: با کدام لباس نجس می‌توان نماز خواند؟ ۵۸. الف: کدام تکبیر در نماز واجب است؟ ب: کدام تکبیر در نماز مستحب است؟ ۵۹. الف: نماز چه کسی صددرصد تخفیف دارد؟ ب: نماز چه کسی پنجاه درصد تخفیف دارد؟ ج: نماز چه کسی پنجاه درصد اضافه دارد؟ ۶۰. الف: با چه کسی اگر سفر کنیم، نماز شکسته است؟ ب: با چه کسی اگر سفر کنیم، نماز تمام است؟ ج: با چه کسی اگر سفر کنیم، باید هم نماز را شکسته بخوانیم و هم تمام؟ ۶۱. الف: چه شخصی نمی‌تواند نمازش را بشکند؟ ب: چه شخصی باید نمازش را بشکند؟ ج: چه شخصی می‌تواند نمازش را بشکند؟ ۶۲. الف: چه کسی نباید به شک خود اعتنا کند؟ ب: چه کسی شکش باطل است؟ ج: چه کسی شکش صحیح است؟ ۶۳. الف: کدام نماز است که باید آن را آهسته خواند؟ ب: کدام نماز است که باید بلند خوانده شود؟ ج: کدام نماز را هم می‌شود بلند خواند و هم آهسته؟ ۶۴. الف: کدام ذکری است که باید در حین گفتن آن، بدن آرام باشد؟ ب: کدام ذکری است که نباید در حین گفتن آن، بدن آرام باشد؟ ج: کدام ذکری است که در حین گفتن آن، بدن می‌تواند آرام نباشد؟ احکام سه بعدی نماز جماعت ۶۵. الف: کدام نماز است که باید به جماعت خوانده شود؟ ب: کدام نماز است که می‌توان آن را به جماعت خواند؟ ج: کدام نماز است که نمی‌توان آن را به جماعت خواند؟ ۶۶. الف: در چه صورت ماموم در نماز باید حمد و سوره را بخواند؟ ب: در چه صورت ماموم در نماز می‌تواند حمد و سوره را بخواند؟ ج: در چه صورت ماموم در نماز می‌تواند حمد و سوره را بخواند؟ ۶۷. الف: کدام امام جماعتی است که می‌توان به او اقتدا کرد؟ ب: کدام امام جماعتی است که نمی‌توان به او اقتدا کرد، ولو عادل باشد؟ ج: کدام امام جماعتی است که ولو کافر باشد، نماز صحیح است؟ ۶۸. الف: نام نماز جماعتی که سالانه خوانده می‌شود چیست؟ ب: نام نماز جماعتی که هفتگی خوانده می‌شود کدام است؟ ج: نماز جماعتی که روزانه خوانده می‌شود چه نام دارد؟ ۶۹. الف: در چه صورت باید از پیشنماز متابعت نمود؟ ب: در چه صورت نباید از پیشنماز متابعت نمود؟ ج: در چه صورت می‌توان از او متابعت نمود؟ ۷۰. الف: کدام نماز جماعتی است که ثواب هر رکعت آن، برابر با ۱۵۰ نماز است؟ ب: کدام نماز جماعتی است که ثواب هر رکعت آن، برابر با ششصد نماز است؟ ج: کدام نماز جماعتی است که ثواب هر رکعت آن بی‌نهایت است؟ ۷۱. الف: ماموم چه چیزی را می‌تواند جلوتر از امام جماعت بگوید؟ ب: ماموم چه

چیزی را نمی‌تواند جلوتر از امام جماعت بگوید؟ ج: ماموم چه چیزی را اصلاً نباید بگوید؟ ۷۲. الف: در چه صورت مسافر باید نمازش را تمام بخواند؟ ب: در کجا مسافر باید نمازش را شکسته بخواند؟ ج: در چه صورت مسافر باید نمازش را جمع بخواند؟ ۷۳. الف: در چه هنگامی در هر رکعت نماز، یک سوره واجب است؟ ب: در چه صورت در هر رکعت نماز، دو سوره واجب است؟ ج: در چه صورت در هر رکعت نماز، سه سوره واجب است؟

احکام سه بعدی روزه

۷۴. الف: کدام روزه واجب است؟ ب: کدام روزه حرام است؟ ج: کدام روزه مستحب می‌باشد؟ ۷۵. الف: کدام روزه‌ای است که اگر بخوریم سه روز کفاره دارد؟ ب: کدام روزه‌ای است که اگر بخوریم به ده نفر، هر یک ده سیر باید طعام کفاره بدهیم؟ ج: کدام روزه‌ای، فقط قضا دارد؟ ۷۶. الف: کدام روزه‌ای شصت روز کفاره دارد؟ ب: کدام روزه‌ای است که اگر بخوریم ۱۸۰ روز کفاره دارد؟ ج: کدام روزه‌ای نه قضا دارد و نه کفاره؟ ۷۷. الف: کدام باطل کننده روزه مربوط به زبان است؟ ب: کدام باطل کننده روزه مربوط به دهان است؟ ج: کدام باطل کننده روزه مربوط به نوعی ورزش است؟ ۷۸. الف: کدام خوردن و آشامیدن باطل کننده روزه نیست؟ ب: کدام خوردن و آشامیدن باطل کننده روزه هست و کفاره هم دارد؟ ج: کدام خوردن و آشامیدن باطل کننده هست و فقط قضا دارد؟ ۷۹. الف: کدام روزه‌ای است که باید در جای معین و زمان مخصوص باشد؟ ب: کدام روزه‌ای است که زمان آن معین، ولی مکانش معین نیست؟ ج: کدام روزه‌ای است که نه زمانش معین است و نه مکان آن؟ ۸۰. الف: کدام روزه‌ای است که هم عدد آن مشخص است و هم زمانش؟ ب: کدام روزه‌ای است که نه عددش مشخص است و نه زمان آن؟ ج: کدام روزه‌ای است که عدد آن مشخص است، ولی زمانش مشخص نیست؟ ۸۱. الف: بر چه کسی فطریه واجب است؟ ب: بر چه کسی فطریه واجب نیست؟ ج: بر چه کسی فطریه نباید داده شود؟ ۸۲. الف: به چه کسی هم نماز واجب است و هم روزه؟ ب: به چه کسی نه نماز واجب است و نه روزه؟ ج: به چه کسی نماز واجب است، ولی روزه واجب نیست؟ ۸۳. الف: کدام شخصی است که اگر سرش را زیر آب کند، کفاره دارد؟ ب: کدام شخصی است که اگر سرش را زیر آب کند، نه کفاره دارد و نه قضا؟ ج: کدام شخصی است که اگر سرش را زیر آب کند، قضا دارد، ولی کفاره ندارد؟ ۸۴. الف: کدام جنبی است که اگر غسل نکند کفاره دارد؟ ب: کدام جنبی است که اگر غسل نکند، فقط معصیت کرده است؟

احکام سه بعدی متفرقه

۸۵. الف: کدام نذری است که باید بدان عمل کرد؟ ب: کدام نذری است که نباید به آن عمل کرد؟ ج: کدام نذری است که می‌توان به آن عمل کرد؟ ۸۶. الف: کدام زنی است که ارث او نصف مرد است؟ ب: کدام زنی است که ارثش دو برابر مرد است؟ ج: کدام زنی است که ارثش مساوی با مرد است؟ ۸۷. الف: کدام قسمی واجب است؟ ب: کدام قسمی حرام است؟ ج: کدام قسمی است که مکروه می‌باشد؟ ۸۸. الف: کدام شخصی است که بعد از مرگ به او غسل می‌دهند؟ ب: کدام شخصی است که قبل از مرگ به او دستور می‌دهند که غسل کند؟ ج: کدام شخصی است که غسل ندارد؟ ۸۹. الف: کدام شخصی است که مالش را بعد از مرگ تقسیم می‌کنند؟ ب: کدام شخص است که مال او را قبل از مرگ تقسیم می‌کنند؟ ج: کدام شخصی است که مالش تقسیم نمی‌شود؟ ۹۰. الف: کدام مال گمشده‌ای است که انسان نمی‌تواند آن را برای خود بردارد؟ ب: کدام مال گمشده‌ای است که انسان می‌تواند آن را بردارد؟ ج: کدام مال گمشده‌ای است که اگر انسان آن را بردارد، باید تا یک سال اعلان کند؟ ۹۱. الف: کدام حدی فقط به خاطر حق الناس است؟ ب: کدام حدی تنها به خاطر حق الله است؟ ج: کدام حدی است که هم به خاطر حق الله

و هم حق الناس است؟ ۹۲. الف: کدام مالی است که خمس ندارد؟ ب: کدام مالی است که خمس دارد؟ ج: کدام مالی است که هم خمس و هم زکات دارد؟ ۹۳. الف: کدام صدقه‌ای واجب است؟ ب: کدام صدقه‌ای حرام است؟ ج: کدام صدقه‌ای است که مستحب می‌باشد؟ ۹۴. الف: در چه صورتی می‌توان از غذا خورد؟ ب: در چه صورتی نباید از غذا خورد؟ ج: در چه صورت می‌توان غذا بخوریم؟ ۹۵. الف: به کدام شیطان نمی‌توانیم بدون طهارت و وضو دست بزنیم؟ ب: به کدام شیطان می‌توانیم دست بزنیم؟ ج: به کدام شیطان باید سنگ بزنیم؟ ۹۶. الف: کدام زینت واجب است؟ ب: کدام زینت حرام است؟ ج: کدام زینت جایز است؟ ۹۷. الف: در چه صورتی استفاده از عطر حرام است؟ ب: در چه صورتی استفاده از عطر مکروه است؟ ج: در چه صورتی استفاده از عطر جایز و مطلوب است؟ ۹۸. الف: کدام زنی است که چهار ماه و ده روز باید عده نگه‌دارد؟ ب: کدام زنی است که سه ماه و ده روز باید عده نگه‌دارد؟ ج: کدام زنی است که عده ندارد؟

لطیفه‌هایی از احکام

۱

میرزا ندیم، شبی به مسجد حاج میرزا هادی رفته و از شدت مستی به گوشه‌ای افتاده بود. صبح امام جماعت برای نماز به مسجد آمد، تا او را دید گفت: او را بکشید و از مسجد بیرونش کنید. او گفت: آخوند مگر من مد «والضالین» هستم که مرا بکشند. ظریفی با کفش نماز می‌خواند. دزدی که در کمین او بود و می‌خواست گیوه او را بدزد، آمد و گفت: ای مرد! با گیوه نماز گزاردن روا نباشد، اعاده کن که نماز نداری. او گفت: اگر نماز ندارم، گیوه که دارم.

۲

دزدی جامه کسی بدزدید و به بازار برد و به دست دلایل سپرد تا بفروشد. جامه را از دلایل دزدیدند و دزد دست‌خالی نزد یاران بازگشت. گفتند: جامه را به چند فروختی؟ گفت: به آنچه که خریده بودم.

۳

روزی در حضور ناصرالدین شاه از انواع عبادات گفتگو می‌شد و هرکس از محسنات عبادتی سخن می‌گفت؛ وقتی نوبت به کریم شیره‌ای رسید، او گفت: قربان! بنده روزه را بیشتر دوست دارم؟ ناصرالدین شاه پرسید، چرا؟ گفت: برای این که روزه را می‌توان خورد، ولی سایر عبادات را نمی‌شود خورد.

۴

یکی از روحانیون که امام جماعت یکی از مساجد بود منتظر فرصتی بود که بگوید: ریش تراشی حرام است، تا این که روزی در ماه رجب به دعای مخصوصی رسید که بین نماز خوانده می‌شود، در حین خواندن دعا به این جمله رسید که: «...حرم شیبیتی علی النار؛ خدایا محاسن مرا بر آتش جهنم حرام گردان». فرمود: آنان که ریش ندارند، چگونه این دعا را می‌خوانند، لابد می‌گویند: «اللهم حرم چونتی علی النار؛ خدایا چانه مرا بر آتش حرام گردان، چون من که ریش ندارم.»

۵

پیر مردی خواست، پسرش را تنبیه کند. پسرش از پیشش فرار کرد و به مسجد رفت. پیرمرد نزدیک در مسجد آمد و سرش را در درون مسجد کرد و به پسرش خطاب کرد که فلان فلان شده، بیا بیرون و بعد از هفتاد سال پای مرا به مسجد باز نکن.

۶

تاجری که برای تجارت به سفر می‌رفت و به او گفته شد که آیا سودی هم از این مسافرتها به دست می‌آوری؟ او گفت: بلی، نمازهای چهار رکعتی را نصفه می‌خوانم.

۷

به شیخی که نماز نمی‌خواند، گفته شد: چرا نماز نمی‌خوانی؟ او گفت به دلیل قرآن که می‌گویند، نزدیک نماز نشوید (لاتقربوا الصلاة...) و بقیه آیه را نمی‌خواند.

۸

به شخصی که روزه نمی‌گرفت، گفته شد که چرا روزه نمی‌گیری؟ او گفت: به دلیل خود قرآن که فرموده: اگر مسافر بودید، روزه نگیرید و من هم در دنیا مسافر هستم و نمی‌توانم برای همیشه بمانم. حاشیه نویس: البته باید بدانید که در سفر موقت نمی‌توان روزه گرفت نه دائم السفر.

۹

دهقانی نزد یکی از همسایگان خود رفت تا الاغ او را عاریه کند. او عذرخواهی کرد که امروز الاغ را به کس دیگر داده‌ام؛ در این بین صدای عرعر الاغ بلند شد. دهقان گفت: گویا الاغ شما در خانه است. همسایه گفت: شما حرف مرا قبول ندارید و حرف الاغ را قبول دارید.

۱۰ از عالمی پرسیدند که در صحرا به کدام سمت غسل باید کرد. او گفت: به سمت جامه‌های خود تا دزد نبرد!

۱۱

شخصی به باغ دیگری رفته بود و مشغول خوردن میوه بود. صاحب باغ آمد و گفت: چرا به باغ من آمده‌ای و میوه می‌خوری، این حرام است. او گفت: من به خاطر حرام بودنش نمی‌خورم، بلکه به خاطر خاصیتش می‌خورم.

۱۲

از فقیهی پرسیدند: در فصل زمستان شخصی به صحرا رفته و جنازه‌ای را دیده که در زیر برف است، چگونه او را باید غسل و کفن کند؟ آقا گفتند: آن شخصی را که به صحرا رفته و جنازه را دیده است باید تنبیه کرد که در فصل زمستان در صحرا چکار داشت که چنین تکلیف بر عهده‌اش آمده باشد.

۱۳

شخصی در گفتن تکبیر وسواس داشت و برایش دلچسب نبود و چندین بار الله اکبر می‌گفت و بعد از آخرین بار که موفق به تکبیر می‌شد و فکر می‌کرد این را دیگر درست ادا کرده است یکی از حاضران گفت: نشد. شخص بلافاصله گفت: فلان فلان شده، این بار شده بود تو نگذاشتی. حاشیه نویس: بدان که وسواسی در هر کاری بد است، مبادا به این بلا گرفتار شوی.

۱۴

زاهدی گفت: نمی‌دانم، آیا ماه رمضان امسال خشنود رفت یا نه. ظریفی گفت: اگر ناراضی برود، سال دیگر بر نمی‌گردد.

۱۵

اعرابی نماز خویش بر خود تخفیف داد، ملامتش کردند. گفت: خاموش که حریف بخشنده است. حاشیه نویس: بلی خداوند بخشنده است، اما براساس حکمت.

۱۶

مردی به ابن سیرین گفت: خواب دیدم که خاتمی بر دست دارم و با آن دهان مردان و زنان را می‌بندم. او پرسید: آیا مؤذن هستی؟ گفتم: بلی. گفت: با اذان گفتنت مردم از مبطلات روزه دست بر می‌دارند.

۱۷

خواننده‌ای که ترانه می‌خواند، ترانه‌اش تمام شد، رو به جمعیت کرد و پرسید: حالا چه بخوانم. ظریفی در مجلس بود، گفت: حالا نماز را بخوان!

۱۸

آورده‌اند که شخصی از همسایه‌اش طنابی به امانت خواست، او گفت: بر روی آن ارزن گسترده‌ام. آن مرد پرسید: چگونه بر طنابی ارزن گسترند؟ گفت: چون مقصود بهانه است، همین بس است؟

۱۹

شخصی دو رکعت نماز در نهایت تعجیل می‌خواند. امام سجاد علیه‌السلام به او نگاه می‌کردند. او بعد از نماز دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا چهار حورالعین و یک کاخ زرین در بهترین جای بهشت به من عطا فرما. امام فرمودند: مهر حقیر آورده‌ای و نکاح عظیم می‌طلبی؟

۲۰

شخصی مسجدی ساخته بود و نام خود را بر سر در آن نصب کرده بود. بهلول نام او را شبانه از سر در مسجد کند و نام خود را بر روی سر در مسجد نصب کرد. بانی مسجد وقتی نام بهلول را در روی مسجد دید، با عصبانیت سراغ بهلول رفت و او را عتاب کرد که چرا نام مرا از سر در مسجد برداشته‌ای و نام خود را بر جای آن نصب کرده‌ای؟ بهلول گفت: اگر مسجد را به خاطر خدا ساخته‌ای، چه فرق می‌کند که نام من باشد یا نام شما؟

۲۱

یک نصرانی تازه مسلمان شده بود؛ قاضی به او گفت: الان مثل کودکی هستی که تازه متولد شده باشد. شش ماه بعد اهالی محل او را نزد قاضی بردند و گفتند: این تازه مسلمان در این مدت شش ماهه ابدان نماز نخوانده. او هم گفت: جناب قاضی، مگر شش ماه قبل به من نگفتید: گویا تازه متولد شده‌ای وال آن کودک شش ماهه هستم و آیا بر طفل شش ماهه نماز واجب است؟ قاضی خندید و به او اعتراض نکرد.

۲۲

حکیمی گفت: مرگ چونان شیری است که به قصد تو آید و عمر تو فاصله مسیر آن است.

۲۳

حکیمی گفت: در خیر اسراف روا نبود، همچنان که در اسراف خیری نیست.

۲۴

از کسی پرسیدند: هرگز در کاری بر دیگران سبقت گرفته‌ای؟ گفت: بلی. او پرسید: در چه کاری؟ گفت: در بیرون آمدن از مسجد. حاشیه نویس: لابد برای ادای حق الناس و یا انجام کارهای خیر بوده است والا آدم مسجدی، مانند ماهی و آب است و هرگز از مسجد گریزان نیست.

۲۵

شخصی خانه‌ای اجاره کرده بود و چوبهای سقفش بسیار صدا می‌کرد. به صاحب خانه تذکر داد تا آن را تعمیر کند. صاحبخانه گفت: چوبهای سقف ذکر خدا را می‌گویند. او گفت: بسیار خوب، اما می‌ترسم که این ذکر منجر به سجود شود!

۲۶

نقل کرده اند که «علامه حلی» در حال طفولیت در خدمت دایی خود «محقق» درس می‌خواند و گاهی فرار می‌کرد، محقق او را تعقیب می‌کرد تا او را بگیرد، چون به نزدیک او می‌رسید، علامه آیه سجده را می‌خواند و محقق که به سجده می‌رفت، او فرار می‌کرد.

۲۷

جمعی به دعای باران بیرون رفتند و همه اطفال را همراه خود می‌بردند. ظریفی پرسید: چرا کودکان را همراه خود می‌برید؟ آنها گفتند: چون آنها بی‌گناهند، دعایشان مستجاب می‌شود. او گفت: اگر دعای ایشان مستجاب شدی، یک مکتب دار در همه عالم زنده نماندی.

۲۸

امام باقر - سلام الله علیه از پیامبر - صلوات الله علیه و آله نقل نموده که روزی پیامبر در مسجد نشسته بودند، مردی وارد شد و بی آن که رکوع و سجود خویش تمام کند، نماز گزارد. پیامبر (ص) فرمود: نماز او چون مرغی است که نوک بر زمین می‌زند و اگر با این حال از دنیا برود به دین من نمرده است.

۲۹

یکی از زنان پیامبر گفت: پیامبر (ص) گوسفندی کشتند و تمام گوشت آن را جز کتفش صدقه دادند. من به پیامبر گفتم: چیزی جز کتفش نماند. حضرت فرمودند: همه‌اش جز کتف باقی ماند.

۳۰

یک یهودی، مسلمانی را دید که در ماه رمضان گوشت بریان می‌خورد، با او به خوردن پرداخت. مسلمان گفت: ای فلان! گوشتی که مسلمان ذبح کرده باشد به یهودی حلال نیست. او گفت: من بین یهود، همچون تو هستم بین مسلمانان.

۳۱

مردی با یکی از دوستان خود مشورت کرد که فلانی از من پول قرضی می‌خواهد، آیا صلاح می‌دانی به او پول قرض بدهم؟ گفت: بلی، خیلی بجاست. آن مرد پرسید: چرا؟ گفت: چون اگر شما به او پول قرض ندهید، سراغ من می‌آید.

۳۲

مؤذنی اذان می‌گفت تا رسید به «حی علی الصلوة»، مردم با عجله به سوی مسجد شتافتند تا این که صفهای مردم آماده نماز جماعت شد. ظریفی گفت: اگر مؤذن به جای حی علی الصلوة «حی علی الزکوة» می‌گفت، مردم در فرار از مسجد سبقت می‌گرفتند. حاشیه نویس: البته برای مؤمنان واقعی دستور نماز و زکات فرقی نمی‌کند.

۳۳

صوفی به خانقاه رسید، مرکب خود را بست و رفت میان خانقاه. صوفیان مرکب او را فروختند و خرج نیازهای خانقاه نمودند؛ سپس شروع کردند، ذکرهای مخصوص را با هم بگویند. بعد مسؤول خانقاه شروع به گفتن این جمله کرد که: «خر برفت و خر برفت» و همه با هم حتی آن که صاحب آن مرکب بود این جمله را می‌گفتند. بعد از تمام شدن جلسه که همه رفتند، او نیز بیرون آمد و دید مرکبش نیست، ناراحت شد و گفت: خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد (۱) حاشیه نویس: تقلید در اسلام تقلید آگاهانه است، نه کورکورانه. تقلید در اسلام پیروی از متخصص است، آن هم راه انحصاری نیست، بلکه خود انسان می‌تواند متخصص باشد.

۳۴

اعرابی به حج رفت. در طواف دستار او را دزدیدند. گفت: خدایا یک بار که به خانه تو آمدم، فرمودی که دستارم بدزدند، اگر یک بار دیگر مرا این جا ببینی می‌فرمایی تا گردنم را بشکنند!

۳۵

می‌گویند کسی روزه نمی‌گرفت، ولی سحری می‌خورد، گفتند: تو که روزه نمی‌گیری چرا سحری می‌خوری؟ گفت: نماز که نمی‌خوانم، روزه هم که نمی‌گیرم، اگر سحری هم نخورم که دیگر کافر مطلق می‌شوم.

۳۶

جماعتی، شخصی را نزد قاضی بردند و شکایت کردند که این شخص از هر یک از ما پولی قرض نموده و شخص مقروض، خود اقرار کرد که آنان راست می‌گویند و دعوی ایشان به جاست، اما مقرر فرمایید که مهلت بدهند تا ملک و مال خود را بفروشم یا گرو بگذارم تا وجه آنان را ادا نمایم. هنوز قاضی کلامش تمام نشده بود که طلبکاران فریاد برآوردند که ای قاضی! این مرد، بی‌مال و املاک است و یک وجب ملک در هیچ جا ندارد. پس آن شخص بدهکار روی به قاضی کرد و گفت: جناب قاضی! در صورتی که طلبکاران من همه به زبان خود اقرار و اعتراف بر بی‌چیزی من می‌کنند، اینک آنچه اقتضای عدالت است به جای آور! قاضی گفت: دیگر هیچ حق سؤال و جواب با تو ندارند، المفلس فی امان الله.

۳۷

عربی صبح به مسجد در آمد که نماز گزارده و عجله داشت. پیش‌نماز هم بعد از سوره فاتحه سوره نوح را شروع کرد، چون گفت: «انا ارسلنا نوحا» یعنی: «ما فرستادیم نوح را» و ما بقی آیه از یادش رفت و سکوت او طول کشید. عرب را طاقت نماند و گفت: ایها القاری اگر نوح نمی‌رود، دیگری را بفرست و ما را رها کن.

۳۸

ژنرال مغرور در خیابان، سرباز ساده‌ای را دید که خونسرد و آرام از کنار او گذشت و سلام نظامی نداد؛ ژنرال برگشت و با عصبانیت از سرباز پرسید: به من بگو وقتی یک ژنرال و یک سرباز در خیابان یکدیگر را می‌بینند، کدام یک باید اول سلام بدهد؟ سرباز فکری کرد و گفت: هر کدام با ادب‌تر باشند.

۳۹

شخصی پس از یک ماه گرسنگی که سخت ناتوان و لاغر شده بود، برای رؤیت ماه در شب عید فطر به روی بام رفته بود، وقتی پس از زحمت زیاد رؤیت نصیص شد و هلال ماه را به شاعر نازک و نزار، چون ابروی دلدار دید، خطاب به آن چنین گفت: مگر لازم بود خود و مردم بیچاره را بدین صورت درآوری؟

۴۰

قاضی از دزدی پرسید: این همه سرقتها را تنها می‌کردی یا شریک هم داشتی؟ گفت، تنها بودم، مگر در این زمانه آدم درستکاری هم پیدا می‌شود که به شریکی انتخاب کنم. حاشیه نویس: کافر همه را به کیش خود پندارد.

۴۱

از کسی پرسیدند: چرا مؤذن هنگام اذان گفتن دست خود را بیخ گوش خود می‌گذارد؟ گفت: چون اگر دستش را جلو دهانش بگذارد صدایش بیرون نمی‌آید. آمد رمضان نه صاف داریم و نه درد وز چهره ما گرسنگی رنگ ببرد در خانه ما چو خوردنی چیزی نیست ای روزه برو ورنه تو را خواهم خورد

۴۲

شبی جمعی دور هم نشسته بودند، یکی گفت: ای دوستان، ساکت! گویا دزد آمد به خانه. آنان گفتند: از کجا فهمیدی؟ گفت: چون دزد بی سر و صدا می‌رود دزدی می‌کند و من هر چه گوش دادم صدایی نشنیدم، فهمیدم که دزد آمده است.

۴۳

زنی مشغول نماز بود که شخصی از او تعریف کرد، او میان نماز گفت: تازه روزه هم هستم. حاشیه نویس: کلام بیجا نماز را باطل می‌کند، حتی گفتن «الله اکبر» بیجا.

۴۴

شخصی به دیگری گفت: مرا بیست درهم وام و یک ماه مهلت بده. او گفت: بیست درهم را ندارم، اما به جای یک ماه یک سال مهلت می‌دهم.

۴۵

مردی به حلوا فروشی گفت: یک من حلوا به من نسیه بده. حلوا فروش گفت: اول کمی بچش و بین حلوای خوبی است یا نه. او گفت: من الآن قضای روزه رمضان سال پیش را گرفته‌ام. حلوا فروش گفت: پناه بر خدا اگر با شخصی چون تو معامله کنم؛ تو قرض خدا را از سالی به سال دیگر عقب انداخته‌ای با من چه خواهی کرد.

۴۶

اعرابی را شتر گم شد. سوگند خورد که اگر شتر خود را یافت، آن را به یک درهم بفروشد، اتفاقاً شترش پیدا شد. اعرابی که طاقت نمی‌آورد با آن قیمتی که قسم خورده بود بفروشد، گربه‌ای را بگرفت و به گردن شتر آویخت و گفت: شتر و گربه را با هم می‌فروشم، شتر یک درهم و گربه پنجاه درهم. اعرابی دیگری از آن جا بگذشت گفت: اگر آن گردن بند نبودی شتر چه ارزان بودی.

۴۷

مردی در هوای گرم از تشنگی له له می‌کرد، بچه‌ای را در میان کوچه‌ای دید، از او خواست مقداری آب برایش بیاورد. او گفت: دوغ داریم. گفت: بیاور! او یک ظرف دوغ آورد. مرد تشنه دوباره دوغ خواست، او رفت و دوباره یک ظرف دوغ آورد و به آن مرد داد. آن مرد که شرمنده محبت او شده بود گفت: خیلی به شما زحمت دادم. آن کودک گفت: زحمتی نیست، زیرا ما این دوغ را لازم نداشتیم، چون موش مرده در آن افتاده بود. آن مرد در حالی که ظرف پر از دوغ را در دستش داشت با عصبانیت به زمین انداخت. آن کودک فریاد زد: مامان این آقا ظرفی را که در میان آن غذای سگ را می‌دادیم به زمین انداخت و شکست!

۴۸

ابوالعینا که به عیادت یکی از دوستان مریض خود رفته بود، از پرستارش پرسید: حال او چطور است، پرستار گفت: همان طوری که می‌خواهی. ابوالعینا گفت: چرا ناله و گریه نمی‌شنوم.

۴۹

به شخصی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کرد، گفتند: چرا در نماز جماعت شرکت نمی‌کنی؟ گفت: قرآن می‌فرماید: «ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر.» از شخصی خواستند قراءت نمازش را بخواند، او گفت: «اعوذ بالله من شیطان الرجیم.» چند نفر نماز می‌خواندند، اولی حرفی زد. دومی که مشغول نماز بود، گفت: حرف نزن. سومی گفت: الحمدلله که من حرف نزنم.

۵۰

از بوذرجمهر به هنگام مرگ خواسته شد که وصیتی بکند، او گفت: چه وصیتی بکنم، در دنیایی که انسان جاهل و تهیدست به دنیا می‌آید و با اکراه می‌رود، پس به چنین دنیایی نباید دل بست. ریاکاری مشغول نماز بود، احساس کرد، کسی وارد مسجد شده، نمازش را با کیفیت بهتری خواند. بعد از نماز نگاه به عقب کرد، دید سگی است که درب مسجد را باز کرده و وارد شده است.

۵۱

دزدی به باغ رفته بود، صاحب باغ گفت: تو کیستی و چه می‌کنی؟ گفت: دست خدا از درخت خدا و از میوه خدا می‌خورد. او هم آن دزد را به درختی بست و شروع به کتک زدن کرد. همین که آمد از خود دفاع کند و داد و فریادی بزند، صاحب باغ گفت: چرا ناراحتی؟ این دست خدا و چوب خداست که به بدن بنده خدا می‌خورد. دزدی به باغی رفت و دامنش را پر از میوه کرد. صاحب باغ او را دید و به او گفت: چرا به باغ من آمده‌ای؟ گفت باد تندی آمد و مرا به داخل این باغ انداخت. صاحب باغ پرسید: چرا این میوه‌ها را چیده‌ای؟ گفت از میوه‌ها می‌گرفتم تا خودم را نجات بدهم و آنها کنده می‌شدند. صاحب باغ پرسید: چرا دامنش را پر از میوه کرده‌ای؟ گفت: من هم متحیر بودم که چرا چنین شده است و این سؤال را شما پاسخ بدهید.

۵۲

روزی حضرت رسول (ص) با جمعی از اصحابش وضو گرفتند و گرد هم نشسته بودند تا نماز بخوانند. یکی از اصحاب شتری کشته و آن را پخته بود، چون چشمش به هیات اجتماع پیغمبر و اصحابش افتاد، تقاضا کرد که آنان میل نمایند. حضرت با اصحاب، آن غذا را میل کردند تا این که ظهر فرا رسید. از وی خواستند که مشغول نماز شوند. حضرت متوجه شد که یکی از اصحاب جلسه، وضویش باطل شده و خجالت می‌کشد که تجدید وضو نماید؛ او می‌خواهد بدون وضو نماز بخواند. حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود: تمام آنهایی که گوشت شتر خورده‌اند، باید وضو کنند و من هم تجدید وضو می‌کنم و حضرت دوباره وضو گرفتند و تمام اصحاب هم تجدید وضو کردند و نماز ظهر را به جماعت خواندند.

پی‌نوشت

سؤالهای معمایی از ائمه معصومین - علیهم السلام

مضرب بن آدم از علی - علیه السلام سؤال کرد: ۱. کدام مرد و زنی است که بدون داشتن پدر و مادر آفریده شده‌اند؟ ۲. کدام مردی است که بدون پدر آفریده شده است؟ ۳. کدام رسولی است که مبعوث شد، اما نه جن و انس و نه ملک است؟ ۴. کدام قبری که راه می‌رفت؟ ۵. کدام است که خورد و نیاشامید؟ ۶. کدام زمینی بود که یک بار بر آن آفتاب تابید؟ ۷. کدام دو دوستی هستند که هرگز با هم دشمن نشوند؟ علی - علیه السلام در جواب فرمود: یک: آدم و حوا. دو: عیسی - علیه السلام. سه: کلاغ. چهار: حضرت یونس در شکم ماهی. پنج: عصای موسی. شش: رود نیل. هفت: جسم و جان (۱). از علی - علیه السلام پرسیدند: چیست که در حیاتش می‌آشامد و در مردنش می‌خورد. علی - علیه السلام فرمود: عصای موسی است، هنگامی که شاخه‌ای از درخت بود می‌آشامید و موقعی که عصای موسی شد: ریسمانها و طنابهای افسونگران را می‌خورد. سه نفر هفده شتر داشتند، اولی نصف هفده شتر، مال او بود، دومی یک سوم و سومی یک نهم شترها مال او بود. قصد داشتند شترها را تقسیم کنند، ولی چون هفده نه نصف دارد و نه ثلث و نه تسع، لذا بین ایشان نزاع در گرفت و جهت داوری نزد امیرمؤمنان علی - علیه السلام آمدند. امام - علیه السلام یک شتر بر شتران آنان افزود و بدین ترتیب شتران را بین آنان تقسیم نمود: به اولی فرمود: نصف هفده شتر هشت شتر و نیم می‌شود، ولی به تو نه شتر می‌دهم. و به آن کس که یک سوم شترها از آن او بود، فرمود: یک سوم هفده از شش کمتر است، اما تو شش شتر بردار و به آن که یک نهم شتران برای او بود، فرمود: که یک نهم هفده از دو کمتر است، اما تو دو شتر بردار. علی - علیه السلام پس از تقسیم عادلانه، شتر خود را نیز برداشتند، چرا که جمع همه سهام «دو + شش + نه» هفده می‌شود. شخصی از امام باقر - علیه السلام پرسید: آن چیست که زیاد و کم می‌شود و آن چیست که زیاد می‌شود و کم نمی‌شود و آن چیست که کم می‌شود و زیاد نمی‌شود؟ حضرت فرمود: آن که زیاد و کم می‌شود ماه است و آن که زیاد می‌شود و کم نمی‌شود، دریاست و آن که کم می‌شود و هرگز زیاد نمی‌گردد، عمر انسان است. از علی - علیه السلام پرسیدند: آن کیست که پدر نداشت و آن کیست که قوم و خویش نداشت و کدام مکان است که قبله ندارد؟ علی - علیه السلام فرمودند: کسی که پدر نداشت، عیسی و آن که خویش نداشت آدم بود و جایی که قبله نداشت و ندارد، خانه خداست. باز پرسید: کدام سه چیزند که در رحمی نبوده و از بدنی بیرون نیامده‌اند؟ علی - علیه السلام فرمودند: عصای موسی و شتر صالح و قوچ ابراهیم است. باز پرسیدند: کدام گوری است که صاحب خود را حرکت داد؟ علی - علیه السلام فرمودند: شکم آن ماهی ای است که خدا یونس را در آن حبس کرد؟ مردی از علی - علیه السلام پرسید: خدا چه دارد و چه ندارد؟ چه پیش او نیست و چه نمی‌داند؟ حضرت فرمودند: اما آنچه ندارد، شریک است و چیزی که پیش او نیست، ستم است و چیزی را که نمی‌داند، گفته شما یهود است که عزیز را پسر خدا می‌دانید، چون کسی را خدا فرزند خود نمی‌شناسد. مرد چون این پاسخها را شنید، گفت: به یگانگی خدا و رسالت محمد (ص) گواهی می‌دهم. گروهی از یهود نزد عمر آمدند و گفتند: تو جانشین پیغمبری، ما آمده‌ایم از تو چیزهایی بپرسیم که اگر جواب گفتی به تو ایمان آورده و از تو پیروی می‌کنیم. عمر گفت: پرسید گفتند: ما را از قفل و کلید آسمان و کسی که همراهان خود را ترساند و پنج چیزی که در رحم خلق نشده‌اند، آگاه کن! عمر ساعتی به فکر فرو رفت و سپس گفت: چیزی از من پرسیده‌اید که نمی‌دانم. علی ممکن است، سؤالات شما را پاسخ گوید! عمر کسی را نزد علی - علیه السلام فرستاد. هنگامی که حضرت تشریف آوردند، عمر گفت: این یهودیان چیزهایی از من پرسیده‌اند و من پاسخ آنها را نگفته‌ام و تعهد کرده‌اند که اگر به آنها جواب داده شود، مسلمان شوند. علی - علیه السلام به یهودیان فرمودند: پرسید! آنان سؤالات خود را، به حضرت عرض کردند. سپس علی - علیه السلام فرمودند: اما قفل آسمان، شرک به خداست و کلید آن، «لا اله الا الله» است و آن که همراهان خود را ترسانید، مورچه سلیمان بود. پنج چیزی که در رحم خلق نشده‌اند: آدم، حوا، عصای موسی، ناقه صالح و قوچ ابراهیم است.

مناظره حضرت جواد - علیه السلام

«یحیی بن اکثم» که می‌خواست حضرت جواد را به وسیله پرسش یک مساله آزمایش نماید، متوجه مامون شد و گفت: ای امیرمؤمنان! اجازه می‌دهید از حضرت جواد مساله‌ای بپرسم؟ مامون گفت: از خود آن حضرت، کسب اجازه کن! یحیی از حضرت جواد اجازه خواست؟ آن بزرگوار فرمود: مجازی. یحیی گفت: چه می‌فرمایی درباره این مساله که شخصی محرم (کسی که در مکه لباس احرام پوشیده) باشد و صیدی را بکشد؟ حضرت جواد - علیه السلام فرمود: ۱. آن شخص در حل (خارج از محیط مکه) بوده یا در حرم؟ ۲. عالم به احکام بوده یا جاهل؟ ۳. عمدا این عمل را انجام داده یا از روی خطا؟ ۴. آزاد بوده یا غلام (زر خرید)؟ ۵. صغیر بوده یا کبیر؟ ۶. آن اولین صید او بوده (که شکار کرده) یا بیشتر؟ ۷. آن صید از پرندگان بوده یا غیر از آنها؟ ۸. آن صید کوچک بوده یا بزرگ؟ ۹. آن شخص محرم، بر این عمل اصرار دارد یا پشیمان شده است؟ ۱۰. شب این عمل را انجام داده یا روز؟ ۱۱. احرام عمره بوده یا احرام حج؟ یحیی از شنیدن این فروع و مسائل متحیر شد، هوش از سرش رفت، علامت عجز از صورتش ظاهر شد، زبانش دچار لکنت گردید و مقام علمی حضرت برای اهل مجلس واضح و روشن شد. در همین هنگام بود که مامون از حضرت جواد - علیه السلام تقاضا کرد و گفت: چنانچه مایل باشید، جواب مسائل شخص محرم را بفرمایید تا مستفیض شویم؟ حضرت جواد - علیه السلام فرمود: ۱. اگر شخص محرم صیدی را در غیر حرم (مکه و محیط آن) بکشد و صید از کبیر پرندگان باشد، یک گوسفند کفاره آن خواهد بود که باید قربانی کند. ۲. اگر آن صید در حرم باشد، باید دو گوسفند قربانی نماید. ۳. اگر جوجه مرغی را زمانی که لباس احرام پوشیده، بکشد، باید یک بره قربانی کند که تازه از شیر گرفته شده باشد، ولی قیمت آن جوجه بر او واجب نخواهد بود. ۴. اگر صید از حیوانات وحشی باشد؛ نظیر الاغ وحشی، باید یک گاو قربانی کند. ۵. اگر صیدی که کشته، شتر مرغ باشد، باید یک شتر قربانی کند. ۶. اگر صیدی که کشته آهو باشد، باید یک گوسفند قربانی نماید و اگر یکی از آنها را در حرم کشته باشد، باید دو برابر قربانی کند و هدیه کعبه قرار دهد. ۷. اگر آن کسی که صید را کشته برای حج احرام بسته باشد، باید در منا قربانی کند و اگر برای عمره احرام بسته باشد، باید در مکه قربانی نماید. ۸. اگر عمدا صید را بکشد، گناه کرده، ولی چنانچه از روی خطا باشد، چیزی (کفاره و قربانی) بر او واجب نیست. ۹. کفاره شخص حر و آزاد بر خودش واجب می‌شود، ولی کفاره شخص غلام بر مولای او واجب می‌گردد. ۱۰. شخصی که صغیر باشد، کفاره بر او واجب نیست، ولی کفاره بر شخص کبیر (بالغ) واجب است. ۱۱. شخصی که از کشتن صید پشیمان شود، همان پشیمانی باعث ساقط شدن عذاب آخرت از او خواهد شد، ولی شخصی که بر کشتن صید اصرار داشته باشد، دچار عذاب آخرت می‌گردد. همین که حضرت جواد - علیه السلام شقوق این مساله را تشریح فرمودند. مامون گفت: احسنت یا ابا جعفر! خدا از برای تو خیر بخواهد! آن گاه به حضرت جواد گفت: شما نیز از یحیی بن اکثم مساله‌ای پرسش نمایید! حضرت امام جواد - علیه السلام متوجه یحیی شد و فرمود: بپرسم؟ یحیی گفت: میل با شماست، اگر از من چیزی بپرسید، چنانچه بتوانم جواب می‌گویم والا از خود شما یاد می‌گیرم. امام - علیه السلام فرمود: چه می‌گویی درباره این مساله که: ۱. مردی در اول روز به زنی نگاه کرد که بر او حرام بود؟ ۲. موقعی که قسمتی از روز گذشت، آن زن بر او حلال گردید. ۳. همین که ظهر شد بر او حرام گردید. ۴. هنگام عصر که فرا رسید حلال شد. ۵. وقتی که آفتاب غروب کرد حرام گشت. ۶. موقعی که وقت عشا رسید حلال شد. ۷. هنگامی که نصف شب شد حرام گردید. ۸. موقعی که فجر طلوع کرد بر او حلال شد. بگو بدانم چگونه می‌شود که این زن گاهی بر آن مرد حلال و گاهی حرام می‌گردد؟ یحیی بن اکثم گفت: به خدا قسم که من جواب این مساله را نمی‌دانم، شما بفرمایید تا بیاموزم! حضرت جواد - علیه السلام فرمود: این زن کنیزکی است و این مرد اجنبی و نامحرم است. ۱. اول صبح نگاه کردن وی به آن زن (برای این که نامحرم بود) حرام بود. ۲. وقتی که قسمتی از روز گذشت، چون آن کنیز را خرید بر آن مرد حلال شد. ۳. وقت ظهر که فرا رسید، برای این که آن کنیز را آزاد

کرد، بر او حرام شد. ۴. موقع عصر او را تزویج نمود، باز بر او حلال گردید. ۵. همین که مغرب شد، به علت این که با او «ظهار» (۲) کرد، بر او حرام گشت. ۶. وقت عشا که فرا رسید، چون کفاره ظهار را داد بر او حلال گردید. ۷. نصف شب به جهت این که او را یک طلاق داد، بر او حرام شد. ۸. موقع طلوع فجر که فرا رسید، چون رجوع کرد حلال شد. در همین موقع بود که مامون رو به بنی عباس کرد و گفت: آیا در میان شما شخصی هست که بتواند این مساله را بدین نحو شرح دهد و یا این که مساله قبلی را نظیر وی جواب بگوید؟! آنان در جواب گفتند: نه به خدا قسم! حقا که تو نسبت به حضرت جواد -علیه السلام از ما اعلم و آگاهتر بودی. مامون گفت: وای بر شما! اهل بیت حضرت رسول -صلی الله علیه وآله در میان مردم از نظر فضل و کمال ممتازند و کمی سن، مانع فضیلت و کمالات ایشان نخواهد شد. آن گاه قسمتی از فضائل و مناقب حضرت جواد -علیه السلام را شرح داد تا این که مردم برخاستند و مجلس به هم خورد.

سوالات از علی علیه السلام

مردی خدمت علی -علیه السلام آمد و عرض کرد: یا علی -علیه السلام من هفتصد فرسخ راه می آیم تا هفت کلمه بپرسم. علی -علیه السلام فرمود: سؤال کن! او سؤالهای خود را به شرح زیر مطرح کرد: ۱. آن چیست که از آسمان بزرگتر است؟ ۲. آن چیست که از زمین وسیعتر است؟ ۳. آن چیست که از آتش داغتر است؟ ۴. آن چیست که از زمهریر سردتر است؟ ۵. آن چیست که از دریا غنیتر است؟ ۶. آن چیست که از سنگ سخت تر است؟ ۷. آن چیست که از یتیم ضعیفتر است؟ در جواب حضرت علی -علیه السلام فرمودند: اول: تهمت. دوم: حق. سوم: حرص. چهارم: حاجت بردن نزد بخیل. پنجم: آدم قانع. ششم: قلب کافر هفتم: سخن چین. (۳)

اشعاری در احکام

گوهر نماز

ارزنده ترین گوهر مقصود نماز است زینده ترین هدیه به معبود نماز است کوبنده ترین اسلحه مکتب توحید کز ریشه کند خصم تو نابود نماز است این نکته، رسول مدنی گفت به سلمان سری که به توفیق تو افزود نماز است فرمود علی شیر خدا ساقی کوثر در مکتب ما مقصد و مقصود نماز است گویند که با فضا چنین فاطمه فرمود سرچشمه لطف و کرم و جود نماز است از آمدن کرب بلا آنچه به عالم مقصود حسین بن علی بود نماز است ای آن که تویی منتظر مهدی موعود رمزی که نماید فرجش زود نماز است آن روز که آید ز پس پرده غیبت اول هدف مهدی موعود نماز است ژولیده

فروع دین

نماز روزه و خمس زکات و حج و جهاد امر به معروف و نهی از منکر تولی و تبری اینها فروع دینه

مبطلات نماز

خنده نکن گریه نکن در هر نماز چاره بکن هر آنچه در صحت آن شنیده‌ای اجرا بکن چهارمین حفظ شروط اعم از غضبی و زور یا دست به دست گذاشتن مثل عدو گفتن زور چه سهو بود چه عمد بود آمین همچی بود یا گفتن ق مثلا آنهم اگر عمدی بود برگشت از قبله دین جزو حروف مبطل است خوردن و تردید و شکوک آن هم صنوف دیگر است چه رکن و چه فرع را بر هم مزین

نماز را شو حافظ و تو مجری اینده و دو حروف را

نماز و آداب آن

قابل درگاه حی بی‌نیاز هیچ طاعت نیست بهتر از نماز این عبادت مایه قرب خداست مونس شبهای تار اولیاست این عبادت مایه غفران ماست ناجی و کفاره عصیان ماست گر تعجب می‌کنی از این بیان پس برو «تنهی عن الفحشا» بخوان این عبادت چون عمود دین توست شرط ملت، مذهب و آیین توست متقین را زین و منهج آمده مؤمنین را عین معراج آمده سعی کن قسمی که می‌باید کنی نی دلت هر قسم می‌خواهد کنی چون شدی آماده غسل و وضو از معاصی دست و دل اول بشو خویش را خالی تو از تزویر کن پس بلند آوازه تکبیر کن از خدایان مجازی عذر خواه بعد از آن گو لاله الا الله لفظ الا با دل آگاه گو پس محمد را رسول الله گو خویشان را مؤمن و موقن ببین پس علی را گو امیرالمؤمنین دل تهی کن از همه کفر و دغل پس بگو حی علی خیر العمل چشم بردار از تمام ممکنات بعد از آن بر گو که قد قام الصلوة پشت سر انداز خاص و عام را پس بگو تکبیر الاحرام را چون ستادی در حضور کردگار باش قائم با سکون و با وقار فهم کن تا با که می‌گویی سخن با خدا یا با خیال خویشان در نمازی یا که دعوا می‌کنی یا جوال و مال پیدا می‌کنی در رکوعی یا به فکر نان و آب یا معلق می‌زنی با صد شتاب در سجودی یا مگر همچون کلاغ می‌زنی بر خاک منقار و دماغ یک دقیقه هشت رکعت خوانده‌ای زین ریاضت چون خر وامانده‌ای نصف عمرت از ریاضت کاسته این نماز از تو خدا کی خواسته شرم کن از این نماز ای بی ادب هان مکش بیهوده این رنج و تعب این نماز از بی‌نمازی بدتر است مایه قهر خدای اکبر است گر نماز خویش خواندی با حضور هست مقبول خداوند غفور بی حضور قلب اگر خواندی نماز حق بود از این نمازت بی‌نیاز «ذاکر» غم دیده هر صبح و مسا کسب این توفیق خواهد از خدا

در سجود و آداب آن

از برای بنده در دارالشهود منتهای بندگی باشد سجود سجده از هر طاعتی بالاتر است مایه قرب خدای اکبر است این عبادت چون مبرا از ریاست زین سبب مخصوص از بهر خداست گر فرشته سجده بر آدم نمود سجده بهر حق و آدم قبله بود بنده چون در سجده پستی می‌کند ترک کبر و خود پرستی می‌کند از علامات و صفات مؤمنین شد یکی زان پنج تعفیر جبین مؤمن اندر سجده چون گیرد قرار می‌شود همراز با پروردگار پس اگر در سجده خودداری کند اشک ریزد، ناله و زاری کند سجده او مایه غفران شود درد بی درمان او درمان شود بنده‌ای چون با دل اندوهگین بهر سجده سرگذارد بر زمین آن زمین آن روز تا روز شمار می‌کند بر هر زمینی افتخار که به روی من خدا مسجود شد خاک پاکم معبد معبود شد چون گذارد مؤمنی سردر سجود می‌زند فریاد شیطان عنود که ز ترک و فعل سجده کردگار من شدم مردود، او شد رستگار گر نداری این خبرها را قبول وز بیان من اگر گشتی ملول از کلام حق بخوان ای ذوفنون معنی الساجدون الحامدون با خدای خویش «ذاکر» گو تو راز گاه اندر سجده گاهی در نماز

در روزه و کیفیت آن

می‌کند چون روزه دل را منجلی زان سبب فرمود حق الصوم لی وز زبان او رسول مؤتمن گفت: الصوم زکوة للبدن دردمندان را دوی بی‌غش است بر گنهکاران سپر از آتش است روزه‌داران راست مزد بیشمار کس نداند غیر ذات کردگار رو بخوان تفسیر قرآن و ببین شرح الله یحب الصابرين صبر باشد روزه نفس و بدن از معاصی خدای ذوالمنن روزه عام از شراب و نان بود روزه خاص از همه عصیان بود مست صوم عاشقان صوم الوصال بر جمال لایزال ذوالجلال تو شکم را پر ز نعمت می‌کنی صبح تا شب خواب راحت می‌کنی خوش دلی از این که هستی روزه‌دار باید از این روزه باشی شرمسار روزه آن باشد که تن ویران کنی ترک

راحت در ره جانان کنی نفس خود را عادت طاعت دهی در ریاضت زحمت و محنت دهی دل تهی کن از همه خلق جهان تا در آیی در شمار صائمان چون نداری اختیار نفس خویش می نخواهد رفت این کارت ز پیش اول ای «ذاکر» دل و جان پاک کن بعد از آن از آب و نان امساک کن

میهمان خدا

روزه تمرین و کلاس زندگی درس ایثار و خلوص و بندگی روزه زنجیر هوا بگسستن است دیو و بتهای درون بشکستن است ماه در خود نگری و خود کاوشی لب فرو بستن، نگفتن، خاموشی درک مسکین از دل و جان کردن است زندگی همچون فقیران کردن است قهرمان صحنه تقوا شدن همچو ماهی زنده دریا شدن ماه میهمان و ضیافت بر خدا جام بخشش، ماه سرشار از عطا روزه، پرواز و عروجی دیگر است بهر ایام دگر چون افسر است ماه گشتن، سیر کردن در وجود با تعبد با تهجد با سجود روزه، یعنی نفس خود را پاک کن قلب ابلیس درونت چاک کن راه پرواز است سوی آسمان ماه گردیدن بسان عاشقان روزه هنگام سؤال است و دعا پر زدن با بال همت تا خدا شهر یکرنگی و بی آلاشی ماه تقصیر و گنه فرسایشی عاشقان معشوق خود پیدا کنند تا سحر در گوش هم نجوا کنند درد خود گویند با درمان خویش با طیب و یا انیس جان خویش فاش راز و گفته‌های خود کنند ذکر سر و غصه‌های خود کنند روزه رسوا کردن شیطان دون پاک گشتن چون شهید غرقه خون فصل پاکی درون ما بود هر که غیر از این بود رسوا بود بسته دست و پای شیطان می‌شود نا امید از دام انسان می‌شود غلامرضا کاج

امر به معروف

خانه حق را بیا آباد کن خلق را سوی خدا ارشاد کن امر بالمعروف کن بر جاهلان نهی از منکر ز قوم غافلان امر بالمعروف محبوب خداست از صفات انبیا و اولیاست انبیا را از همه گفت و شنود غیر از این مقصود مقصودی نبود این صفت چون از فروع دین توست از شروط ملت و آیین توست سعی کن تا دین خود کامل کنی روز و شب ارشاد هر جاهل کنی امر بالمعروف و نهی از منکرات واجب عینی است چون صوم و صلوات امر بالمعروف چون موقوف شد زین سبب هر منکری معروف شد بالسان لین و خلق نکو با خلاق تو کلام حق بگو هر کجا قول تو افتد ناقبول خاطر خرم مکن هر گز ملول اجر این زحمت رضای داور است مایه خشنودی پیغمبر است روز محشر «ذاکر» ار خواهی نجات تا توانی نهی کن از منکرات

واجبات نماز

یازده واجب بود اندر نمازت ای پسر سعی کن در حفظ او تا که نیابی در دسر اولش باشد نیت، در هر عبادت لازم است گر نباشد نیت، انسان از عبادت غافل است دومش باشد قیام یعنی به پا ایستادن است بایدت باشی مهیا وقت تکبیر گفتن است سومش تکبیره الاحرام باشد جان من بایدت آرام باشد این زمان کل بدن چهارمش باشد رکوع تا دست بر زانو رسد مستحب است طول دادن گر نداری رنج و درد پنجمش باشد سجود، سر روی مهر بگذاشتن است بهترین حال نماز، شیطان ز خود رنجاندن است ششمین باشد قراءت، حمد و سوره خواندن است مدتی در انتظار رحمت حق ماندن است هفتمش ذکر است در حال رکوع و سجده‌ها گفتن تسبیح باشد ای پسر این ذکرها هشتمش باشد تشهد، روی پا بنشستن است در تکلم با خدایی این شهادت گفتن است نهمش باشد سلام واجب بود در هر نماز لحظه‌ای بردار به درگاه اله دست نیاز دهمش ترتیب باشد تو بدان این رمز را در تمام کارها ترتیب همی خواهد خدا یازدهم باشد موالات پشت سر آوردن است مستحب بعد از نماز مدتی بنشستن است این بود فهرست مطلب واجبات ای نکو گر که تفصیلش بخواهی به رساله کن رجوع

اهمیت نماز

کلید باب جنت در نماز است چراغ شام ظلمت در نماز است معراج انسان خدا جوست خدا را غم ز غربت در نماز است خوشا آن کس که پوشد ثوب تقوا جمال و عزت و زینت نماز است تو را طاعت به عزت می‌رساند نشان این سیادت در نماز است در آن روزی که باشد روز محشر ز اول چیز صحبت در نماز است نمازت مانع از هر نوع گناهی مسلمان را سلامت در نماز است

ضمیمه

مفاهیم و اصطلاحات احکام (۴)

مقدمه

یکی از مقدماتی که در علم احکام باید مورد توجه قرار گیرد «مفاهیم و اصطلاحات احکام» است. بدین جهت برخی مفاهیم و اصطلاحات مهم و مورد ابتلای احکام را بر طبق حروف الفبا آورده‌ایم تا ما را در فهم و فراگیری و آموزش آن یاری دهد.

آ، آ

آلات لهو: ابزار و وسایل عیاشی و خوشگذرانیهای نامشروع، مانند آلات قمار. ابن السبیل: مسافری که در سفر خود درمانده و بدون زاد و توشه و مال باشد. اتقی: با تقواتر، پرهیزگارتتر. اجزا و شرایط: هر امری که فقدانش به اصل یک چیز لطمه وارد کند «جزء» آن محسوب می‌گردد و هر امری که فقدان آن، صفت یا حالت مطلوب چیزی را تغییر دهد «شرط» آن محسوب می‌شود؛ مانند، فقدان رکوع و سجود که به اصل نماز لطمه می‌زند پس، از اجزای نماز هستند، ولی فقدان طهارت و حضور قلب دو وصف «صحت» و «کمال» نماز را از بین می‌برد؛ یعنی، نماز هست ولی صحیح یا کامل نیست، بنابراین از شرایط نماز محسوب می‌شوند. اجیر: کسی که طبق قرار مشخص، در برابر کاری که انجام می‌دهد، اجرت دریافت می‌کند. احتلام: خواب دیدن، به مرحله بلوغ رسیدن، خارج شدن منی از انسان بویژه در خواب. احتیاط: روشی که رعایت آن در احکام شرعی موجب اطمینان انسان برای رسیدن به واقع است. احتیاط لازم: احتیاط واجب. احتیاط مستحب: احتیاطی غیر از فتوای فقیه است و بدین جهت رعایت آن الزامی نیست، ولی دارای ثواب است. احتیاط واجب: امری مطابق با احتیاط است که فقیه همراه آن فتوا نداده است؛ در چنین مسائلی مقلد اگر خواست می‌تواند به جای عمل به نظریه مرجع تقلید خود به نظریه مجتهد دیگر که بعد از مرجع تقلیدش، اعلم از دیگران است عمل کند و چنانچه در آن مساله، مرجع دوم نیز قائل به احتیاط واجب باشد، مقلد می‌تواند به نظریه مرجع سومی که بعد از مرجع دوم اعلم از دیگران است، مراجعه نماید... احتیاط را ترک نکنند: این اصطلاح در هر موردی که فتوایی از فقیه نسبت به آن مورد ذکر نشده باشد به معنای احتیاط واجب است والا اگر در همان مورد و در کنار آن، فتوایی از فقیه ذکر شده باشد به معنای تاکید بر حسن احتیاط است و رعایت آن احتیاط الزامی نیست، ولی دارای ثواب زیاد است. احکام خمسه: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه. احوط: مطابق با احتیاط، نزدیکتر به احتیاط، انجام آن دارای ثواب است. اختلاط با اجانب: رفت و آمد و نشست و برخاست صمیمانه با بیگانگان و نامحرمان. اخفات: آهسته خواندن. ارباب خمس: صاحبان خمس، کسانی که می‌توانند از خمس استفاده کنند. ارباب مکاسب: منافع کسب، هر نوع در آمدی که از طریق حرفه، کار و شرایط مخصوص انسان به دست آید. ارتفاع قیمت سوقی: بالا رفتن قیمت جنس در بازار. ارتفاع قیمت سوقی: ترقی قیمت جنس در بازار. ارتماس: فرو شدن در آب، به یکباره در آب فرو رفتن. استرباح: ربح جستن و فایده بردن. استفتا: مطالبه فتوا، سؤال از نظریه مجتهد درباره حکم مسائل شرعی. استمنا: انجام

دادن عملی با خود که موجب خروج منی می‌شود، بیرون کردن منی از خود بدون آمیزش. استیلا بر بلاد مسلمین: سلطه جویی بر کشورهای اسلامی. اشکال دارد: چنین عملی موجب اسقاط تکلیف نیست و آن عمل را نباید انجام داد، ولی در این مورد، مقلد می‌تواند به فتوای مجتهد دیگری که بعد از مرجع تقلیدش اعلم از دیگران است عمل نماید. اظہر: ظاهرتر، مساعدتر و هماهنگتر با دلایل مربوط، روشنتر از نظر تطبیق با ادله فتوا. اعراض از وطن: تصمیم انسان بر اینکه برای همیشه وطنش را ترک کند. اعلم: عالمتر
افضا: باز شدن، یکی شدن مجرای «بول و حیض» یا مجرای «حیض و غایط» و یا «هر سه». افطار: شکستن روزه. اقامه معروف: به یادداشتن هر دستور و سنتی که از نظر شرعی به رسمیت شناخته شده است. اقرب این است: فتوا این است - مگر این که در ضمن کلام قرینه‌ای یافت شود که حاکی از عدم فتوا باشد و در این صورت، مقلد باید بدان عمل نماید. اقوا این است: نظر قوی بر این است، فتوا این است و در این صورت، مقلد باید بدان عمل کند. اکتفا به رفع ضرورت کند: به همان مقدار که مجبور است، اکتفا کند و بیشتر از آن را انجام ندهد. اماله: تنقیه کردن، داخل کردن دارو و مایعات به وسیله ابزار مخصوص در روده‌ها از طریق پشت. امر به معروف: وادار کردن به عملی که نزد شارع مقدس خوب و پسندیده است. امساک: باز داشتن، خودداری کردن از خوردن غذا. اموال محترمه: اموالی که براساس ضوابط اسلامی دارای احترام است، مانند اموال بچه صغیر. اناث و ذکور: دختران و پسران، زنان و مردان. اولی: سزاوارتر، بهتر و انجام آن دارای ثواب است. ایقاع: هر نوع قراردادی که با تصمیم یک طرف انجام پذیرد و نیاز به قبول دیگری نداشته باشد. اهل کتاب: غیر مسلمانانی که خود را پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب می‌دانند، مانند یهودیان و مسیحیان.

ب، ت، ث

بدعت: چیزهای نوظهور، نوآوری، اعمال سلیقه شخصی و نوآوری در احکام الهی، وارد کردن چیزی که در دین نبوده و یا خارج کردن چیزی که در دین بوده است. براءت: پاک شدن، رها شدن، کناره‌گیری، بیزاری رفع تکلیف شرعی در موارد شک با رعایت ضوابط آن. بعید است: فتوا بر طبق آن نیست. بعید نیست: فتوا این است - مگر این که قرینه‌ای بر خلاف آن در کلام باشد. بیع مثل به مثل: مبادله دو شیء همجنس، مانند گندم با گندم. تاکد حسن احتیاط: ترغیب شدید به احتیاط، تاکید بر حسن احتیاط، انجام آن دارای ثواب زیاد است. تجافی: دوری، نیم خیز نشستن، نیم خیز نشستن ماموم در حال تشهد خواندن امام جماعت، در هنگامی که ماموم به رکعت اول نماز جماعت نرسیده است. تحت الحنک: زیر چانه، قسمتی از عمامه که زیر گلو آویخته می‌شود. تخلص از نزول ربا: نجات دادن خود از آلودگی به ربا. تخلی: خالی شدن، به بیت الخلا رفتن، بول یا غایط کردن، قضای حاجت. تخمیس: پنج قسمت کردن، خمس مال را خارج کردن، خمس مال را پرداختن. تروی: تامل، تفکر، فکر کردن در موارد مشکوک رکعات یا افعال نماز برای کشف حقیقت. تذکیه: ذبح کردن، حیوانی را با رعایت موازین شرعی کشتن. تستر: خود را پوشانیدن. تسمیه: نام دادن، نامگذاری، جاری کردن نام خدا بر زبان. تشریح: کالبد شکافی، جدا کردن اجزای بدن مردگان جهت آگاهیهای پزشکی و مانند آن. تطهیر: پاک کردن، اشیای نجس را پاکیزه ساختن. تعقیب: دنبال کردن، پس از نماز خود را با ذکر و دعا و قرآن مشغول نمودن. تقاص: قصاص کردن، مال بدهکار را بابت طلب خود حساب کردن. تقلید: پیروی از نظریات مجتهد. تلقیح: مایه کوبی، نطفه مرد را با وسیله‌ای نظیر سرنگ به رحم زن وارد کردن. تمکن: توانایی. تملک به ضمان: مالک شدن با ضمانت؛ نظیر، پولی که انسان از دیگری قرض می‌کند مالک آن می‌شود، ولی این مالکیت همراه با ضمانت پرداخت آن است. تنزیل سفته: مبادله کردن سفته با مبلغی کمتر از اعتبار آن. ثلثان: دو سوم، تبخیر شدن و کم شدن دو سوم از آب انگور جوشیده و باقی ماندن یک سوم آن که مقدمه حلال شدن آن است. ثمن: قیمت و بهای کالا.

جاعل: کسی که قراردادی را منعقد می‌کند (جعاله). جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست، یعنی در شرایطی است که امکان دسترسی به حکم خدا برای او وجود ندارد و یا اصلاً خود را جاهل نمی‌داند. جاهل مقصر: جاهلی که در جهلش مقصر است، یعنی امکان آموختن مسائل و احکام الهی را داشته ولی کوتاهی نموده است. جبیره: دارویی که روی زخم می‌گذارند و یا پارچه دیگری که با آن، زخم یا شکستگی را می‌بندند. جرح، جروح: جراحت، زخم. جنب: کسی که منی از او خارج شده یا با دیگری همبستر شده و غسل بر او واجب گشته است. جعاله: قراری است که طی آن انسان اعلام می‌کند که هر کس برای او کار مشخصی را انجام دهد، اجرت معینی را به او بپردازد، مانند اینکه می‌گوید هر کس گمشده مرا پیدا کند، هزار تومان به او خواهد داد. به کسی که این قرار را می‌گذارد «جاعل» و به کسی که به آن عمل می‌کند «عامل» می‌گویند. جماع: آمیزش جنسی زن و مرد. جلال: حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده است. جهر: با صدای بلند چیزی را خواندن. حاکم شرع: مجتهدی که براساس موازین شرعی حکمش نافذ است. حج نیابتی: زیارت خانه خدا و انجام مناسک آن به نیابت از دیگری. حدث اصغر: هر امری که موجب وضو برای نماز شود، مانند بول و غایط و خواب. حدث اکبر: هر امری که موجب غسل برای نماز شود، مانند احتلام و جماع و مس میت. حد ترخص: حدی از مسافت که در آن صدای اذان و دیوار محل اقامت تشخیص داده نشود. حرج: مشقت، سختی. حضر: جایی که انسان در آنجا حضور دارد (وطن). حین عروض شک: زمان پدید آمدن شک. خالی از قوت نیست: فتوا این است و باید بدان عمل کرد - مگر این که در ضمن کلام قرینه‌ای بر غیر این معنا باشد. خالی از وجه نیست: فتوا این است و باید بدان عمل کرد - مگر این که در ضمن کلام قرینه‌ای بر غیر این معنا باشد. خیار: اختیار داشتن، قدرت قانونی و شرعی که یکی از طرفین عقد پیدا می‌کنند که به موجب آن می‌توانند عقد را به هم بزنند.

د، ذ، ر، ز

دبر: عقب، پشت، نشیمنگاه، مقعد. دیه: مالی که به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت می‌شود. ذبح شرعی: کشتن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی. ذمه: کفالت، ضمانت، عهده، به ذمه گرفتن (به عهده گرفتن). ذمی: کافران اهل کتاب مانند، یهود و نصارا که در سرزمین مسلمین زندگی می‌کنند و در مقابل تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلام از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردارند. ربای قرضی: اضافه‌ای که پرداختن آن در ضمن قرض شرط شود. ربح سنه: در آمد انسان در طول سال. رضاعی: شیری، خویشاوندی و نسبتی که بر اثر شیردادن به وجود می‌آید. رفع ضرورت: بر طرف شدن حالت اضطرار و ناچاری. رهن: گرو گذاشتن مقداری از دارایی خود نزد طلبکار به این منظور که اگر طلب خود را در موعد مقرر دریافت نکرد، بتواند از مال مزبور، آن را جبران کند. ریبه: تردید، شبهه، بدگمانی، نگاه به ریبه، یعنی نگاه از روی شهوت. زاید بر مؤونه: اضافه بر مخارج، بیشتر از هزینه مربوط.

س، ش، ص، ض، ط، ظ

سال خمسی: یک سال تمام که با نخستین رسیدگی انسان به حساب اموالش برای تخمیس آن شروع می‌شود و باید هر سال همان تاریخ را مبدا رسیدگی مجدد برای خمس قرار دهد. سجده سهو: سجده‌ای که نماز گزار در برابر اشتباهاتی که «سهوا» و غیر عمدی از او سرزده، به جا می‌آورد. سجده شکر: پیشانی بر زمین نهادن به منظور سپاسگزاری از نعمتهای الهی. سجده واجب قرآن: در قرآن پانزده آیه وجود دارد که انسان پس از خواندن یا شنیدن آنها بی‌درنگ در برابر عظمت الهی به خاک می‌افتد و سجده می‌کند. در چهار مورد آنها، سجده واجب و در یازده مورد دیگر سجده کردن مستحب (مندوب) است و در حاشیه صفحات قرآن

مشخص شده است. سقط شده: افتاده، جنینی که بطور نارس یا مرده از رحم خارج شده است. سؤر: نیم خورده آب یا غذا، باقی مانده طعام. شاخص: چوب یا چیز دیگری که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می‌برند. شارع: بنیانگذار شریعت اسلام. شرایط ذمه: شرایطی که اگر اهل کتاب در بلاد مسلمین به آنها عمل کنند، جان و مالشان در پناه حکومت اسلامی محفوظ خواهد بود. صاع: پیمانهای که در حدود سه کیلو گرم گنجایش داشته باشد. صیغه: کلماتی که وسیله تحقق عقد و ایقاع است، مانند کلماتی که در هنگام عقد ازدواج بر زبان جاری می‌کنند و گاهی نیز به جای ازدواج موقت به کار می‌رود. ضروری دین: آنچه بدون تردید جزء دین است، هر حکمی که مسلمانان، آن را جزء دین می‌دانند، مانند وجوب نماز و روزه. ضعف مفرط: ضعف شدید. طهارت: پاک شدن، حالتی معنوی که در نتیجه وضو، غسل یا تیمم، برای انسان حاصل می‌شود. ظاهر این است: فتوا این است و باید بدان عمل کرد - مگر این که در کلام قرینه‌ای برای مقصود دیگر باشد.

ع، غ، ف، ق

عاریه: دادن مال خود به دیگری برای استفاده موقت و بلا عوض از آن. عرق جنب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع مانند آمیزش در ایام حیض زن یا استمناء از بدن انسان خارج می‌شود. عزل: کنار گذاشتن، انزال و ریختن منی در خارج از رحم برای جلوگیری از انعقاد نطفه؛ برکنار کردن و کیل یا مامور خود از کار و یا نظایر آن، مانند برکناری وصی یا متولی خائن توسط حاکم شرع. عسر: سختی، تنگدستی. عقود: جمع عقد گره، پیمان، قراردادهایی که در آن، دو طرف وجود دارد، مانند خرید و فروش، ازدواج. عنین: مردی که از انجام عمل زناشویی ناتوان است. عورت: آلت تناسلی، آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند، کنایه از عضو جنسی زن و مرد. غسل: آبی که معمولاً پس از شستشوی چیزی - خود به خود یا با فشار از آن خارج می‌شود. غش: تزویر، تقلب، خیانت، مخلوط کردن پنهانی جنس کم بها با گرانبها به منظور فریب مردم. فتوا: نظریه و رای قطعی مجتهد و مرجع تقلید در مسائل شرعیه که مقلدین وی باید بدان عمل نمایند. فجر: سپیده صبح. فجر اول (کاذب) و فجر دوم (صادق): نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول (کاذب) می‌گویند، و هنگامی که آن سفیده گسترش یافت، فجر دوم (صادق) و اول وقت نماز صبح است. فرادا: نماز انفرادی نه جماعت. فرج: شکاف، سوراخ، عورت زن. فرض: امر الزامی، واجب. فطریه: زکات فطره. ففاع: آبجو. قبل: جلو، پیش، کنایه از عضو جنسی جلو انسان. قتل نفس محترمه: کشتن انسانی که خونش از نظر شرعی محترم است و نباید او را کشت. قروح: جمع قرح، دملها. قصد اقامه: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در محل واحد. قصد قربت: تصمیم برای نزدیک شدن به مقام رضا و قرب الهی به وسیله انجام تکالیف شرعی. قوی: محکم، کنایه از فتواست و باید بدان عمل کرد. قی: استفراغ کردن، بیرون ریختن محتویات معده از راه دهان. قیم: سرپرست، کسی که براساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسؤول امور یتیم و غیره می‌شود.

ک، ل، م

کافر: کسی که منکر خداست یا برای خدا شریک قرار می‌دهد یا نبوت پیغمبر اسلام (ص) را قبول ندارد یا در این امور شک دارد و یا منکر ضروری دین است و بداند آن چیز، ضروری دین است و انکار آن به انکار خدا یا توحید و یا نبوت برگردد. کافر حربی: کافری که با مسلمین در حال جنگ است. کافر ذمی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته است. کثیر الشک: کسی که زیاد شک می‌کند. کفار: عملی که انسان برای جبران گنااهش باید انجام دهد. لازم: واجب. لازم الوفاست: باید به آن عمل کرد. لزوجت محل: چسبندگی یا لغزندگی همراه با چسبندگی که در محلی وجود دارد. مؤونه: مخارج یا هزینه. متنجس: هر چیزی که ذاتا پاک است، ولی بر اثر برخورد مستقیم یا غیر مستقیم با چیز نجس آلوده

شده است. مثنی: قیمت گذاری شده، کالایی که در معرض فروش قرار گرفته است. مجتهد جامع الشرایط: مجتهدی که شرایط مرجعیت تقلید را داراست و دیگران می‌توانند از او تقلید کنند. مجزی است: کافی است، ساقط کننده تکلیف است، انجام آن موجب رفع تکلیف از انسان است. محاضر: کسی که در حال جان دادن و نزدیک به مرگ است. محتلم: خواب بیننده، کسی که در خواب، منی از او خارج شده است. محارم: بستگان نزدیک انسان که ازدواج با آنان برای همیشه حرام است. محرم: کسی که در حال احرام حج و یا عمره است. محل اشکال است: اشکال دارد، صحت و درستی آن مشکل است. (مقلد می‌تواند در این مساله به مرجع دیگری که بعد از مرجع تقلید خودش اعلم از دیگران است، مراجعه کند). محل تامل است: باید احتیاط کند (مقلد می‌تواند در این مساله به مرجع دیگری که بعد از مرجع تقلید خودش اعلم از دیگران است، مراجعه کند). مخمس: مالی که خمس آن داده شده است. مد: پیمانهای که تقریباً ده سیر ظرفیت دارد. مذی: رطوبتی که پس از ملاعبه مرد با زن از او (مرد) خارج می‌شود. مرتد: مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر شود، یا حکم ضروری دین را که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند، مانند نماز و روزه انکار کند، در صورتی که منکر شدن آن حکم به انکار خدا یا پیغمبر برگردد. مرتد فطری: کسی که از پدر مسلمان یا مادر مسلمان و یا از پدر و مادر مسلمان (هر دو) متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس کافر شده است. مرتد ملی: کسی که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده، ولی خودش پس از اظهار کفر مسلمان شده و مجدداً کافر گشته است. مس: لمس کردن، رساندن جایی از بدن به چیزی، تماس بدنی. مس میت: لمس نمودن بدن انسان مرده. مقاربت: نزدیکی، آمیزش جنسی. مکلف: هر انسانی که بالغ و عاقل است. ملاعبه: بازی کردن با هم، معاشقه کردن، شوخی کردن مرد با زن. ممیز: بچه‌ای که خوب و بد را تشخیص می‌دهد. موالات: پشت سرهم، پی در پی انجام دادن. موجر: اجاره دهنده. مورد اشکال است: صحیح نیست و در این مورد، مقلد می‌تواند به مرجع دیگری که بعد از مرجع تقلیدش اعلم از دیگران است مراجعه کند. موکل: وکیل کننده.

ن، و، ه، ی

نافله: نماز مستحبی و جمع آن نوافل است. نبش قبر: شکافتن قبر. نصاب: حد مشخص، حد یا مقدار تعیین شده. نظر با ریه: نگاه کردن به گونه‌ای که دیگران را بدگمان کند، نگاهی که فتنه‌انگیز و از روی شهوت است. نکاح: ازدواج، پیوند زناشویی. نهی از منکر: بازداشتن دیگران از هر عملی که در نزد شارع مقدس ناپسند است. ودی: رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می‌شود. ودیعه: امانت. وذی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می‌شود. وصل به سکون: حرکت آخر کلمه‌ای را انداختن و بدون توقف، آن را به کلمه بعد چسبانیدن. وصی: کسی که مسؤول انجام وصیتی شده است. وطن: جایی که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است. وطی: لگدمال کردن، کنایه از عمل جنسی است. وقف به حرکت: در عین ادای حرکت آخرین حرف یک کلمه، بین آن و کلمه بعد فاصله انداختن. وکالت: واگذار کردن انسان کاری را به دیگری برای انجام آن که شرعاً خود نیز می‌تواند در آن دخالت کند. ولی: کسی که به دستور شارع مقدس، سرپرست دیگری است، مانند پدر و حاکم شرع. هبه: بخشش. یائسه: زنی که سنش به حدی رسیده که از عادت ماهیانه افتاده است.

پی‌نوشتها

۱. از کتاب ستارگان درخشان معصوم (ع) نهم. ۲. ظهار آن است که شخصی به زوجه خود بگوید: ظهر (پشت) تو مثل پشت مادر من می‌باشد. ۳. منتظری، کشکول، ج ۱ ص ۲۲۹. ۴. از کتاب رساله نمونه آقای موگهی.

مسائل تلگرافی

۱: با هر دست که بخواهیم (م ۲۴۹). ۲: قنوت. ۳: اگر رسیدن آب به آن ضرر دارد وضوی جبیره بگیرد والا وضوی ارتماسی بگیرد. ۴: باطل است. ۵: ما فی الذمه. ۶: نمازی که خوانده‌اند درست است. ۷: به چهار طرف بخواند. ۸: اگر مقدار کم باشد مانعی ندارد، ولی اگر انحراف در حد پشت به قبله باشد، باید دوباره نماز بخواند. ۹: اگر مجموع خون در لباس و آستر بیشتر از درهم (۲ ریالی) باشد، نماز باطل است.

بازی با کلمات

الف) ۱: سجده ۲: رکن ۳: اسلام ۴: آمین ۵: زمین ۶: خمس ۷: غسل ۸: ذکر ب) ۱: تقلید ۲: قلیل ۳: سجده ۴: زمین ۵: تکلیف ۶: موالات ۷: مردار

آیا می‌توانید؟

۱: ۱. نیت ۲. تکبیرة الاحرام ۳. قیام ۴. قراءت ۵. رکوع ۶. سجود ۷. ذکر ۸. تشهد ۹. سلام. ۲: ۱. نیت ۲. شستن صورت ۳. شستن دست راست ۴. شستن دست چپ ۵. مسح سر ۶. مسح پای راست ۷. مسح پای چپ. ۳: ۱. نیت ۲. دست زدن به چیزی که تیمم بر آن صحیح است ۳. کشیدن کف دو دست از بالای پیشانی تا بالای بینی ۴. مسح روی دست راست ۵. مسح روی دست چپ. ۴: ۱. برخورد با چهره عبوس ۲. نهی زبانی ۳. توسل به زور ۵: ۱. نیت ۲. شستن سر و گردن ۳. شستن طرف راست ۴. شستن طرف چپ. ۶: ۱. نماز صبح ۲. نماز ظهر ۳. نماز عصر ۴. نماز مغرب ۵. نماز عشا. ۷: ۱. تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد ۲. عدم دسترسی به آب ۳. با استفاده آب موجود جان خود یا دیگری از تشنگی به خطر بیفتد ۴. استفاده آب بر بدن و یا مرض انسان ضرر داشته باشد ۵. کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی‌ماند ۶. اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد. مانند اینکه آب یا ظرف غصبی است ۷. وقت تنگ باشد. ۸: ۱. مکان غصبی باشد ۲. ادرار یا مدفوع از او خارج شود یا بخوابد ۳. خنده ۴. گریه ۵. انحراف از قبله ۶. دست روی دست گذاشتن ۷. آمین گفتن ۸. حرف بی جا زدن ۹. خارج شدن از حال نماز، مثل به هوا پریدن ۱۰. خوردن و آشامیدن ۱۱. شک در نماز دو رکعتی ۱۲. اضافه کردن رکن نماز. ۹: ۱. ماموم از امام جماعت جلوتر نباشد ۲. فاصله بیش از یک قدم بزرگ نباشد ۳. نباید بین امام و ماموم حائل باشد ۴. مکان ماموم پایینتر از امام نباشد.

به من بگو

۱: نماز صبح. ۲: نماز جمعه. ۳: نماز آیات. ۴: نماز مغرب. ۵: رساله. ۶: مجتهد. ۷: تقلید. ۸: فتوی. ۹: غفیله. ۱۰: قبا. ۱۱: اموی. ۱۲: مکه.

احکام الفبایی

الف) ۱: امر به معروف. ۲: آیات. ۳: اسلام. ۴: استحاله. ۵: ادرار. ۶: باران. ۷: مضاف. ۸: اسلام (گفتن شهادتین). ۹: سگ و خوکی که تبدیل به نمک و چوب نجسی که تبدیل به خاکستر و یا شرابی که تبدیل به سرکه شوند. ۱۰: آب قلیل. ب) ۱۱: باران. ۱۲: خیر. ۱۳: فشار دادن لازم نیست و یک بار اگر بر چیز نجس بیارد پاک می‌شود. ۱۴: بلی. ۱۵: بلی. ۱۶: حلال گوشت. ۱۷: بلی، و اگر

باران بسیار تند باشد بطوری که محل مسح سر خیس شود، باید به هنگام مسح آن را خشک نمود. پ) ۱۸: پاک بودن بدن و مکان نمازگزار. ۱۹: آفتاب. ۲۰: در مرد پوشیدن عورتین و در زن تمام بدن حتی سر و مو ولی پوشاندن صورت و دستها و پاها تا مچ لازم نیست. ت) ۲۱: تکبیرة الاحرام. ۲۲: بلی. ۲۳: طبق فتوای امام باید یک بار، ولی ۳ بار، مستحب است. ۲۴: چون چهار ذکر جداگانه است (تسیح، تهلیل، تکبیر و تحمید). ج) ۲۵: نماز میت. ۲۶: نماز مستحبی. ۲۷: جماعت. ۲۸: جمعه. ۲۹: نماز عید فطر. ۳۰: نماز عید قربان. ۳۱: نماز عید فطر. ۳۲: نماز آیات. ۳۳: نماز جمعه. ۳۴: نماز میت. ۳۵: آب جاری. ۳۶: جیره. چ) ۳۷: چاه و چشمه. ۳۸: چاه. ۳۹: چک. ۴۰: چوب، خاک، سنگ، زغال، سفال، برگ و کاغذ. ۴۱: خوردن، خندیدن، گریه کردن، حرف زدن، ادرار و مدفوع. ۴۲: گندم، جو، کشمش، گاو، گوسفند و شتر. ۴۳: معدن، گنج، مازاد بر درآمد، پول و مالی که سال بر آن گذشته باشد. ۴۴: ارث، جهیزیه، بخشش، هدیه و مالی را که یک بار خمس آن داده شده است. ۴۵: چوب. ۴۶: چوپان - چوبدار. ۴۷: ابتدا نیت می‌کنیم و سپس صورت را می‌شوئیم و بعد دستها را از آرنج تا سر انگشتان و آنگاه با دست راست مسح پای راست و پس از آن با دست چپ مسح پای چپ را می‌کشیم. ۴۸: ابتدا نیت می‌کنیم و بعد دستها را به چیزی که تیمم بر آن صحیح است می‌زنیم و سپس کف دو دست را از بالای پیشانی تا بالای بینی می‌کشیم. ۴۹: ابتدا نیت می‌کنیم سپس سر و گردن و بعد طرف راست و بعد طرف چپ را می‌شوئیم. ۵۰: حج. ۵۱: حنوط. ۵۲: کاری که انجام آن ممنوع است، مانند دزدی، زنا، دروغ و... ۵۳: پیرامون و گرداگرد خانه و مکانی که حمایت از آن واجب است. خ) ۵۴: خاک. ۵۵: خون. ۵۶: خوک. ۵۷: خوک. ۵۸: ظرفی که سگ از آن چیز روانی بخورد. د) ۵۹: دزدی. ۶۰: دفاع. ۶۱: دعوا کردن. ۶۲: دروغ. ذ) ۶۳: ذکر. ۶۴: ذکر واجب. ۶۵: بحول الله. ۶۶: ذکرهای مستحبی که به نیت ذکر مطلق گفته شود. ۶۷: تسیحات اربعه. ۶۸: سبحان ربی العظیم و بحمده. ۶۹: سبحان ربی الاعلی و بحمده. ر) ۷۰: رکن. ۷۱: رکوع. ۷۲: خم شدن، آرام بودن بدن و ذکر مخصوص. ۷۳: رهن. ز) ۷۴: زمین. ۷۵: زکات. ۶: زکات فطره. ۷۷: زکات. س) ۷۸: سجده. ۷۹: سهو، شکر، فراموش شده، سجده واجب نماز و سجده واجب به هنگام شنیدن آیات سجده. ۸۰: سهو. ۸۱: سجاده. ۸۲: سنگ، کلوخ، چوب و برگ. ۸۳: هفت عضو بدن. ۸۴: سلام. ۸۵: اسلام. ۸۶: پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها. ش) ۸۷: شراب. ۸۸: ۲۳ تا. ۸۹: ۹ تا. ۹۰: ۸ تا. ۹۱: ۶ ص. ۹۲: صلوات. ۹۳: صید. ۹۴: زکات. ۹۵: صدقات و انفاقات مستحبی. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۹۱ مساله ۳. ۹۶: بلی. ۷: خیر. ۹۸: تظاهر به فسق نکند و نیازمند باشد. ۹۹: گذشت طرفین از مال یا حقی؛ مانند اینکه می‌گوید: یک سیب را مصالحه می‌کنیم به ده تومان. ۱۰۰: ضرر نداشته باشد. ۱۰۱: ضامن. ۱۰۲: ضروری دین. ط) ۱۰۳: طهارت. ۱۰۴: طواف. ۱۰۵: طوفان شدید. ط) ۱۰۶: غصبی و طلا و نقره. ۱۰۷: غصبی. ۱۰۸: ۳ بار. ۱۰۹: پاک باشد، طلا و نقره نباشد، غصبی نباشد. ع) ۱۱۰: نمازهایی که به ترتیب اند؛ از عصر به ظهر، از عشا به مغرب. ۱۱۱: نمازهایی که به ترتیب اند، از نماز قبل به نماز بعدی. ۱۱۲: در صورتی که هر دو مساوی باشند. ۱۱۳: عدالت. ۱۱۴: عاریه. ۱۱۵: عبادت. ۱۱۶: عرفات. ۱۱۷: عهد. غ) ۱۱۸: غصب. ۱۱۹: غسل. ۱۲۰: غش. ۱۲۱: شنیدن غیبت. ۱۲۲: غایب شدن مسلمان. ف) ۱۲۳: فتوا. ۱۲۴: فطره. ۱۲۵: فاسق. ۱۲۶: فحش. ۱۲۷: فرایض. ق) ۱۲۸: قیام. ۱۲۹: قیام متصل به رکوع. ۱۳۰: قراءت. ۱۳۱: قسم. ۱۳۲: باید ده نفر را طعام یا لباس بدهد و اگر نتوانست سه روز روزه باید بگیرد. ۱۳۳: قنوت. ۱۳۴: قربت. ۱۳۵: قصاص. ۱۳۶: قمار. ک) ۱۳۷: کافر. ۱۳۸: کفار. ۱۳۹: مکر. گ) ۱۴۰: گندم. ۱۴۱: گنج. ۱۴۲: در صورتی که کمتر از درهم باشد و یا اصلاً نشانه ندارد و یابنده نیازمند باشد. ۱۴۳: اگر بیش از درهم باشد و نشانه هم داشته باشد. ۱۴۴: در صورتی از زمین بردارد و مال هم نشانه داشته باشد. ل) ۱۴۵: نجس و غصبی. ۱۴۶: پاک و مباح. ۱۴۷: آلوده به خونی که کمتر از درهم باشد و یا لباس کوچک باشد، مانند جوراب. ۱۴۸: پاک باشد، مباح باشد و برای مردان ابریشم و طلا باف نباشد. م) ۱۴۹: مستحب. ۱۵۰: مکروه. ۱۵۱: معدن. ۱۵۲: مساکین. ۱۵۳: یتیم و فقیر از سادات. ۱۵۴: مسکین، ابن سبیل و بدهکاری که نمی‌تواند بدهی خود را بدهد. ۱۵۵: آب نباشد، عدم دسترسی به آب، آب ضرر داشته باشد و تنگی وقت. ۱۵۶: برای رفع خطر مالی و جانی، برای ادای دین و بدهی و کسی که اذان و

اقامه را نگفته و وقت هم دارد، مستحب است نمازش را بشکند و اذان و اقامه بگوید. ۱۵۷: خنده، گریه، خوردن، آشامیدن، خواب، حرف زدن، انحراف از قبله. ۱۵۸: آب، آفتاب، زمین، اسلام، استحاله، تبعیت و انتقال. ۱۵۹: مسجد. ن. ۱۶۰: نذر. ۱۶۱: نگاه حرام. ۱۶۲: نیت. ۱۶۳: نسیه. (و) ۱۶۴: وصیت. ۱۶۵: وضو و وقت‌شناسی. ۱۶۶: وضو. ۱۶۷: وکالت. ۱۶۸: وقف. ۱۶۹: ودیعه. (ه) ۱۷۰: هبه. ۱۷۱: هجو. ۱۷۲: هجرت. (ی) ۱۷۳: یاس از رحمت الهی. ۱۷۴: بلی.

در چه صورت

۱ اگر سهوا باشد، فقط سجده سهو می‌خواهد و اگر در قنوت باشد، سجده سهو هم نمی‌خواهد، در صورتی که دعا باشد. ۲: اگر وضو نداشته باشد. ۳: اگر خود انسان مجتهد باشد. ۴: اگر هر دو مساوی باشند. ۵: لباس کوچک باشد، مثل جوراب، یا بعد از نماز بفهمد که لباس او نجس است و یا خونی بیشتر از اندازه دو ریالی در لباسش نباشد. ۶: اگر بدنش گرم باشد. ۷: در شش صورت که در رساله‌ها آمده است. ۸: در صورتی که قسم به نام الله و عمل نکردن نیز عمدا باشد. ۹: در صورتی که کمتر از درهم باشد و نشانی هم نداشته باشد. ۱۰: برای گفتن اقامه. ۱۱: در صورتی که پدر امر کند و یا کسی که در نماز وسواس دارد. ۱۲: اگر از روی مشما و مانع باشد. ۱۳: در صورتی که سفرش حرام باشد و یا دائم السفر باشد. ۱۴: در صورتی که رنگ یا بو یا طعم آن به وسیله نجس تغییر کند. ۱۵: در صورتی سوره‌های «فیل» و «قریش» و «انشراح» و یا «الضحی» را بخواند. ۱۶: در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشند. ۱۷: اگر وقت خاص عصر باشد. ۱۸: در جماعت باشد. ۱۹: اگر با قصد لذت باشد. ۲۰: در نماز جماعت. ۲۱: اگر نماز احتیاط.

در کجا

۱: در قنوت. ۲: مسجد الحرام مسجد النبی، مسجد کوفه و کربلا. ۳: مسجد الحرام و مسجد النبی. ۴: مساجد و مشاهد مشرفه معصومین - علیهم السلام. ۵: مسجد الحرام. ۶: حد ترخص. ۷: جایی که قصد ده روز نموده باشد و یا وطنش باشد.

او کیست؟

۱: امام حسین (ع). ۲: امام صادق (ع). ۳: شهید قاضی طباطبایی. ۴: بوعلی. ۵: امام خمینی (ره). ۶: میرزای شیرازی.

به من بگو ضد مرا

۱: مضاف. ۲: نجاست. ۳: کفر. ۴: منکر. ۵: تمام. ۶: اخفات - آهسته. ۷: باطل. ۸: مکروه. ۹: حرام. ۱۰: افطار. ۱۱: راکد. ۱۲: غضب. ۱۳: افطار. ۱۴: قضا. ۱۵: با فاصله کاری را انجام دادن. ۱۶: اجباری. ۱۷: نقد. ۱۸: فسخ. ۱۹: تقلید. ۲۰: فاسق.

احکام فرق این دو کلمه چیست

۱: فتوا نظر قطعی مجتهد است و نمی‌توان به مجتهد دیگر رجوع نمود، برخلاف احتیاط. ۲: رکن چه سهوا و چه عمدا ترک شود، نماز باطل است بر خلاف واجب. ۳: وقف ثابت است و کسی نمی‌تواند آن را مالک بشود، بر خلاف هبه و بخشش. ۴: جاهل قاصر کسی است که در به دست آوردن حکم شرعی کوتاهی نکرده باشد و جاهل مقصر کسی است که کوتاهی کرده است. ۵: جهاد، جنگ در راه دین است، ولی دفاع اعم از جهاد است به معنای حمایت و حفظ مال، جان و ناموس. ۶: حد مقدار مخصوص و معینی دارد بر خلاف تعزیر. ۷: محرم نسبی ارث می‌برد، برخلاف اولی که ارث نمی‌برد. ۸: کافر حربی حرمتی ندارد، بر خلاف کافر ذمی.

۹: دائم السفر نمازش کامل است، ولی مسافر شکسته. ۱۰: مسافر نمازش شکسته است بر خلاف حاضر در وطن خود. ۱۱: چیزی که عاریه است، می‌توان استفاده نمود بر خلاف امانت. ۱۲: در اجاره پولی بابت اجاره می‌دهند و در رهن وامی در قبال رهن می‌گیرند. ۱۳: ولی فقیه مرجع تقلیدی است که حاکم بر جامعه اسلامی است و اطاعت دستور او بر همه و حتی بر مراجع تقلید واجب است، اما فتاوی مرجع تقلید تنها بر مقلدان او واجب است. ۱۴: در غسل ترتیبی، ترتیب شرط است، برخلاف غسل ارتماسی که بعد از نیت، یکدفعه بدن را در میان آب قرار می‌دهیم. ۱۵: نماز ظهر را آهسته و عشا را بلند می‌خوانیم. ۱۶: ترتیب، نظم در افعال و موالات، فاصله ایجاد نکردن است. ۱۷: نجاست نجس از خودش است و بی‌نهایت نجس می‌کند برخلاف منتجس. ۱۸: ترک واجب گناه است بر خلاف مستحب. ۱۹: فعل حرام معصیت دارد بر خلاف مکروه. ۲۰: با آب مطلق می‌توان وضو و غسل گرفت بر خلاف آب مضاف. ۲۱: سفیدی که در مشرق پهن می‌شود، ولی صبح کاذب از مشرق به بالا می‌رود.

درباره من چه می‌دانید

۱: فتاوی مجتهد است که به حد قطع نرسیده و می‌توان در چنین مسائلی از شخص دیگری تقلید نمود. ۲: مجتهدی که مورد توجه و تقلید گروهی است که در افعال و تکالیف شرعی خود به او رجوع می‌کنند. ۳: رهبری سیاسی و مذهبی و فقیه و آشنا به مبانی اسلامی که توسط خبرگان از بین مجتهدان برگزیده می‌شود. ۴: کسی که قدرت استنباط و استخراج احکام را دارد. ۵: طلب فتوا و سؤال از فقیه را گویند. ۶: نظریه مجتهد را گویند. ۷: سجده‌ای که به خاطر اشتباه در نماز بعد از نماز انجام می‌شود. ۸: پیمانی است با خدا همچون نذر که اما بدون شرط و درخواست. ۹: آبی که به آن آب تنها نمی‌گویند، بلکه از چیزی گرفته شده یا با چیزی مخلوط شده است. ۱۰: آبی که کمتر از کر باشد. ۱۱: مقدار آبی که از نظر وزن ۳۷۷.۴۱۹ کیلو گرم و از نظر حجم، هر یک از طول و عرض و عمق آن ۵/۳ وجب باشد. ۱۲: دستور و نظریه مقام معظم رهبری است که باید همه مردم و حتی فقهای دیگر از آن متابعت کنند. ۱۳: جریمه‌ای برای ترک عبادات و یا فعل حرام است. ۱۴: خارج کردن یک پنجم مالی که خمس به آن تعلق می‌گیرد و باید آن را در زمان غیبت به مراجع تقلید داد. ۱۵: دوست داشتن معصومین و صالحان و مؤمنان (دوستان خدا). ۱۶: دشمنی با دشمنان دین و اهل بیت -علیهم السلام. ۱۷: مالیاتی است که اهل ذمه می‌پردازند. ۱۸: پیروی از فتاوی مجتهد است. ۱۹: حبس مال و مصرف کردن منافع آن در اموری که واقف معین کرده است؛ مثل وقف خانه برای مسافران یک شهر یا زیارتگاه. ۲۰: امر به معروف یعنی وادار کردن دیگران به کارهایی که از نظر دین مطلوب است و نهی از منکر، جلوگیری از کارهایی است که از نظر اسلام ناپسند است. ۲۱: عبارت است از کنار گذاشتن و بخشیدن درصد معینی از غلات و چیزهایی که زکات دارد، اگر به حد نصاب برسند. ۲۲: گرو گذاشتن کالایی که به اندازه ارزش آن چیزی قرض کنند. ۲۳: مراعات جوانب حکم و اختیار بهترین راه. ۲۴: کسانی هستند که در کشور اسلامی زندگی مسالمت آمیز دارند و به عنوان اقلیتهای مذهبی رسمی مطرح هستند. ۲۵: کاری که ترک آن بهتر است. ۲۶: زیادتی که در معامله یا قرض گرفته می‌شود. ۲۷: پولی که به ناحق از ارباب رجوع، در دادگاهها و یا ادارات گرفته می‌شود. ۲۸: تصرف عدوانی و نابحق در اموال مردم. ۲۹: به معنای کوشش و در اصطلاح فقه، استنباط مسائل شرعیه از منابع فقهی مانند قرآن، حدیث و...

مرحله بعد آن چیست؟

الف: تکبیرة الاحرام. ج: رکوع. ب: سجود. د: سلام. ه: رکوع. ۲: ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله. ۳: دو سجده سهو به جا می‌آورد. ۴: نیت نماز. ۵: شستن صورت. ۶: زدن دست‌ها بر خاک. ۷: طرف راست. ۸: ایراد خطبه‌ها. ۹: امر به معروف.

نام دیگر آن چیست؟

۱: عقد. ۲: موالات. ۳: فسخ. ۴: قضا. ۵: قبله‌شناسی. ۶: قرض. ۷: قراءت. ۸: عیدقربان. ۹: نماز هدیه. ۱۰: جزیه.

احکام معمایی

۱: نیت. ۲: اعتکاف، اصل آن مستحب است، ولی خارج شدن از محل اعتکاف، بدون عذر حرام است. ۳: سلام، جواب آن واجب است. ۴: آفتاب. ۵: میهمان. ۶: اسلام. ۷: آفتاب. ۸: بام کعبه. ۹: در مکان غضبی. ۱۰: مرکبی که آب بر روی آن بوده و شخص برای نمازش تیمم کرده و در بین نماز مرکبش می‌رسد. ۱۱: نماز میت سجده ندارد که سر به تابوت بخورد. ۱۲: جوجه و پرنده در شکم حیوان سالم نمی‌ماند تا حلال باشد یا حرام. ۱۳: توت. ۱۴: خون نمی‌آید. ۱۵: آفتاب. ۱۶: روزه. ۱۷: ده آخر بحمده که در آخر ذکر رکوع و سجده آمده. ۱۸: مسافر بوده. ۱۹: انگور. ۲۰: چاه. ۲۱: سلام. ۲۲: خاک. ۲۳: نماز آیات. ۲۴: امر به معروف. ۲۵: پانزده سال تکلیف نداشته و چند سال را به جماعت خوانده است. ۲۶: نباید ماموم حمد و سوره بخواند. ۲۷: انار نام شهر خودشان است. ۲۸: نام کشورشان است. ۲۹: نماز میت. ۳۰: رکوع. ۳۱: احتیاط. ۳۲: بلی چون خودش مجتهد است. ۳۳: تکبیر مردم ایران. ۳۴: آب کر مضاف. ۳۵: اگر خشک باشند. ۳۶: هفده رکعت نماز. ۳۷: نماز میت. ۳۸: زمین. ۳۹: نماز میت. ۴۰: سجده. ۴۱: «اللهم صل علی محمد و آل محمد». ۴۲: سجاده. ۴۳: آب کر. ۴۴: یکی از آن دو آب مقداری یخ زده. ۴۵: نجاست در کنار بوده و آب بوی آن را گرفته. ۴۶: سلام. ۴۷: خمس. ۴۸: ماه رمضان که در تاریکی شب می‌توان خورد و در روز نمی‌شود.

جواب آن چیست؟

۱: خیر (مساله ۲۸۵). ۲: خیر (البته اگر خود شخص مقصر نباشد). ۳: لازم نیست. ۴: خیر (مساله ۲۷۴). ۵: خیر (مساله ۲۷۱). ۷: بلی. ۷: بلی. ۸: بلی (مساله ۲۶۵). ۹: بلی. ۱۰: خیر. ۱۱: خیر. ۱۲: خیر.

سؤالهایی از یک نماز دو رکعتی

۱: چهار تا - نیت، تکبیره الاحرام، قنوت و تشهد. ۲: چهار تا - دو سجده، دو رکوع، دو حمد و دو سوره. ۳: یکی و آن سلام است (سه سلام بعد از تشهد در نماز). ۴: یکی و آن چهار سجده در کل نماز است. ۵: یکی (ارکان نماز). ۶: یکی (هفت عضوی که در سجده باید به زمین بیاید). ۷: یکی؛ مقارنات نماز (کل واجبات نماز).

اسمش چیست؟

۱: سوره. ۲: قنوت. ۳: وضو. ۴: قسم. ۵: جبیره. ۶: ماموم. ۷: نیت. ۸: مکروه. ۹: فتوا. ۱۰: فطریه. ۱۱: وضو. ۱۲: رکوع. ۱۳: موالات و ترتیب. ۱۴: تقلید. ۱۵: امر به معروف. ۱۶: مرجع تقلید. ۱۷: تحیت یا نماز تحیت. ۱۸: سهو. ۱۹: امانت. ۲۰: عاریه. ۲۱: سهو. ۲۲: تقلید. ۲۳: جبیره. ۲۴: میت. ۲۵: ارث. ۲۶: واجب عینی (مانند نماز). ۲۷: واجب کفایی (مثل دفن میت). ۲۸: مباح. ۲۹: کفاره. ۳۰: غسل. ۳۱: شاخص. ۳۲: اهل ذمه. ۳۳: نافله. ۳۴: طولانی‌ترین نافله، نماز جعفر طیار و کوتاهترین نماز نافله، نافله عشا است که وتیره نام دارد. ۳۵: نماز آیات برای خورشید گرفتگی. ۳۶: تسیحات اربعه. ۳۷: تکلیف. ۳۸: تقیه. ۳۹: نماز میت. ۴۰: تقلید. ۴۱: تلبیه. ۴۲: تیمم. ۴۳: ثقل. ۴۴: تولی و تبری. ۴۵: تبعیت. ۴۶: کربلا. ۴۷: رکن. ۴۸: احرام. ۴۹: غنیمت. ۵۰: خمس.

۱: تماس همراه با تری. ۲: یقین خود انسان؛ کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است. شهادت دو نفر عادل و بنا بر احتیاط واجب اگر یک نفر هم بگوید کافی است. ۳: شهادت دو عادل اهل خبره، شهرت علمی و یقین خود انسان با توجه به شناخت علمی که دارد. ۴: دیدن از رساله درست و بی غلط، شنیدن از خود مجتهد، شنیدن از دو نفر عادل، شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راستگوست. ۵: بعد از بر طرف کردن عین نجاست، دوبار باید شسته شود و غسل آن خارج شود (یعنی باید بعد از شستن لباس آن را فشار بدهند). ۶: ۱ وزن آب ۳۷۷.۴۱۹ کیلو گرم باشد؛ ۲ طول و عرض و عمق ظرف هر یک ۵/۳ وجب باید باشد. ۷: به فارسی یا عربی بگوید - برای خدا بر من واجب است که مثلاً صد تومان به مسجد بدهم، اگر مریض من خوب شود. ۸: پانزده مرتبه یا یک شبانه روز به او باید شیر کامل بدهند یا شرایط دیگری که در مساله ۲۴۷۴ گفته شده است. ۹: به خاطر خدا و همراه با آگاهی از احکام باشد. ۱۰: ظرفی که سگ از آن چیز روانی خورده یا آن را لیسیده ابتدا باید خاکمال شود و سپس با آب کر یا جاری دوبار شسته شود ولی در خاکمال لازم نیست و باید هفت مرتبه با آب قلیل شسته شود (مساله ۱۵۲). ۱۱: باید با کارد یا نیزه تیز یا شمشیر برنده باشد و شکارچی مسلمان باشد و با نام خدا آن را بکشد و... (مساله ۲۶۰۱). ۱۲: استبرا. ۱۳: اسلام آوردن. ۱۴: کم شدن دو سوم آن. ۱۵: قبل از رسیدن سر سال، نیازهای واقعی خود را بخرد و یا به نزدیکان خود ببخشد. ۱۶: با عمل، با نرمش و با آگاهی دادن و محبت. ۱۷: ابتدا باید چربی ظرف و بدن را بر طرف کرد و بعد آب کشید. ۱۸: دوبار با آب قلیل شسته شود (مساله ۱۶۰).

واحد بعضی از احکام؟

۱: جلد. ۲: باب. ۳: رکعت. ۴: دفعه و مرتبه. ۵: روز. ۶: شک.

اولین‌ها

۱: حضرت سلیمان. ۲: قبا. ۳: دستها را به نیت گفت تکبیره الاحرام به بالا- می‌بریم تا برابر گوشها. ۴: نماز. ۵: تکبیره الاحرام. ۶: شستن صورت. ۷: طهارت. ۸: بیت المقدس. ۹: حضرت آدم. ۱۰: مصعب بن عمیر در مدینه. ۱۱: حضرت علی. ۱۲: شهید قاضی طباطبایی. ۱۳: حضرت آدم که سه روز در هر ماه روزه می‌گرفت. ۱۴: هابیل. ۱۵: تقلید. احکام آخرین ۱: سجده. ۲: سلام. ۳: توسل به زور. ۴: افطار. ۵: رمی جمرات. ۶: عرق شتر نجاستخوار. ۷: غایب شدن مسلمان. ۸: در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد. ۹: غسل میت. ۱۰: وصیت. ۱۱: وقت تنگ باشد. ۱۲: نمازی که بوسیله نذر و قسم واجب می‌شود. ۱۳: دیدار مؤمنان. ۱۴: کفن.

چه کلمه‌ای هستیم؟

۱: ارکان نماز. ۲: رکوع. ۳: متصل به رکوع. ۴: قبله. ۵: غضبی. ۶: نجس. ۷: تکبیر. ۸: قراءت. ۹: اذان و اقامه. ۱۰: وضو. ۱۱: به ترتیب. ۱۲: طلا باف و ابریشم خالص. ۱۳: خشوع. ۱۴: نیت. ۱۵: باطل. ۱۶: جماعت. ۱۷: آرامش. ۱۸: حمد. ۱۹: باطل می‌کند. ۲۰: آهسته بخوانیم. ۲۱: احتیاط. ۲۲: زکات. ۲۳: نجس. ۲۴: پاک. ۲۵: خون. ۲۶: آهسته. ۲۷: مستحب. ۲۸: آرام. ۲۹: ارکان. ۳۰: جلوتر یا حداقل موازی باشد. ۳۱: یک قدم بزرگ باشد. ۳۲: مانع و حایل. ۳۳: بلندتر. ۳۴: تیمم. ۳۵: نماز آیات. ۳۶: حرام. ۳۷: خشک. ۳۸: نماز استسقا (نماز باران). ۳۹: فرایض. ۴۰: نوافل. ۴۱: می‌توان (با هر کدام که باشد) (۱). ۴۲: غسل. ۴۳: مستحب. ۴۴: نباید. ۴۵: مکروه. ۴۶: صحیح است (مساله ۱۷۱۹). ۴۷: نیست. ۴۹: مکروه.

من چیستم؟

۱: آب مضاف. ۲: قدس. ۳: کعبه. ۴: غصه. ۵: روزه. ۶: محراب. ۷: نیت. ۸: تشهد.

در نجاست؟

۱: مکه. ۲: در فلسطین اشغالی (بیت المقدس). ۳: مسجد کوفه، در عراق. ۴: در عربستان (مسجد ضرار). ۵: در هندوستان (مسجد بابر). ۶: در عربستان (مدینه). ۷: در سوریه (مسجد اموی). ۸: در قم (مسجد اعظم). ۹: در مکه (عربستان).

چه شماره‌های هستم؟

۱: ۲ رکعت. ۲: ۱۷ رکعت. ۳: ۷ تا. ۴: ۶. ۵: ۱۰. ۶: ۱۳. ۷: ۳. ۸: ۳. ۹: ۷. ۱۰: ۶. ۱۱: ۲۳. ۱۲: ۸. ۱۳: ۶۰. ۱۴: ۱۰ نفر را طعام یا لباس بدهد. ۱۵: ۱۱. ۱۶: ۵. ۱۷: ۴.

احکام شماره‌ای

۱: ۴. ۲: ۳. ۳: ۲. ۴: ۱۱. ۵: ۱۷. ۶: ۵۱. ۷: ۹ سال تمام. ۸: ۱۵. ۹: ۳۴. ۱۰: ۳۳. ۱۱: ۶۰۰۰. ۱۲: ۶. ۱۳: ۱۱. ۱۴: ۳۴. ۱۵: ۱۰۰۰. ۱۶: ۷. ۱۷: ۱۱. ۱۸: ۱۵۰. ۱۹: ۶۰۰. ۲۰: ۶. ۲۱: ۱۰. ۲۲: ۱۱. ۲۳: ۷. ۲۴: ۱۰. ۲۵: ۷. ۲۶: ۴. ۲۷: ۶. ۲۸: ۱۱.

به من بگو کدام است؟

۱: آب انگور. ۲: حیوان حلال گوشت. ۳: کافر. ۴: مو و ناخن. ۵: غیر جهنده و خونی که داخل بدن حیوانات حلال گوشت پس از ذبح وجود دارد. ۶: نجاست‌خوار. ۷: دریایی. ۸: کر. ۹: زمین و اشیای غیر منقول. ۱۰: احتیاطی. ۱۱: سوره‌های سجده. ۱۲: محتاط. ۱۳: نماز عید فطر و عید قربان در زمان غیبت و نماز استسقا. ۱۴: اجزایی که رکن نماز هستند. ۱۵: شک بین ۱ و ۲. ۱۶: ارتماسی. ۱۷: تیره. ۱۸: تحیت. ۱۹: روزه. ۲۰: مضاف و غصبی. ۲۱: احتیاط. ۲۲: ارتماسی. ۲۳: موالات. ۲۴: جمعه. ۲۵: متنجس به ادرار پسر بچه شیرخوار. ۲۶: ادرار. ۲۷: ظرف نجس. ۲۸: ظرفی که خوک از آن چیز روانی خورده باشد. ۲۹: از حیوان غیر جهنده (و تخم مرغ). ۳۰: عرق نعناع. ۳۱: رکعت دوم نماز جمعه. ۳۲: سنگ استنجا و ظرفی که در آن انگور بعد از غلیان، سرکه می‌شود. ۳۳: افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا (زیرا از آیه‌های سجده دار قرآن است). ۳۴: مقصر. ۳۵: سلف. ۳۶: نسبت دروغ به خدا و پیامبر (ص) دادن. ۳۷: نسبت دروغ به خدا و معصومین (ع). ۳۸: نسبت دروغ به خدا و معصومین (ع). ۳۹: سر به زیر آب بردن. ۴۰: مستحبی و قبل از ظهر. ۴۱: مس میت. ۴۲: استحاضه. ۴۳: روزه داری که سهواً افطار کند. ۴۴: نجات غرق. ۴۵: کسی که روزه گرفتن برایش مشقت دارد. ۴۶: افطار با حلال. ۴۷: با حرام. ۴۸: کسی که به قسم خود عمل نکرده است (البته اگر نتواند ده نفر را اطعام کند یا لباس بپوشاند. ۴۹: غم و غصه و قسم. ۵۰: مسافر و مریض. ۵۱: مریض. ۵۲: دایم السفر.

احکام رمزی

۱: نیت، تکبیر الاحرام، رکوع، قیام و سجده. ۲: یومیه، آیات، میت، نذر، قضا و طواف. ۳: نیابتی، جبیره، ارتماسی و ترتیبی. ۴: آب وضو پاک باشد. به جدول شرایط وضو مراجعه شود. ۵: طهارت، ازاله نجاست، ستر و پوشش، قبله شناسی، مکان نماز غصبی و وقت شناسی.

احکام تستی

الف: ۲. الف: ۳. ج: ۴. الف: ۵. الف: ۶. د: ۷. الف: ۸. ب: ۹. الف: ۱۰. ج: ۱۱. ج: ۱۲. د: ۱۳. الف: ۱۴. ب: ۱۵. الف: ۱۶. د: ۱۷. الف: ۱۸. ب: ۱۹. الف: ۲۰. د: ۲۱. د: ۲۲. الف: ۲۳. ج: ۲۴. ب: ۲۵. الف: ۲۶. ب: ۲۷. الف: ۲۸. ب: ۲۹. الف: ۳۰. الف: ۳۱. د: ۳۲. د: ۳۳. الف: ۳۴. د: ۳۵. الف: ۳۶. ب: ۳۷. ج: ۳۸. د: ۳۹. ب: ۴۰. د: ۴۱. ب: ۴۲. د: ۴۳. د: ۴۴. ب: ۴۵. ج: ۴۶. د: ۴۷. الف: ۴۸. د: ۴۹. د: ۵۰. ب:

نامش چیست

۱: واجب (مثل رمضان). ۲: حرام (عید فطر و قربان). ۳: کفار. ۴: نیابتی (استیجاری). ۵: نذر. ۶: روزه قضای پدر. ۷: وصال. ۸: اعتکاف. ۹: عاشورا. ۱۰: یک مد. ۱۱: زکات فطره. ۱۲: یک صاع. احکام سه بعدی تقلید (الف: جاهل. ب: مجتهد. ج: عالم. ۲) الف: دومی مساوی با اولی باشد. ب: دومی اعلم باشد. ج: در صورتی که خود شخص مجتهد باشد. ۳) الف: در فتوا. ب: در احتیاط واجب. ج: در صورتی که اولی از دنیا برود یا دومی اعلم باشد. ۴) الف: دومی اعلم باشد. ب: هر دو مساوی باشند. ج: اولی اعلم باشد. پاسخهای احکام سه بعدی نجاسات و پاک کننده‌ها (۵) الف: غیر جهنده. ب: جهنده. ج: خون باقیمانده در میان جگر و گوشت. ۶) الف: سگ. ب: گوسفند. ج: گربه و خرگوش. ۷) الف: کافر به غیر خدا. ب: کافر به خدا و مقدسات. ج: کافر به طاغوت (فمن یکفر بالطاغوت). ۸) الف: حیوانی که خون جهنده ندارد. ب: سگ و خوک. ج: انسان مرده. ۹) الف: ادرار ب: ظرفی که سگ از آن چیز روانی خورده باشد. ج: خونی که در آب دهان از بین برود و نجاساتی که به حیوان حلال گوشت در حین نشستن یا راه رفتن برخورد می‌کند. ۱۰) الف: کافر که با گفتن شهادتین پاک می‌شود. ب: نجاست عارضی مسلمان (مثل خون دماغ شدن). ج: عرق شتر نجاستخوار. ۱۱) الف: استحاله. ب: اسلام. ج: آفتاب. ۱۲) الف: مطلق. ب: مضاف. ج: رنگ و بوی آن به واسطه نجس تغییر کرده باشد. ۱۳) الف: کف پا و کف کفش. ب: کافر. ج: خون. ۱۴) الف: شراب و سرکه. ب: ادرار. ج: زمین نجس. ۱۵) الف: قلیل. ب: کرم. ج: مضاف. ۱۶) الف: شتر نجاستخوار. ب: نعنا. ج: عرق جنب از حرام. ۱۷) الف: ظرفی که سگ از آن چیز روانی خورده یا آن را لیسیده باشد. ب: سگ و خوک و عرق شتر نجاستخوار. ج: ادرار. ۱۸) الف: ظرف نجس. ب: لباس نجس. ج: ادرار پسر بچه‌ای که غذاخور نشده است. ۱۹) الف: ادرار پسر بچه‌ای که غذا خور نشده است. ب: ادرار. ج: ظرفی که خوک از آن چیز روانی خورده باشد. ۲۰) الف: خشک باشد. ب: آب قلیل باشد و نیز مایعات. ج: جامد بودن. ۲۱) الف: حیوانی که خون جهنده ندارد. ب: سگ و خوک. ج: مو، شاخ، پشم و ناخن حیوانات حلال گوشت. احکام سه بعدی وضو ۲۲) الف: شستن دستها. ب: مسح پا. ج: مسح سر. ۲۳) الف: وضو برای نمازهای یومیه. ب: وضو برای نمازهای مستحبی. ج: وضو برای تلاوت قرآن. ۲۴) الف: وضو برای نماز با شرایط آن. ب: وضو برای هر کاری با شرایط آن. ج: وضو با آب غصبی. ۲۵) الف: جبیره. ب: ارتماسی. ج: ترتیبی. ۲۶) الف: وضو. ب: قنوت. ج: روزه. ۲۷) الف: نماز گزار. ب: شخصی که غسل جنابت کرده است. ج: برای کارهای مستحبی. ۲۸) الف: باید وضو بگیرد. ب: نمازش باطل است و باید وضو بگیرد. ج: نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد. ۲۹) الف: پاک. ب: مباح. ج: مطلق باشد. ۳۰) الف: غصبی. ب: مراکز عمومی عام المنفعه. ج: وقف خاص. ۳۱) الف: فرد سالم در شرایط عادی. ب: فردی که آب ندارد یا آب برای او ضرر دارد. ج: اگر بیش از یک عضو مانع داشته باشد. احکام سه بعدی «تیمم» ۳۲) الف: در صورتی که آب برای او ضرر داشته باشد و یا دسترسی به آب نداشته باشد و یک تیمم لازم است. ب: در غیر غسل جنابت، یک تیمم برای غسل و یک تیمم به جای وضو لازم است. ج: اگر موجبات غسل بیشتر باشد و غیر از جنابت باشد. ۳۳) الف: در جایی که آب ضرر داشته باشد یا دسترسی به آب نباشد. ب: اگر جبیره، تمام صورت یا تمام دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. (مساله ۳۳۰). ج:

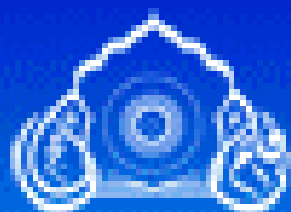
کسی که بر او غسل جنابت واجب شده است. احکام سه بعدی غسلها (۳۴) الف: شخص میت. ب: افراد معمولی. ج: افراد معمولی.

(۳۵) الف: بدن میت گرم باشد. ب: با دست تر به بدن و سر میت بزند. ج: دست تر به بدن گرم میت بزند. (۳۶) الف: جنابت. ب: سایر غسلها. ج: مس میت. (۳۷) الف: ناپاک (جنب و حائض). ب: شخص جنب و حائض. ج: شخص جنب و حائض. (۳۸) الف: مسجد الحرام و مسجد النبی. ب: در مشاهد معصومین و مساجد. ج: مشاهد غیر معصومین. (۳۹) الف: وضو. ب: غسل. ج: ارتماسی. (۴۰) الف: عضوی که سرد شده باشد. ب: دست خشک به عضو گرم بزند. ج: دست خشک به عضو سرد بزند. احکام سه بعدی نماز ۴۱ الف: معمولی. ب: نماز آیات. ج: نماز مغرب و عشا. (۴۲) الف: جمعه. ب: فطر. ج: معمولی. (۳) الف: سجده. ب: غیر سجده. ج: فیل و ایلاف - انشراح و الضحی. (۴۴) الف: وطن و جایی که قصد ده روز کرده ایم. ب: در سفر. ج: چهار مسجد: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم امام حسین (ع). (۴۵) الف: معمولی. ب: میت. ج: فطر. (۴۶) الف: یومیه. ب: نماز قضای پدر. ج: نماز شب. (۴۷) الف: یومیه. ب: احتیاط. ج: مستحبی. (۴۸) الف: در موارد هشت گانه (رجوع شود به رساله). ب: شش مورد. ج: نه مورد (به شکایات رساله مراجعه شود). (۴۹) الف: نه تا. ب: هشت تا. ج: شش تا. (۵۰) الف: وتر و احتیاط. ب: صبح. ج: مغرب. (۵۱) الف: یومیه، مثل صبح. ب: جمعه. ج: فطر. (۵۲) الف: وتر و احتیاط ایستاده. ب: نمازهای چهار رکعتی. ج: میت. (۵۳) الف: وتر و احتیاط. ب: صبح. ج: نماز شب عید غدیر (رجوع شود به مفاتیح). (۵۴) الف: یومیه. ب: تیره. ج: مستحبی. (۵۵) الف: صبح. ب: نمازهای چهار رکعتی. ج: میت. (۵۶) الف: آنچه که خوردنی و معدنی و پوشیدنی نباشد. ب: معدنی، خوردنی و پوشیدنی. ج: لباس، پشت انگشت و پشت دست. (۵۷) الف: پاک و مباح. ب: ناپاک و غصبی و حریر برای مردان. ج: لباس کوچک و یا لباسی که خون کمتر از درهم در آن باشد. (۵۸) الف: تکبیره الاحرام. ب: تکبیر بی جا به قصد غیر خدا. ج: در بین افعال نماز. (۵۹) الف: زن حائض. ب: مسافر. ج: در مواردی که باید نماز گزار نمازش را جمع بخواند، مثل کسی که به شکار رفته برای این که مالش زیاد شود. (۶۰) الف: با همسفری که سفرش معصیت نیست. ب: با همسفری که سفرش معصیت است. ج: با کسی که به سفر صید می رود تا مالش اضافه شود و سایر مواردی که باید جمع بخواند. (۶۱) الف: شخص در حال طبیعی. ب: برای خطر یا آمدن طلبکار در وسعت وقت. ج: برای گفتن اقامه فراموش شده. (۶۲) الف: کثیرالشک و پنج مورد دیگری که در رسالهها آمده است. ب: موارد هشت گانه شک باطل. ج: موارد نه گانه شک صحیح، مثل شک بین ۳ - ۴. (۶۳) الف: ظهر و عصر و احتیاط. ب: مغرب و عشا. ج: مستحبی. (۶۴) الف: تکبیره الاحرام و ذکرهای واجب. ب: بحول الله. ج: ذکرهای مستحبی به نیت مطلق ذکر. احکام سه بعدی نماز جماعت ۶۵ الف: جمعه. ب: یومیه. ج: مستحبی. (۶۶) الف: اگر در رکعت سه و چهار برسد. ب: اگر در رکعت اول و دوم برسد. ج: اگر در صفهای آخر نماز جماعت باشد و صدای امام را نشنود (در غیر از نماز ظهر و عصر). (۶۷) الف: جامع شرایط. ب: بعضی از شرایط امام جماعت را ندارد؛ مثلاً، نمازش نیست. ج: اگر بعد از نماز بفهمیم که کافر بوده. (۶۸) الف: فطر و قربان. ب: جمعه. ج: یومیه. (۶۹) الف: در افعال نماز. ب: در مواردی که اشتباه می کند و در رکعت سه و چهار اگر ماموم با تاخیر در نماز جماعت وارد شود. ج: در اقوال نماز غیر از تکبیره الاحرام. (۷۰) الف: دو نفره. ب: سه نفره. ج: ۱۰ نفره. (۷۱) الف: ذکرهای نماز. ب: تکبیره الاحرام. ج: حمد و سوره. (۷۲) الف: دائم السفر باشد و یا سفرش معصیت باشد. ب: سفرش چهار فرسخ باشد و دائم السفر هم نباشد. ج: در صورتی که برای صید برود تا مالش زیاد بشود. (۷۳) الف: نماز احتیاط. ب: نماز یومیه. ج: اگر به جای سوره اخلاص، سوره انشراح، والضحی، یا ایلاف و فیل را بخواند که هر دوی اینها یک سوره محسوب می شود. احکام سه بعدی روزه ۷۴ الف: رمضان. ب: فطر. ج: روز مبعث و میلاد علی (ع). (۷۵) الف: قضای روزه ماه رمضان در صورتی که نتوانیم طعام بدهیم. ب: خوردن روزه قضای رمضان بعد از ظهر. ج: روزه یومالشک بین رمضان و غیر آن و روزه مسافر و... (۷۶) الف: روزه ماه رمضان که اگر عمدا آن را بخورد. ب: روزه ماه رمضان که اگر آن را عمداً به حرام باطل کند. ج: روزه شخص مریض دائمی و روزه مستحبی. (۷۷) الف: نسبت دروغ به خدا و معصومین (ع). ب: خوردن. ج: شنا کردن و سر به زیر آب بردن. (۷۸) الف: اگر سهواً باشد. ب: خوردن و آشامیدن اگر عمدی باشد. ج: روزه

مسافر و... (۷۹) الف: اعتکاف. ب: روزه رمضان. ج: مستحبی و روزه نذر و عهد و قسم مطلق. (۸۰) الف: ماه رمضان. ب: مستحبی و نذر و عهد و قسم مطلق. ج: كفاره. (۸۱) الف: کسی که مخارج سال خود را دارد. ب: کسی که مخارج سال خود را ندارد. ج: فاسق و فطریه غیر سادات را به سادات. (۸۲) الف: فرد مکلف سالم. ب: غیر بالغ و حائض و نفساء. ج: مریض. (۸۳) الف: کسی که عمدا سر زیر آب ببرد. ب: غافل و مکره. ج: نجات غریق. (۸۴) الف: اگر عمدا غسل و تیمم نکند. ب: خواب مانده. ج: می‌توانسته غسل کند، ولی تیمم کرده است. (۸۵) الف: مشروع و صحیح باشد. ب: نذر زن بدون رضایت شوهر. ج: نذری که شرایط لازم را نداشته باشد، مثل نذر کودک و یا نذری که صرفا تصمیم بوده نه زبانی. (۸۶) الف: عموم زنها و دخترها. ب: نوه پسری که دختر است بر نوه دختری که پسر است، نسبت به میراث پدر بزرگ. ج: دختر و پسری که نوه‌های دختری شخصی هستند. (۸۷) الف: قسمی که در مقام دفاع و شهادت که لازم باشد. ب: دروغ. ج: معمولی. (۸۸) الف: افراد معمولی. ب: افراد اعدا می. ج: شهید. (۸۹) الف: افراد معمولی. ب: مرتد. ج: مفلس و کسی که اموالش توقیف شده است. (۹۰) الف: مالی که ارزش آن بیش از درهم است. ب: کمتر از درهم باشد. ج: مالی که بیش از درهم ارزش دارد. (۹۱) الف: حد سرقت و قصاص. ب: ارتداد و زنا. ج: حد قذف. (۹۲) الف: ارث و هدیه و مهریه. ب: زاید بر در آمد سال باشد یا سال از آن گذشته باشد و یا... ج: غلات تولید شده که هم به حد نصاب رسیده و هم زاید بر مخارج سال است. (۹۳) الف: زکات. ب: دادن زکات از غیر سادات به سادات. ج: به فقرا نیازمند. (۹۴) الف: در صورت حلال بودن طعام. ب: اگر از مال حرام و مال دیگران باشد. ج: در خانه بستگان و دوستان. (۹۵) الف: کلمه شیطان در قرآن. ب: به عنوان دیگر باشد مثل شیطان بزرگ. ج: در رمی جمرات - سنگ زدن به شیطان. (۹۶) الف: زینتی که شوهر از زن خود بخواهد. ب: در عده وفات (رساله امام مساله ۲۵۱۸). ج: در بین زنان اگر نامحرمی نباشد. (۹۷) الف: در حال احرام (تحریر، ج ۱، ص ۴۲۰). ب: در حال روزه ماه رمضان. ج: در دیدار مؤمنان. (۹۸) الف: زنی که شوهرش مرده باشد. ب: عده طلاق. ج: بعد از وضع حمل یا کسی که یائسه است. والسلام

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

